آستان قدس

متنی پارسی از قرن چهارم هجری ؟

معرفی قرآن خطی مترجم شماره ٤

از

دکتر حائری

شماره ۲

سازمان امور فرهنگی و کتابخانه ها

٢
٨
٣
٧

۶۵۷۷۵

آستان قدس

کتابخانه سعادت
شماره ثبت: ۷۰۲۰۰
تاریخ: ۱۳۸۴/۹/۲۸

متنی پارسی از قرن چهارم هجری ؟

معرّفی قرآن خطّی مترجم شماره ٤

از

دکتر رجائی

شماره ۲

سازمان امور فرهنگی و کتابخانه ها

فهرست مندرجات

مقدّمه ص۱۲-۱

مشخّصات و مختصّات قرآن شمارهٔ ٤ موقّت ص۲۵-۱۲

نموداری از لغات قرآن شمارهٔ ٤ موقّت ص۳۷-۲۵

مقایسهٔ ترجمهٔ برخی از آیات قرآن شمارهٔ ٤ با ترجمهٔ تفسیر طبری
از نظر وجوه اشتراك . ص۷۲-٤۰

مقایسهٔ ترجمهٔ برخی از آیات قرآنِ شمارهٔ ٤ با ترجمهٔ تفسیر طبری
ازنظرِ وجوه افتراق . ص۱۱۳-۷۳

شواهد برای نمایاندن چگونگی ترجمه‌های نزدیك به پارسی سرهٔ
قرآنِ شمارهٔ ٤ ضمن مقایسه با سایر تفاسیر . ص۱٦۰-۱۳۷

شواهد برای نمایاندن برابری واژه‌های پارسی با لغات عربی در ترجمهٔ
قرآنِ شمارهٔ ٤ در عین حفظ زیبائی و استواریِ جملات ص۱۸۸-۱٦۱

شواهد برای نمایاندن برابری واژه‌های پارسی بالغات عربی درترجمهٔ
قرآن شمارهٔ٤ ازنظر دقّت درترجمهٔ ضمایر وبازگردانیدن‌آنها ص۲۱۱-۱۸۹

مقایسهٔ ترجمهٔ شش‌سورهٔ کوچك ازقرآن شمارهٔ ٤ باترجمهٔ تفسیر طبری
و کشف‌الأسرار وروض‌الجنان (تکویر ، طارق ، لیل ، انشراح ،
زلزال ، قارعه) ص۲۱۳-۲۲۸

تکمله ص۲۲۹-۲۳۰

اصلاحِ لازم و سپاسگزاری ص۲۳۱

مشخّصات تفاسیری که درین رساله ازآنها برای مقایسه استفاده
شده‌است . ص۲۳۲

فهرست سوره‌هایی که دراین رساله آیاتی ازآنها نقل شده‌است
(۱۰۳ سوره از مجموع ۱۱٤ سورهٔ قرآن) ص۲۳۳-۲۳۵

این رساله‌را به جناب آقای باقر پیرنیا مردی کـه شیفتهٔ حقیقت و خدمت‌است تقدیم می‌دارد .

متنی پارسی از قرن چهـارم هجری؟

ضرب‌المثلی تازی می‌گوید : جاورِ غنیاً او بحـراً ، همسایه شو توانگری یا دریائی‌را، واز بخت نیك این‌نعمت من‌بنـده‌را در برگ‌ریزِ عمر نصیب‌افتاده‌است. خدمت در آستان قدس رضوی مرا از سوئی در جوار عنایت توانگر جهان معنی[1] وسلطان سریر ارتضـا حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) وازسوی دیگر برساحل بی‌کران کتب ـ این دریچه‌های عالم بالا ـ قرار داده‌است وذلك فضل‌الله یؤتیه من‌یشاء .

درعمق این دریای عظیم بس‌گوهر گرانبها که نهفته‌است اما ازسرپا ساختن وبه‌قعر رسیدن دیگراست وبرساحل‌آرمیـدن وپند راحت‌طلبان بکاربستن دیگر[1] بقول اقبال لاهوری: آن که بر کران می‌آساید جز رمِ موج چیزی نمی‌بیند وآن‌که به‌عمق می‌رسد گوهر می‌یابد[2] .

در میان انبوه کتبِ کتابخانهٔ آستانه ـ این سخنوران خاموش ـ

۱ـ بدریا در منافع بی‌شماراست وگرخواهی سلامت برکناراست
(سعدی)

۲ـ بحرم‌وازمن‌کم‌آشوبی‌خطاست آنکه در قعرم فرودآید کجاست
یك‌جهان برساحلِ من آرمید ازکران غیر از رم موجی ندید
(جاویدنامهٔ اقبال)

نفایس بسیاراست اما باوجود کلام خدا روانیست از کلام بندگان سخن گفته‌شود خاصّه که مجموعهٔ قرآن‌های خطی آستان‌قدس شاید بزرگترین مجموعه ازاین‌نوع در دنیا باشد واگـر لختی دلیری درکارآید شایـد بتوان صفت نفیس‌ترین‌را هم براین تعریف افزود وبراستی قرآن‌ها هست که ازحیث تذهیب وترصیع وخط و ریزه‌کاریهای‌هنری آب‌دردهن‌آرزو می‌گرداند و بیننده‌را به‌حیرت وبهت دچار می‌سازد. نزدیك به‌چهارهزار وپانصد مجلد قرآن وسی‌پارهٔ خطی ازهمه‌نوع و به‌همه‌شکل وبهراندازه: قرآن‌هایی کـه گاه طول یك سطرشان افزون از ۱۰۰ سانتی‌متـراست و قرآن‌هایی که بیش‌از ۱۰سانتی‌متر طول هر سطر آنها نیست، قرآن‌هایی برروی پوست، پارچه و کتان بر روی اوراق پاپیروس یا چوب بانواع خطوط‌ستّه‌بخط‌بزرگترین خوشنویسان قرون وحتی‌خطوط ِ ابداعی چون خط ظهیرالدین محمد بابر امیر کورکانی هند. قرآن‌هایی منسوب به‌ائمّهٔ اطهار و قرآن‌هایی که در حدود هزارسال عمر تحریری دارند و قرآن‌هایی که هنوز به‌صدسالگی نرسیده‌اند و بالجمله مجموعه‌ای‌که نه‌تنها از نظرِ معنی بلکـه از لحاظ مادّه و ظاهرهم باندازهٔ همـهٔ ثروت آستان قدس ارزش دارد .

سابقه نشان می‌دهد که بسیاری ازاین قرآن‌های کهن،سالها بر سرِ مقابر و حجرات پیرامـنِ بقعهٔ مطهّر امام همـام در دست قاریان (وگاه قرّایان...)بوده‌وتلاوت‌می‌شده‌است و بدین‌جهت پاره‌ای از اشك قاری چون دیده و دلش هردو بیدار بوده‌اند و برخی از اشك شمع هنگامی‌که

رهزنان خواب قاریِ خفته‌دل را می‌ربوده‌اند زیان دیده‌اند و برخی از کثرت استعمال فرسوده شده و خاصّه صفحات میانین آنها خُرد گردیده و ازهم فرو پاشیده‌است .

این‌گونه قرآن‌ها در سالهایی‌که به‌تحقیق دانسته نیست و از قرنِ دوازدهم هجری واپس‌ترنمی‌رودبه‌همّت ودرایتِ خردمندان ناشناخته‌ای ـ که روانشان شاد باد ـ گردآوری و به‌کتابخانه منتقل شده‌است.

از میان این‌قرآن‌ها همان‌گونه که رسم جهان‌است آنچه جلوهٔ ظاهر و جمال صورت داشته برسر آمده و فراپیش افتاده و دیدگان را بجانبِ خویش کشیده‌است وآنها که تذهیب وسرلوح و ترصیعی نداشته‌اند چون زیبایانِ بی‌زیور راه به‌مجلس نیافته و باگرد و غبار قرون همزانو وخوگر شده‌اند و اینك زمانِ آن رسیده‌است که دوران مستوریشان بسر آید رخ برافروزند و شبستان اهل معنی‌را منوّر سازند .

این شاهدانِ عالمِ معنی اگر زینت ظاهری ندارند به‌عالی‌ترین و درخشان‌ترین زیور درونی آراسته‌اند و آن‌معنیِ پارسیِ دلکشی‌است‌که همه‌جا سایه‌وار باآنهاست و پایاب‌هایی‌را مانند که به‌مددشان می‌توان از ژرفنای لغات تازی گذشت و سخنِ حق‌را علاوه برزبانِ دل به‌زبان آب وگِل‌هم دریافت خاصّه که فارسی شکراست و زبان مادری از هرزبانِ دیگری رساتر و موزون‌تر .

قرآن‌هایی‌که ترجمهٔ پارسی بهمراه دارند اندك نیست اما دراینجا سخن بر سرِ آنهاست که برای بسیاری از الفاظ و ترکیبات عربی واژه‌ها و برابرهای فارسی دارند .

به‌قرآن‌هایی که درانها فی‌المثل: یوم‌الدین‌را روز جزا و کافرون‌را کافران و رعدرا رعد و برق‌را برق و مسلم‌را مسلمان و مسجدرا مسجد معنی کرده‌اند کاری نداریم، ازانها سخن می‌رود که معنی یوم‌الدّین‌را روزپاداشن و روز شمار و کافرون‌را ناگرویدگان و رعدرا تُندر وبرق‌را درخش و مسلـم‌را گردن نهنده و مسجدرا مزگت یا نمازگاه آورده‌اند .

ضمن بازدید وبررسی ودسته‌بندی قرآنهای فرسوده‌یکسو نهاده‌شده ازاین‌گونه قرآن‌ها که واژه‌های زیبای فارسیشان چون گوهرهای نابسود می‌درخشند و جان می‌بخشند و تاکنون درظلمات گمنامی دوراز دسترسِ فارسی‌زبانان مانده‌اند بیش‌از چهارصد نسخه یافته و برگزیده شده‌است که اگر عمری و توفیق خدمتی باشد باید نسخه‌های مهم آنهارا که کمتر از صد نیست دقیقاً معرفی کرد و به‌عالم ادب و مجامع علمی زبان‌شناسیِ جهان شناساند و درعین‌حال به‌مددِ همکارانی فاضل وهمدل، سخن‌نیوش و سخت‌کوش که عاشق ایران و خادم اسلام و مؤمن به‌ارزش کار باشند همهٔ لغات این چهارصد نسخه تاآنجاکه برابرهای فارسی در معنی لغاتِ تازی بکـار رفته‌است لفظ به‌لفظ و بدقّت بل با وسواس باذکـر مأخذ استخراج و فیش شود و پس‌از بررسی دقیق و اتما م‌کار که چندسال مدت خواهدگرفت فیش‌های نوشته‌شده توسط‌ماشین‌های آی ـ بی ـ ام تنظیم

و بحسب تمام حروف الفبا مرتب گردد و برابرهای فارسی سرهٔ صحیحِ متعددی که برای یك کلمهٔ عربی بدست می‌آید تعیین شود وآن گاه فرهنگنامهٔ قرآنی براساسِ این اسنادِ استوار مدون گردد و در صورت ضرورت از نظر وجوه صیغ افعال و ارتباط آنها با مصادر نیز نظمی دیگر بدان داده شود و کتاب عظیم اصلی که گنجینهٔ بسیار ارزشمندی برای مسلمانانِ فارسی‌زبان خواهد بود ومارا ازبسیاری ازاین‌لغت‌سازیهای بی‌پایه‌مستغنی خواهد کرد بچاپ برسد .

دسته‌بندی قرآن‌هایی که لغات فارسی آنها به‌لهجهٔ قسمت خاصّی از ایران‌است و از نظر لهجه‌شناسی‌و کمك به‌تهیّهٔ اطلس لهجه‌شناسی ایران و جهان اهمیّت بسیار دارد کار فرعی و بعدی خواهد بود که پس‌از کارِ اصلی بایستی انجام گیرد .

انجام‌دادن این امور سهل و ممتنع می‌نماید. سهل‌است اگر یار اهل باشد و توجّه فعلی اولیای امور آستان قدس بدین‌گونه امورِ معنوی استمرار یابد و اصولاً به‌این حقیقت عنایت شود که امام بمعنی پیشواست و این برگزیدگان پیشوایان عالمِ معنی بوده‌اند نه مادّه و برای سعادتِ بشر ازراه بالابردن‌سطح‌معرفت‌انسان‌ها کوشیده ودراین‌راه جان باخته‌اند. دستگاه آستان‌قدس‌هم باید به‌نقش‌معنوی خود درراه‌پیروی ازامام همام علیه‌السّلام بیندیشد و همان‌گونه که در مهمانسرای ظاهر به‌نیازمندان توشِ تن می‌بخشد از گستردن خوانِ معنی نیز برای بهره‌وری جان‌ها غافل نماند و خدای ناکرده برخی کارگزاران همه‌چیز را از دریچهٔ

بازده اقتصادی ننگرند، کشتزارهای معنوی بخوشند وازابرعنایت بارانی نرسد .

از دیدگاه خردمندان دوراندیش وآخربین بازده یك دستگاه معنوی وعلمی همانند کتابخانه ودانشگاه مغزها و جان‌هائی‌است که از کمال بهره‌مند می‌شوند وآثاراین‌بهره‌مندی گاه‌جهانی‌رادگرگون‌می‌کند.

بالجمله از بحث اصلی دور ماندیم . سخن دربارهٔ قرآن ـ این‌کلام آسمانی ـ بود و برابرهای فارسی دقیق و استواری که قرن‌ها ازاین پیش زمینیان آسمان دل برای لغات آن برگزیده و فرزندان را به‌ارث‌نهاده‌اند، برابرهایی که جای بسیاری از آنها امروز در زبان فارسی خالی‌است و در هیچ‌کتاب لغت یا ترجمه و تفسیر دیگری بدان زیبائی و کمال بکار نرفته و اگر رفته بنظر نگارنده نرسیده‌است . بدین برابرهای فارسی باکمال اعتماد می‌توان استناد جست چه این‌گونه مترجمان سخت به‌آئین اسلام پای‌بند بوده و ترجمهٔ کلام خدارا جزبه‌برابرصحیح آن گناه و موجب عقوبت می‌دانسته‌اند .

از جملهٔ این‌گونه قرآن‌های مترجم و شاید بهترین آنها قرآنی‌است پاره و فرسوده و وصالی‌شده که به‌شمارهٔ ٤ موقّت ثبت‌است و مختصّات و مشخّصات آن به‌تفصیل خواهد آمد .

هنگامی که ورق‌های درهم این قرآن که چون اوراق گل ازجای خودبدورمانده‌بود منظّم گردید در نخستین‌بررسی دانسته شد که‌به‌گنجی

دست یافته‌ایم. لغاتِ زیبا و استوار و جاندار فارسی‌را مترجم استاد آن چنان برگزیده و بجای خود نشانده بود که گوهریِ چیره‌دستی رنگین‌دانه‌های گوهررا، والحق چنان سخنی‌را این‌چنین ترجمه‌ای درخوراست.

علائم نسخه‌شناسی چون شیوهٔ خط و نوع کاغذ وچگونگی و اسلوبِ تذهیب و دیگر مشخصات، تحریر نسخه‌را به‌اواخر قرن ششم و اوائل‌قرن‌هفتم می‌کشاند اماکهنگی‌واژه‌ها، فصل ووصل‌ها، نوع‌ترکیبات، ادات وحروف وپسوند وپیشوندها واسلوب سخن ازاین‌حد بسیارقدیم‌تر می‌نمود خاصه‌که شباهتی‌درشیوهٔ‌نگارش‌بین‌این‌ترجمه وترجمهٔ‌تفسیرطبری که در نیمهٔ قرن چهارم نوشته شده‌است مشهود بود . از این‌رو سودمند دانسته‌شد که‌ابتدامقایسه‌ای بین‌این‌ترجمه وترجمهٔ تفسیرطبری بعمل‌آید و شگفت‌آن‌است‌که هرچه‌کارپیش‌ترمی‌رفت شیوائی واستواری ترجمه‌های قرآن شمارهٔ ٤ نمایان‌تر می‌گردید واین‌اعتقاد قوّت می‌گرفت‌که این‌قرآن از روی قرآن قدیم‌تری تحریر یافته و بین زمان نگارش وزمان ترجمهٔ‌آن فاصله بسیاراست .

روش کار بدین‌قرار بود که بی‌انتخابی خاص از سوره‌های مختلفِ قرآن تفأل مانند آیاتی برگزیده می‌شد و جداجدا در صدر ورقه‌هایی نقل می‌گردید. آن‌گاه ترجمهٔ آن آیه از قرآن موصوف در یك‌سوی ورقهٔ مربوط نوشته می‌شد و آنچه در ترجمهٔ تفسیر طبری آمده‌است در سوی دیگر تا امکان مقایسه بهتر فراهم آید .

ازطرف دیگر چون ممکن‌بود بعضی دراصالت‌ترجمهٔ مستقل آغاز

هرسورهٔ ترجمهٔ تفسیرطبری تردید داشته باشند ترجمهٔ تعدادی از آیات ازمتن‌تفسیر استخراج شدتا از این‌لحاظ نیز امکان مقایسه و مایهٔ اطمینان خاطر فراهم آید.

حاصل این‌سنجش یعنی‌مقایسهٔ ترجمهٔ قرآن شمارهٔ ٤ باترجمهٔ تفسیرِ طبری (ترجمهٔ جداگانهٔ آیات و ترجمهٔ مستخرج از متن تفسیر پس‌از حذف اضافات تفسیری) بنظر اینجانب آن‌است که صدی سی الی‌چهل از هردو ترجمه به یکدیگر شبیه و نزدیك‌است و جز این نیز نتواند بود چه معانی **لغات توقیفی**‌است وکلماتی که یك معنی بیش ندارد خواه نخواه در ترجمه مشابه ازکاربیرون‌خواهدشد چون سماء و ارض و ماء و غیث وشمس‌وقمر و یدورجل و نظائر آنها و هم‌لغات مربوط به‌بلاد و اعداد و غالب قسمتهای قصصی و بسیاری از آنچه به‌احکام امضائی مربوط‌است. از سوی دیگر وضع صرف افعال و روابط و ادوات در زمان متقارب همانند و یا بسیار بهم نزدیك‌است.

اما صدی شصت یا هفتاد از موارد که باذوق و سلیقهٔ مترجم ومیزان دانش و احاطهٔ او به‌لطایف هردوزبان بستگی دارد خالی از تفاوت نیست خواه در ترجمهٔ الفاظ بالاستقلال وخواه درمجموع معنی عبارت‌که ضمن شواهد ملاحظه خواهد شد.

بنابرآنچه گذشت شواهدی که برای مقایسه باترجمهٔ تفسیر طبری بدست داده شده و چون مبنای بحث‌است بیش از سایر شواهداست به‌سه دسته تقسیم می‌شود : دستهٔ نخستین شواهدی‌است کـه از متن ترجمهٔ

تفسیر طبری استخراج شده و تابع تقسیم کلی سایر شواهداست (شیوائی ورسائی‌عبارات ـ نگارش به‌فارسی‌سره ـ برابری واژه‌های فارسی‌بالغات تازی ـ دقت در بازگرداندن معانی‌معانی ضمائر) .

دستهٔ دوم وجوه اشتراك‌است یعنی عباراتی‌ازترجمهٔ‌قرآن شمارهٔ ٤ که باترجمهٔ تفسیر طبری نزدیك و بهم شبیه‌است .

دستهٔ سوم وجوه افتراق‌است که خواه از نظر ترجمهٔ مفردات لغات و خواه از نظر معانی تفاوتهائی چه اندك و چه بسیار بین دو ترجمه موجوداست .

بدیهی‌است وجوه تمایز دقیق نمی‌تواند بود و ممکن‌است شاهدی که برای وجه اشتراك آورده شد. در چند کلمه متفاوت باشد و بالعکس و این تقسیم‌بندی فقط از نظر سهولت داوری‌خواننده‌بعمل آمده‌است و حدّ و رسم دقیقی برنمی‌تابد .

نکتهٔ جالب و شایان کمال توجه این‌است که هنگام سنجش موارد افتراق‌غالباًترجمهٔ قرآن شمارهٔ ٤ استوارتر ورساتر و شیواتراست ازاین‌رو این فکر در خاطر قوّت می‌گیرد که ترجمهٔ قرآن شمارهٔ ٤ ممکن‌است در همان حدودی انجام گرفته باشد که تفسیر طبری ترجمه شده‌است یعنی اواسط‌قرن‌چهارم وشاید بوسیلهٔ دانشمندی دیگرازمعاصران‌ماوراءالنهری علمائی که تفسیر طبری را ترجمه کرده‌اند .

البته ممکن‌است سالها بعد از ترجمهٔ تفسیر طبری‌هم مترجم باذوق و دانشمندی بتواند به‌استواری همان زمان ترجمه کند ولی راه احتمال

نخستین گشاده‌تر و باسیر زمان و تطوّر طبیعی زبان سازوارتراست .

بجهات مزبور لازم دیده شدکه ترجمهٔ قرآن‌شمارهٔ ٤ باترجمهٔموجود در سایر تفاسیر اعم از هم‌عصر یامتأخر نیز مقایسه گردد وعین‌آن‌مقایسات در معرض داوری دانش‌پژوهان و محققان قرار داده شود .

سود این‌کار آن‌است که اگر باستناد شواهد مذکور نگارنده در تعیین زمان ترجمهٔ این‌قرآن مصیب باشد متنی عظیم و استوار شامل لغات و ترکیبات بسیار زیبای فارسی از معانی حکمی وفقهی واخلاقی وداستانی برمتون فارسی انگشت‌شمار قرن چهارم هجری افزوده خواهد شد و اگر چنین نباشد برای محققان‌که اصل قرآن‌را دراختیار ندارند وجود شواهد بسیار امکان داوری راستین‌را آسان خواهد کرد و ارشاد و اظهارنظر مستند آنان مشکور خواهد بود و به‌کشف حقیقت مدد خواهد رسانید .

در باب شواهدی که خواهد آمد توجّه به دونکته ضروری‌است: اول آنکه دسته‌بندی آنها چنانکه اشاره شد فقط برای آسانی کار اهلِ تحقیق‌است و نه تجزیهٔ منطقی . فی‌المثل‌ممکن‌است‌آنچه برای فارسیِ سره شاهد آورده شده برای شیوائی و رسائی عبارات نیز شاهدی عدل باشد و یاآنچه از نظر رعایت ترجمهٔ ضمایر دقیق‌است می‌تواند از نظرِ برابری واژه‌ها نیزسودمند افتد ودرهردسته این وضع ممکن‌است تشخیص داده شود .

دوم آنکه عمدی بکار نرفته‌است تا شواهدی خاص که احیاناً در قرآن شمارهٔ ٤ ترجمهٔ بهتری دارد برگزیده شودباین دلیل گاه‌هست که

آنچه از ترجمهٔ تفسیر دیگری آورده شده‌است برترجمهٔ قرآن شمارهٔ ٤ برتری دارد و البته این‌گونه شواهد بسیار نیست .

بنابراین مطـالب آتی بشرح ذیل ذکر خواهد شد :

۱ـ مشخصات و مختصّات قرآن شمارهٔ ٤ .

۲ـ مقایسهٔ ترجمهٔ برخی از آیات قرآن مورد بحث باترجمهٔ مستخرج از متن تفسیر طبری از نظر وجوه اشتراك .

۳ـ مقایسهٔ ترجمهٔ برخی از آیات قرآن مورد بحث باترجمهٔ مستخرج از متن تفسیر طبری از نظر وجوه افتراق .

٤ـ شواهد برای نمایاندن چگونگی ترجمه‌های فارسی سره قرآن شمارهٔ ٤ ضمن مقایسه باسایر تفاسیر مورد استناد .

٥ـ شواهد برای نمایاندن شیوائی ورسائی‌عبارات‌قرآن مورد بحث و مقایسهٔ آن‌ها باسایر تفسیرهای مورد استناد .

٦ـ شواهد برای نمایاندن برابری واژه‌های فارسی بالغات عربی و دقت در بازگرداندن ترجمهٔ ضمائر در دوقسمت :

الف : شواهد برابری واژه‌های فارسی بالغات عربی در عین حفظِ زیبائی و استواری جمله .

ب : شواهدی که نمودار دقّت در ترجمـهٔ ضمائر و برگردانیدنِ آنهاست .

۷ـ مقایسهٔ ترجمـهٔ شش سورهٔ کوچك ا زقرآن شمارهٔ ٤ باترجمهٔ

تفسیر طبری و تفسیر کشف‌الاسرار و تفسیر روض‌الجنان[1] :

الف : سورهٔ تکویر ب : سورهٔ طارق ج : سوره لیل

د : سوره انشراح ه : سورهٔ زلزال و : سورهٔ قارعة .

۱ــ مشخصات و مختصات قرآن شمارهٔ ٤ موقت

قرآنی‌است به‌قطع بزرگ ۲۸/۳×۳٦/٤ سانتی‌متر دارای ۱۸سطر، نُه سطر متن و نُه سطر ترجمه. اندازهٔ مسطر در تحریر ۲۰/٥×۲٦/۸ سانتی‌متر .

کاغذ خانبالغ حنائی‌ضخیم، مجموعه بی‌شیرازه وورق‌ورق وفرسوده و جابی‌بجای پاره و وصالی‌شده. جلد چرمی کهنه سوراخ .

واقف نامعلوم . تاریخ‌تحریر هنگام صحّافی و وصّالیِ آن بر اثرِ بی‌دقتی و نادانی باتیغهٔ برش صحافی از میان رفته‌است همچنین نام کاتب وشاید پدر او . از وضع سورهٔ «ناس» که کلمات «قُل اعوذ برب» آن از بین رفته‌است چنین برمی‌آید که لااقل باید دوکلمه از آغاز سطر بعدی که کاتب نام خود را نوشته هم‌ازبین رفته باشد ولی آنچه از نام اجدادِ کاتب بجای مانده بدین‌قراراست :

« . . . . . سعدُ بنِ عبدِ الجبّاربن احمدالمُکنّی بابی‌الحرث فی

۱ــ دراین‌قسمت ازتفسیر قرآن‌پاك وتفسیر عتیق‌سورآبادی و تفسیرِ بصائر یمینی که دردسترس ومستندسایر مقایسات در این مقاله است سوره‌های موردنظر نیست ناچار باسه‌تفسیرِ مابقی که درمتن ذکر شده است مقایسه بعمل آمد .

رمضان سنه . . . . . »[۱] .

سورهٔ فاتحةالکتاب از این قرآن ساقط و آنچه هست نونویس‌است. صفحهٔ اول از سورهٔ بقره و دوصفحه معوذتین دارای حاشیه و پیشانی و ذیلِ مذهّب بسیار مختصر و کم‌کاراست .[۲]

خط متن نوعی ثلث و خط ترجمه نسخ‌است.و اعراب به‌شنگرف و لاجورد بدین‌ترتیب که برای تشدید و سکون رنگ لاجوردین و جهتِ فتحه و ضمّه و کسره و تنوین شنگرف بکار رفته‌است و تنوین مضموم بخلاف امروز با دوضمّهٔ برروی‌هم نمایانده می‌شود. [۳]

نام سوره‌ها به‌خط رقاع و قلم زر تحـریرداراست و سر سوره‌ها مستطیل ومتّوج ومذهّب در آغاز هرسوره می‌نویسد «سورة التی‌یذکر فیها . . . . » و این‌گونه یادکردن از نام سوره‌ها رسم روزگار کهن‌است و در ادوار اخیر می‌نویسند « سورة . . . » دراین سرسوره‌ها تعدادآیات و کلمات و حروف هرسوره ذکـر می‌شود بامحل نزول آن و قید اینکه اختلافی در تعداد آیات و محل نزول ان هست یانیست .[۴]

نشانه‌ها برای خمسات (هرپنج آیه) در حاشیه ترنجی‌است و برای عشرات (هر ده آیه) دایره‌ای و هردوعلامت و دیگر نشانه‌ها به‌تحریر و زرّ و سفیداب و سرنج و درسوره‌هائی که عدد آیات آن بیش‌از ده‌است در داخل دوائر عشرات قید می‌شود فی‌المثل «عشر» در حاشیهٔ قرآن و مقابل آیهٔ دهم در دائره باخط زرین نوشتـه شده‌است و در مقابل آیهٔ بیستم

۱ــ۲ــ۳ــ۴ رجوع‌شود به‌گراورهای مربوط

«عشرون» در داخل دائره قید گردیده و برای سی‌ام « ثلثون » و چهلم «اربعون» الخ ٥

فواصل آیات بادوائر زرین مشخص گردیده و برابر هرلغت یاترکیب عربی درترجمهٔ دائرهٔ زرین بسیار کوچکی گذارده شده‌است تامعلوم باشد که واژهٔ فارسی ترجمهٔ کدام لفظ یا ترکیب عربی‌است .

در حواشی قرآن درآغازِ هرجزو مستطیل‌هایی ترسیم شده و داخل آنها بخط رقاع وقلم‌زر تحریردار عددآیات وکلمات وحروف ونقطه‌هایِ آن‌جزو نوشته شده‌است و بدنبال آنهـا هم در حـاشیه مستطیل های دیگری‌است که جمع عدد و هریك از حروف تهجی موجود در قرآن‌را از الف تا یا «باتخصیص حرف اول یعنی الف برای جزو اول و حرف دوم یعنی ب برای جزو دوم الخ» نشان می‌دهد . فی‌المثل حرف یازدهم از حروف تهجّی که « حرف الزّآء » است در حواشی جزءیازدهم مسطور است بشرح ذیل باتفکیك مندرجات هرمستطیل و بعین عبارت : «الجزء الحادی عشر من اجزاءالثلثین عدد آیاته مائه + وخمس وخمسون آیه و الفان‌وستمایه + وتسع وخمسون‌کلمة وعشرةالف + وسبع‌مأته وثمانیه احرف و الف + ومآئتان واثنان وعشرون نقطه + و جمیع مافی‌القرآن من حروف + الزا الف وستمایه + وثمانیة احرف» ٦-٧-٨

در نگارش همزه‌های بعد از الف یا آغازی کرسی خاصی بصوتِ « ا » برای همزه قرار نمی‌دهد فی‌المثل «یاایّهاالذین» را همه‌جا «یاءیها

٥-٦-٧-٨ رجوع‌شود به‌گراورهای بهمین‌شماره

الذین» می‌نویسد و این‌رسم در سایر قرآن‌های قدیم خطی‌هم وجوددارد. و همچنین‌است سایر کلمات مشابه چون «یااولی‌الالباب» که می‌نویسد : «یاؤلی‌الالباب» .

برابر «هَل» از ادوات استفهام در ترجمه غالباً «چیز» می‌آوردمگر در مقام نتیجه‌گیری از مقدماتی که قبلاً ذکر شده‌باشد مانند:

فتری‌القوم فیها صرعی کانّهم اعجاز نخل خاویة فهل‌تری لهم من‌باقیة «سورهٔ الحاقة آیهٔ ۷ـ۸ـ۹ ص۵۹۹» .

ترجمه : ببینی گروه را درآن افتاده پنداری که این بُن های خرمابُن‌اندی میانه تهی، هیچ بینی ایشان را هیچ بازمانده‌ای .

اما در سایر موارد که سخن مسبوق برمقدماتی نیست ترجمهٔ هَل « چیز »است : هَل‌ینظرون الاّ ان‌تاتیهم‌الملایکة «سورهٔ نحل آیهٔ۳۳ ص۲۸۳» .

ترجمه : چیز همی‌پایند مگر آن‌را که بیاید به‌ایشان فریشتگان .

ایضاً همان سوره وصفحه،آیهٔ۳۵: فهل علی‌الرسُل الاّ‌البلاغ‌المبین

ترجمه : چیز هست برپیغامبران مگر رسانیدن پیدا .

[اذتمشی اختُك فتقول] هل ادلّکم علی من‌یکفُله فرجعناكَ الی امّك کی‌تقرّ عینها . . . «سورهٔ طه آیهٔ ۴۰ ص۳۳۱» .

ترجمه : چیز راهنمون باشم شما را بر کسی که بپذیرد ورا بازگردانیدیمت[1] سوی مادر تو تا روشن شود چشم وی .

۱ــ اصل بازگردانیدیمش

هل فی‌ذلك قسَم" لذی حِجر «سورهٔ فجر آیهٔ ٥ ص٦٢٩» .

ترجمه : چیز دراین هست سوگند مرخداوند خودرا .

یاایّهاالذین امنوا هل ادلّکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم .

«سورهٔ صف آیهٔ١٠ ص٥٨٣».

ترجمه : یاآن‌کسها که بگرویده‌اید چیز راه‌نمودنی کنم شمارا بر بازرگانی که برهاند شمارا از عذاب دردگن .

فقل هل‌لك الی ان تَزکّیٰ «سورهٔ نازعات آیهٔ١٨ ص٦١٨» .

ترجمه : بگوی چیز باید ترا که خویشتن پاك گردانی .

هل‌اتیك حدیث‌الغاشیَه «سورهٔ غاشیه آیهٔ ١ ص٦٢٨» .

ترجمه : چیز آمد بتو خبر پوشیده .

هل‌اتیك حدیث‌الجنود «سورهٔ بروج آیه١٧ ص٦٢٦»

ترجمه : چیز آمد بتو خبر سپاهها .

هل ثوّب‌الکفّار ماکانوا یفعلون «سورهٔ مطفّفین آیهٔ٣٦ ص٦٢٤».

ترجمه : چیز پاداشن دارند ناگرویدگان از آنچه همی کردند .

همزهٔ استفهام در غالب موارد ترجمه نمی‌شود فقط گاهی ترکیب جمله مفید معنی استفهام‌است :

ءَاَنتم اشدُّ خلقاً امِ السماء بَناها «سورهٔ نازعات آیه٢٧ ص٦١٩»

ترجمه : شما سخت‌ترید بآفرینش یا آسمان (که) برآوردش .

ایَحسبَ‌الانسان الن نجمع عِظامَه «سورهٔ قیامت آیه ٣ ص٦١١»

ترجمه: همی‌پنداردمردم که گرد نیاریم استخوانهای ورا .

الا یَظُنُّ اولئك انّهم مبعوثونَ لیوم عظیم «سورهٔ مطفّفین آیه ٤ـ٥ ص٦٢٣» .

ترجمه: بی‌گمان‌نه‌اند ایشان‌که ایشان‌را برانگیزند مرروزی‌بزرگ‌را.

افلا ینظرون الی‌الاِبل کیف خُلقَت «سورهٔ غاشیه‌آیهٔ۱۷ ص٦٢٨»

ترجمه : همی‌ننگرند سوی اشتر چگونه آفریدش .

الم تر کیف فَعَل بعاد «سورهٔ فجر آیه٦ ص٦٢٩».

ترجمه: نگاه نکنی چگونه کرد به‌گروه عاد .

الم نجعل له عینین «سورهٔ بلد آیهٔ ۸ ص٦٣٠» .

ترجمه : نه‌بکردیم اورا دوچشم .

الم نشرح لكَ صدرك «سورهٔ الم نشرح آیهٔ۱ ص٦٣٣» .

ترجمه : نه‌فراخ گردانیدیم دلِ ترا .

الم یَعلم بان‌الله یَری «سورهٔ قلم[1] آیهٔ ١٤ ص ٦٣٤» .

ترجمه : همی‌نداند که خدای بیند .

الیس‌اللهُ باحکَم‌الحاکمین «سورهٔ تین آیهٔ ۸ ص ٦٣٤» .

ترجمه : نه‌خدای دادگرترین همهٔ دادگران‌است .

۱ــ چنین‌است عنوان سوره درقرآن شماره ٤ و شماره٥٩ موقت درسایر قرآن‌های‌متأخر نام‌این‌سوره«علق» می‌باشد. درعوض سوره « قلم » که باعبارت: «ن والقلم ومایسطرون»آغاز می‌شود در قرآن شماره٤٨سورهٔ «نون» نام دارد .

الم‌تر کیف فَعَل ربّك باصحاب‌الفیل «سورهٔ فیل آیهٔ ۱ ص۶۳۸»
الم یجعَل کَیدهم فی‌تضلیل «سورهٔ فیل آیهٔ ۲ ص۶۳۸».
ترجمه : نگاه نکنی چگونه کرد خداوند تو باخداوندانِ پیل ـ
نه‌کرد سازش بدایشان درگُم‌بودگی

برای ادوات و حروف تأکید چون لام (لَ) و انّ وقَد غالباً در ترجمهٔ فارسی برابری نمی‌آورد مگر در مواردی که از ذکر مقدمات قصد اخذ نتیجه باشد و همچنین‌است حال حرف عطف فا (فَ) .

شواهد برای لام (لَ) : قالوا خیراً للّذین احسَنوا فی‌هذه‌الدنیا حَسنة" ولَدارالآخرة‌خیر"ولنِعم دارالمتّقین «سورهٔ‌نحل آیه۳۰ص۲۸۲»

ترجمه : گویند نیکی آن‌کس‌هاراکه نیکی کردند دراین‌جهان نیکی است وسرای بازپسین بهتر ونیك‌سرای‌است مر پرهیزکاران را .

فانّ ربّکم لرؤف" رحیم «سورهٔ نحل آیه۴۷ ص۲۸۴» .

ترجمه : خدای شما مهربان‌است بخشاینده .

فلاُقطّعنّ ایدیَکم و ارجلکم من خلافٍ ولأصلّبنّکم فی‌جذوع النّخل ولتعلمنّ ایّنا اشَدُّ عذاباً وابقی «سورهٔ طه آیه ۷۱ ص۳۳۴» .

ترجمه : ببرم دستهای شما و پایهای شما از ناهمواری و بیاویجم شمارا اندر چوبهـای خرمابُنان و تابدانید کیست ازما سخت عذاب‌تر و پایدارتر .

انّه لقولُ رسول کریم «سورهٔ تکویر آیهٔ ۱۹ ص۶۲۱» .

ترجمه : که این گفتار پیغامبری است بزرگوار .

انّ علیکم لحافظین ـ کراماً کاتبین ـ یعلمون ماتفعلون ـ انّ الأبرار لفی نعیم ـ وانّ الفجّار لفی جحیم . « سورهٔ انفطرت آیهٔ ۱۰ ، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱٤ ص ٦۲۲» .

ترجمه : برشما نگاهبانند ـ بزرگواران نبیسندگان ـ بدانند آنچه شما همی کنید ـ که نیکان اندر نعمت باشند ـ و بدان اندر دوزخ .

کلا انّ کتاب الفجّار لفی سجّین ـ ثم انّهم لصالوا الجحیم ـ کلا انّ کتاب الأبرار لفی علیّین «سورهٔ مطففین آیهٔ ۷، ۱٦، ۱۸ص٦۲۳» .

ترجمه: چنین نبایدکه نامهٔ بدان درسجین باشد ـ پس ایشان درآیند بدوزخ ـ حقا که نامهٔ نیکان اندر برترین باشد .

کلاّ لو تعلمون علم الیقین لترونّ الجحیم ثم لترونّها عین الیقین ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم «سورهٔ تکاثر آیهٔ ۵، ٦، ۷، ۸ ص٦۳۷» .

ترجمه : نباید چنین اگر بدانستئی دانستنی بی گمان ببینیددوزخ را باز ببیند ورا بی گمان باز بپرسند شمارا آن‌روز از نعمت .

شواهد برای اِنّ : چنانکه گذشت تنها هنگامی که نتیجه گیری در کاراست ادوات تأکید معنی شده‌است و در دیگر موارد برابری در فارسی دیده نمی‌شود فی‌المثل در دوآیهٔ پیاپی که‌ذیلاً ذکرمی گردد « اِنّ» در نخستین‌قسمت کـه بلافاصله پس‌از مقدمات و بـرای اخذ نتیجه بوده به «هرآینه» ترجمه شده‌است و« اِنّ» بعدی باآنکه‌در آغاز عبارتی نظیر

اولی آمده ترجمه نشده‌است :

[الم نشرح لك صدرك و وضعنا عنك وزرك الّذی انقض ظهرك ورفعنا لك ذكرك] فانّ مع العسر یسرا انّ مع العسر یسرا .

ترجمه: هرآینه با هرسختئی آسانی‌است با هر سختئی آسانی‌است «سورهٔ الم‌نشرح آیهٔ ۱، ۲، ۳، ٤، ٥، ٦، ص٦٣٣» .

در کلیهٔ شواهد ذیل «انّ» ترجمه نشده‌است :

. . . قال احدهما انّی ارانی اعصر خمراً وقال‌الآخر انّی ارانی احمل فوق رأسی خبزاً «سورهٔ یوسف آیهٔ ٣٦ ص٢٥٠» .

ترجمه، گفت یکی ازآن‌دو من‌دیدم خویشتن‌را که می‌فشاردم مَی و گفت دیگری من بدیدم خودرا که می‌بردم زَبَرِسر خویش نان .

وما ابریء نفسی انّ‌النفس لامّارة بالسّوء الاّ مارحِمَ ربی انّ ربی غفور" رحیم .

ترجمه : و بیزار نگردانم تن خویش‌را که تن فرمایندهٔ بدی‌است‌مگر آن‌را که ببخشاید خداوند من که‌خداوند من آمرزنده‌است بخشاینده «سورهٔ یوسف آیهٔ ٥٢ ص٢٥٢» .

انّی آنست ناراً ـ انی" انا ربّك فاخلع نعلیك انّك بالوادالمقدس طُوی ـ انّنی انا‌الله «سورهٔ طه آیات ۱۰، ۱۲، ١٤ ص٣٣٠» .

ترجمه : من دیدم آتشی ـ منم که من خداوند توام بیرون‌کن نعلین خویش که تو جایگاهی پاکی ـ منم که من خدایم .

انّه لکبیرکم‌الذی عَلَّمَکُم‌السِحر «سورهٔ طه‌آیهٔ۷۱ ص٣٣٤»

ترجمه : وی‌است بزرگ شما آنکه بیاموزنیـد شمارا جادوی .

فقلنا یا آدم انّ هذا عدوٌ لك ولزوجك «سوره‌طه آیه۱۱۷ ص ۳۳۸»

ترجمه : بگفتیم یا آدم این دشمن‌است ترا و مر زن ترا .

کلاّ انّ الانسان لیطغی ـ ان رآه استغنی ـ انّ الی ربك الرّجعی «سورهٔ قلم[1] آیهٔ۶،۷،۸ ص۶۳۴» .

ترجمه : نباید چنین که مردم گردن بَرد بدان که بیند خویشتن‌را بی‌نیاز . سوی خداوند تو باز گشتن .

انّه علی ذلك لشهید و انّه لحُبّ الخیر لشدید «سورهٔ عادیـات آیهٔ ۷ـ۸ ص۶۳۶» .

ترجمه : او (یعنی خدا) بران گواست و او (یعنی مردم) بردوستی خواسته سخت‌است .

شواهد برای قَد : موردی که قد برای اخذ نتیجه از مقدمات قبلی (بدرستی) ترجمه شده‌است :

ان کنتم خرجتم جهاداً فی‌سبیلی وابتغاء مرضاتی تسرّون الیهم بالمودّة وانا اعلم بما اخفیتم وما اعلنتم ومن یفعله منکم فقد ضلّ سواءالسبیل . «سورهٔ ممتحنه آیهٔ۱ ص۵۷۹» .

ترجمه : اگر شما بیرون آمده‌اید بکوشیدن در راه من و جُستنِ خشنودی من پنهان همی‌کنید باایشان دوستی و من داناترم بآنچه پنهان کردید و آنچه آشکـارا کردید و هرکه بکند از شما بدرستی گم کرد

۱ــ رجوع‌شود به‌پاورقی صفحهٔ ۱۷

راه راست .

عدم ترجمهٔ قَدّ در همان سوره و صفحه آیهٔ ۳ : قدکانت لکم اسوة" حسنة" فی ابراهیم والّذین معه .

ترجمه : هست مرشمارا راه‌بردنی نیکو در ابراهیم و آن‌کسها که باوی بودند .

قال قد اوتیت سؤلك یا موسی «سورهٔ طه آیهٔ ۳۶ ص۳۳۱» .

ترجمه : گفت بدادند ترا خواست تو یا موسی .

قد افلح الیوم من استعلی «سورهٔ طه آیهٔ ٦٤ ص۳۳۳» .

ترجمه : بمراد رسید امروز آنکه برتر آید .

ومن یأته مؤمناً قدعمل الصالحات فاولئك لهم الدرجات العلی، «سورهٔ طه آیهٔ ۷۵ ص۳۳٤» .

ترجمه : و هرکه بیاید گرویده که کرده باشد نیکی‌ها ایشانند که ایشان‌را باشد پایگاهها برترین .

الذین آمنوا قد انزل الله الیکم ذکرا «سورهٔ طلاق آیهٔ۱۰ ص۵۹۰».

ترجمه : آن‌کسهاکه بگرویدند فروفرستاد خدا سوی شما یادکردی.

قد احسن الله له رزقاً «سورهٔ طلاق آیهٔ۱۱ ص۵۹۱».

ترجمه : نیکو گردانید خدا اورا روزی .

قالوا بلی قدجاءنا نذیر" فکذّبنا «سورهٔملك آیهٔ۹ ص۵۹٤» .

ترجمه : گویند آری آمد بما بیم‌کننده‌ای بدروغ داشتیم .

ولقد کذّب الذین من قبلهم فکیف کان نکیر «سورهٔملك آیهٔ۱۸

ص۵۹۵» .

ترجمه : و بدروغ داشتند آن کس‌ها کـه از پیش ایشان بودند چگونه بود عذاب من .

قد افلَحَ من‌زکّیها وقد خابَ من‌دسّیها «سورهٔ‌شمس آیهٔ ۱۰،۹ ص۶۳۱» .

ترجمه: بمراد رسید[1] آنکه پاك گردانید تن‌را و نومید گشت آنکه پنهان کرد ورا .

شواهدبرای حرف عطف فا (فَ) : موردی‌که فا برای نتیجه‌گیری به«پس» ترجمه شده‌است :

یومَ یَتَذکّرالانسانُ ماسعی وبرزت الجحیم لمن‌یری فاما من‌طغی وآثرالحیوةالدنیا فان‌الجحیم هی‌المأوی «سورهٔ نازعات‌آیهٔ ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹ ص۶۱۹» .

ترجمه : آن‌روز یادآرد مردم آنچه کردست و بیرون آرند دوزخ‌را مران‌را که ببیند پس هرکه گردن بَرد و بگزیند زندگانی این‌جهان که دوزخ جایگاه وی‌است .

ولی در سایر مـوارد «فا» ترجمه نشده‌است . فاستَجاب له ربّه فصرف عنه کیدهنّ انّه هوالسمیع‌العلیم «سورهٔ‌یوسف آیهٔ۳۴ص۲۵۰»

۱ــ «رسند» هم می‌توان‌خواند

ترجمه : پاسخ داد اورا خداوند وی باز گردانید از وی کید بدزنان که وی هست که وی شنواست دانا .

قال القها یاموسی فالقیها فاذا هی حیّة" تسعی «سورهٔطه آیهٔ۱۹،۲۰ ص۳۳۰» .

ترجمه: گفت بفکن یاموسی بیفکندش همان گاه ماری گشت همی دوید

یاایّهاالمدّثر قم فانذر و ربّك فکبّر و ثیابك فطهّر والرّجز فاهجر ولا تمنن تستکثر ولربّك فاصبر فاذا نقر فی الناقور فذلك یومئذ یومٌ عسیر «سورهٔ مدثر آیهٔ ۱ تا ۹ ص۶۰۹»

ترجمه : یاسر بجامه درکشیده برخیز بیم کن وخداوند خویش را بزرگ دار و جامهٔ ترا پاك دار وازپلیدی کناره گیر ومنّت منِه بسیار وخداوندِ خویش را شکیبا باش. چون در دَمند درصور، آن روز روزی باشد دشخوار.

فبایّ حدیث بعده یؤمنون «سورهٔ مرسلات آیهٔ۵۰ ص۶۱۶» .

ترجمه : بکدام سخن پس ازاین بگروند .

فذوقوا فلن نزیدکم الاّ عذاباً ـ فمن شاءاتّخذ الی ربّه مآبا . «سورهٔ نباء «عمّ»» آیات ۳۰، ۳۹ ص ۶۱۷ ـ ۶۱۸» .

ترجمه : بچشید که نه افزائیم شمارا مگر عذابی ـ هرکه خواهد بگیرد سوی خداوند خویش بازگشتنی .

فالیوم الّذین آمنوا من الکفّار یضحکون «سورهٔ مطففین آیهٔ۳٤ ص۶۲٤» .

ترجمه : امروز آن‌کسها که بگرویدند از ناگرویدگان همی‌خندند .

الّذی خلَقكَ فسوّیك فعَدلكَ «سورهٔ انفطار آیهٔ۷ ص۶۲۲» .

ترجمه : آنکه بیافرید ترا بالاراست‌کردت و راست آفریدت .

فلیَعبدوا ربَّ هذاالبیت «سورهٔ قریش آیهٔ۳ ص۶۳۹» .

ترجمه: بپرستید خداوندِ این‌خانه‌را .

فذلكالّذی یدُعُّالیتیم «سورهٔ ارأیت آیهٔ ۲ ص۶۳۹» .

آن آنکسی‌است‌که سرد کند و باز زند یتیم‌را .

باآنکه ضمن بررسی شواهد و مقایسات برابرهایِ فارسی که برای لغات عربی در قرآن شمارهٔ ٤ آمده‌است دیده خواهد شد ذیلاً نموداری ازلغات وترکیبات مجرّد ازعبارات بدست داده می‌شود شاید پژوهشگران و ادب‌دوستان‌را سودمند افتد :

* * *

نموداری از لغات قرآن شمارهٔ ٤ موقت

الف :

آیات : درستی‌ها

آل : مردمان

ابتِغاء : جُستن

ابن‌السَّبیل : راه‌گذریان

ابیهِ : بابك خویش

اتِّباع : بدُم‌رفتن

اتَّبَعُ : برپی همی‌روم

اثم : بزه

اجمَعین : همگنان
اُصلِبنَّکُم : بیاویجم
اجمَعین : همه‌گان
اَضفاث : شوریده
احبار : دانشومندان
اَطعَنا : فرمان بُرداریم
اُحصروا : باز داشته شدند
اعتَدت : بساخت
اِختَلفُوا : ناهموار گشتند
اِعصار : بادگرم بنیرو
اَدا : گزاردن
اِغلِظ : درشت‌باش
اِذاً : همیدون
اَفرغ : فروریز
اِذن : دستوری
اَفوز : نیك‌بخت گشتی
اراذِل : فرومایگان
اَقوَم : راست‌تر
اَرتابَت : گمان‌مند گشت
اکثر : بیشترین
اَرحام : زهدان‌ها
اَکِنَّه : پوششها
اَرض : زمی
اِلتقَتا : روی بروآوردند
اَساطیرُ الاوَّلین:نبشتگیهای‌پیشینیان اُمَم : گروهان
اَساور : دست‌برنجن‌ها
اُمِّیین : نانبیسندگان
اِستشهَدوا : گوانهید :
اَنجینا : برهانیم
اِستوقد : برافروغت
اَنصار : یاری‌گر
اِسراف : از اندازه گذشتن
اِنفِصام : شکستگی
اسلام : گردن‌نهادن
اُوحِیَ : پیغام فرستاده آمد
اَسلمتُم : گردن نهادید
اَوزار : گناهان
اَصحاب : باشندگان
اُولواالاَلباب : خداوندان خردها
اِصر : بارگران
ایمان : گروش

ب :

بَأساء : سختی

بادی‌الرأی : ظاهربینان

باعْیُنِنا : بدیدار ما

بَدا : پدیدآمد

بَرق : درخش

بَشَر : مردم

بِضعَ سِنین : کم‌از ده‌سال

بَعد : سپس

بَعض : بهر

بقیَّه : بازمانده

بَلاغ : پیغام رسانیدن

بُهِتَ : فروماند

بیع : خرید وفروخت

ت :

تتوفّیهم : جان‌بردارند ایشان‌را

تَثبیت : استواری

تحیَّت : درودادن

تخفیف : سبك‌گردانیدن

تُدهِن : می‌اندایی

تُذِلّ : خوارکنی

تَربَّصوا : چشم دارید

تَرك : دست بازداشتن

تَرکْتُ : دست بازداشتم

تَستَفْتِیان : همی پاسخ جویید

تصویر : نگاشتن

تَضِلَ : فرامشت کند

تَّعفُفْ : خویشتن‌داری ونهفتگی

تکونَ بباشیمی

تمسَّکُم : بپساود شمارا

تولِج : اندرآری

ث :

ثاقب : رُخشان، درفشان

ثَجّاج : ریزنده

ثَقُلتْ : گران شود

ثَقیل : گران

ثُلث : سه‌یك

ثَمن‌بخس : بهای اندك

نَیَّبات : شوی‌کردگان

ج :

جاهِد : کارزارکن

جَرَحْتُم : بتوزید

جَزاء : پاداشن

جِزیه : گزیت

جنّات عَدن : بوستانهای درنگی

جَنَّت : بوستان

جهرةً : رویاروی

جَهَّزهُم : گسی کرد ایشان‌را

ح :

حاجِزین : بازدارندگان

حاسِبنا : شمارکردیم باوی

حاشَ لله : دوری باد بخدای

حاصِب : سنگ‌ریزه

حاضِرة : دست‌بدست

حاکم : کارگُزار

حَبِطَت : تباه‌گشت

حَرْث : کِشت

حَسْبُهُ : بسندست اورا

حَصْحَصَ : پدید آمد

حَفِدَة : نبیرگان

حَفیظ : نگاهبان

حکیم : صواب‌کار

حَلاّف : سوگندخواره

حمید : ستوده

حِملُ بَعیر : بار اشترواری

حَمیم : خویشاوندی

حَول : گرد برگرد

خ :

خابَ : نومید گشت

خاشِعة : فروخوابنیده

خالِص : یکتاه

خامِدین : مرده‌افتادگان

خَبیث : پلید

خَبیر : آگاه

خُذها : بگیرش

خزائِن : گنج‌خانه

خِزْی : رسوایی

خُشِعَت : نرم شود

خَفَّت : سبك‌آید

خَلَقَ : بیافرید

خَلق : آفرینش

خَوف : بیم

د :

داب : خوی

دابَّة : جنبده

دابر : دنبال وبن وبیخ

دارُ الآخرة : سرای بازپسین

دَخَل : حیله

دَفع : بازداشت

دکَّة : کوفتن

دونِهِ : جزوَی

دِیار : سرایها

ذ :

ذاقَت : بچشید

ذاغُصَّة : بابگلو اندرماندن

ذَراکُم : بیافرید شمارا

ذَرْنی : دست‌باز دار مرا

ذَروا : بجا مانید

ذِکر : یادکردن

ذالکُم : آنتان

ذُلَل : فرمان‌بردار

ذَلول : فرمان‌بردار

ذوانتقام : کینه‌گزار

ذوسِعَة : بافراخی

ذی‌القُربیٰ : خویشاوندان

ر :

رابیَة : آشکارا

رادفَة : سپس آینده

راسخُون : استواران

راضیَة : پسندیده

رانَ : غلبه کرد

رأی‌العین : بدیدار چشم

رتّل: آهسته خوان

رُجوم : انداختن ودورکردن

رُعب : بیم وترس

رفیق : یار وهم‌پشت

رکَّبَكَ : برهم نشاندت

رَهان : گروگان

رُهبان : خداپرستان

رَهبَة : بیم

ز :

زاغوا : بکشتند

زَرابیّ : شادروانها

زُرْق : کبودچشم

زَفیر : بانگ

زَمهَریر : سرما

زَهرة : آرایش

زینت: پیرایه

س :

سراب : همانا

سَمّاعون : شنوندگان

سَواء : یکسان

سبب : ساز

سُبحانه : پاکست وی

سَخِروا : فسوس کردند

سِعَة : فراخی

سُفهاء : کم خردان

سکینه : آرامش

سلامٌ علیك : بد مرساد ترا ازمن

سُلَّم : نردوان

سَلوی : ورتیج

سِنَة : غنودن

ش :

شارِبین : آشامندگان

شرکاء : انبازان

شفاعت : خواهش‌کردن

شَفْع : جفت (درمقابل طاق)

شَفَق : نشان آفتاب فروشدن

شفیع : خواهشگر

شَقَقْنا : بشکافتیم

شُکر : سپاس‌داری

شَقِیّ : بدبخت

شُهَداء : گوایان

شُهید : گوا

شَهَوات : آرزوها

شَهیق : خروش

شَیْب : سپیدسر

شیطان : دیو

ص :

صابرین : شکیبایان

صاغِرون : خواران

صَبَّ : فرو ریخت :

صببنا : فروریختیم

صُحُف : نامه‌ها

صَدُّوا : بازداشتند

صُدور : دلها

صدِّیقین : راستگویان ــ راست‌دلان

صَف : رسته

صَفْصَف : هامون

ض :

ضَبْح : دُم‌زننده

ضَرّ : سختی

ضَرّاء : تنگی

ضَریع : خار آتشین

ضِدّ : همتا

ضَلَّ : گم شد

ضلالت : گمراهی

ضَیق : تنگ‌دلی

ط :

طائف : گردنده

طارِق : آیندهٔ شب

طاغُوت : بتان
طَبِعَ : مُهر نهاد
طَرائق : گونه‌گونه
طفی : گردن بُردست
طَفِقا : بساختند
طَوعاً اوکَرهاً : بکام یا ناکام
طیِّبین : خوشان ــ پاکان

ظ :

ظالِمون : بیدادگران
ظَعن : رفتن
ظَلَّ : همه‌روزه بباشد
ظِلال : سایه‌ها
ظلیل : سایه‌کننده از آفتاب
ظَهیر : نگهدار

ع :

عامِلون : کارکنندگان
عِجاف : نزار
عداوت : دشمنادگی
عُروة : گوشه
عَزیز : سخت‌کار ــ استوارگیر
عشِّی : شبانگاه
عشیرت : تبار
عَفا : درگذاشت
عَفو : اندرگذاشتن
علَّمه : بیاموزنیدش

غ :

غاسِق : تاریکی
غافِل : بی‌آگاهی
غافلین : بی‌آگاهیان
غُثأ : خشك
غَداة : بامداد
غُرور : فریفتن
غَزْل : ریسمان
غَشیهم : پوشیدشان
غَضبان : خشم‌آلود
غَفور : آمرزگار : آمرزنده
غِلاظ : درشتان
غَیب : ناپیدایی
غَیر منقُوص : ناکاسته

ف :

فَاستَجاب : پاسخ داد

فاستَقِم : راست باش

فاسِقین : بی‌فرمانان

فحشاء : ناخوبی

فَجَرَة : بد مردان

فتنه : آزمایش

فتی : جُوامرد

فَرِحوا : شادان شدند

فذلِکُنَّ : اینتان

فَضل : افزونی

فَقر : درویشی

فوق : زبر

ق :

قاتَلَهُم : هلاك کنادشان

قاتَلوا : کارزار کنید

قادرون : اندازه کنندگان

قارعه : کوبنده

قاع : دشت

قانت : فرمان‌بُردار

قاهِر : فروشکننده

قَبَس : آتش‌پارهٔ فروغته

قَدَّمتُ : پیش فرستادمی

قَذَفَ : درافکند

قَرضٌ : فام

قِسط : داد

قَضی : بگزارد

قُطوف : میوه‌چیدن

قَلَّبوا : زیرو زبر کردند

قواریر : آبگینه‌ها

قول : گفتار

قیامت : راستخیز

قَیُّوم : ستاده

ك :

کاتِبین : نبیسندگان

کاس : جام

کاشِف : گشاینده

کاذِبون : دروغزنان

کافِرون : ناگرویدگان

کَرِهَ : دشوار دارند

کساد : ناروایی
کسب : اندوختن
کَشَفَ : بردارد
کَفّار : ناسپاس دار
کَفَرَت : ناسپاس‌دار شدند
کفی : بسندست
کَید : سازش
کَفیل : پذرفتار
کُنْ : بباش
کَواعِب : کنیزکان پستان برآورده

ل :

لاأبرَحُ : زاستر نشوم
لاتَبْتَئِس : اندهگن مشو
لاتَحْمِل : برمنه
لاتُزِغ : مگرایان
لاتسئموا : بستوه مشوید
لاتفتِنّی : میاشوبان مرا
لاتُفسدوا : تباه‌کاری مکنید
لاتَطْرُد : دور مکن و مران
لایأبَ : باز مه‌ایستد
لایُحیطونَ : برنرسند
لَبِثْتَ : درنگ کردی
لَقا : رسیدن
لَمَسوا : بپسودندی
لَن‌تَمسَّنا : نپساود مارا
لوح : تخته
لهو : فسوس
لَیَطْمئِنَّ : تابیارامد

م :

مآب : جای بازگشتن
مال : خواسته
مؤذن : آواز دهنده
مؤمنات : گرویدگان زنان
مؤمنون : گرویدگان مردان
مُبدّل : برگرداننده
مبشّر : مژده دهنده
مبعوثین : برانگیختگان
متاع : برخورداری
متشابهات : مانندهٔ یك‌دگر
مخلَصین : یکتاه‌گردانیدگان

مدبِرین : سپس‌روندگان
مرسَلین : پیغامبران
مُرسیها : فرواستادن وی
مَرید : ستنبه
مُنْزِلین : فرودآرندگان
مسجد : مزگت
مُستَضْعِفین : زبون‌گرفتگان
مُستغفرین : آمرزش‌خواهان
مسمّی : نام‌زده کرده
مشرکین : انبازگیران
مشیّده : بلند برآورده
مُصلِحون : خوب‌کاران
مُطوّعین : افزونی دهندگان
مَعاذَ الله : بازداشت خواهم بخدا
مَغْفرة : آمرزش
مفارات : نهان‌گاه
مکَذّبین : دروغ‌زنان
مکر : سازش بد
مکین : جایگیر
ملائکه : فریشتگان

مُلك : پادشائی
ملّت : دین
مَن : ترنگبین
مَنّ : سپاس‌نهادن
منافق : دوسره
منافقون : دوسره‌گان
مِن دونِهِ : از فرود وی
مُنتظرون : پایندگان ــ چشم‌دارندگان
مُنکَر : ناخوبی
مَواطِن : جایگاهها
موعظة : پند
میثاق : پیمان

ن :

نَباء : آگاهی
نَجزی : پاداشن کنیم
نَحشُرُهم : گرد آریمشان
نخیل : خرمابنان
ندا : آوازدادن
نذر : پیمان خدا
نذیر : بیم‌کننده

نَسَیْنا : فرامشت کنیم
نَصاری[1] : ترسایان
نُصَرِّف : بازگردانیم
نور : روشنایی
نهی : بازداشتن

و :

واصِب : پیوسته
وُثقی[1] : استوارترین
وَتین : رگ‌جان
وِرداً : خوارکرده
وِزر : بارگران
وَزنُوهُم : سنجند ایشان‌را
وزیر : یاری‌گر
وَسَقَ : گرد آرد
وَفْداً : بنواخت بُرده
وُلِدتُ : زادم
وصیَّت : اندرز
ولیّ : دوست و یار
وکیل : کارساز
وهّاج : تابنده
وَیل : وای

هـ :

هاجروا : ببرید (یعنی ازکسان)
هَداهُ : راه نمودش
هزل : سخن بیهوده
هَزموا : بشکستند
هَمَّ : آهنگ‌کرد
هون : خواری
هوی[1] : کام
هنیئاً : گوارنده
هَیْتَ : بیای‌هان ــ بیاراستم

ی :

یأبی‌الله : نپسنددخدای
یاحسرتنا : یا پشیمانیا
یالیتنی : یاکاشکی
یؤمنون : بگروند
یجزی : پاداشن دهد
یحسِبُ : پندارد
یحلفون : سوگندخورند
یُحمی : بتفساند

یَخْطِف : برباید
یُدرککم : اندریابد
یَستجیب : پاسخ‌کند
یَستهْزیٔ : فسوس نماید
یَصِلون : پیوندند
یُصوّرکم : بنگارد شمارا
یَصنعُ : بکرد
یُضاهون : مانندگی همی‌کنند
یُطفِؤُا : فرونشانند
یَظُنّون : گمان برند
یفترون : دروغ بافتند
یَفقهوا : برافتند [1]
یُقیمون : بپای دارند
یَکتُب : همی‌نبیسند
یَکنِزون : گنج نهند ــ بیاکنند
یوم‌الآخر : روز بازپسین
یَنهون : باز دارند

۱ــ یعنی دریابند و هنوز این لغت درخراسان بکار می‌رود .
شاهد دیگر برای «برافتادن» از قرآن شمارهٔ ۴۱۲ کتابخانهٔ آستان قدس

ومنهُم من یستمع الیك و جعلنا علی قلُوبهم اکِنّة ان یفقَهوه وفی آذانهم وقراً وان یروا کلّ آیة لا یُؤمنوا بها حتّی اذا جاؤك یُجادلونك یقول‌الّذین کفَروا ان هذا الاّ اساطیرالأوّلین .

ترجمه : وزایشان کس‌است گوش همی دارد سوی تو و بکردیم بردلهای ایشان پوششهایی تا برنیفتندش و اندرگوشهای ایشان کری واگر بینند هرنشانی نگروند بوی تاچون بیایند بتو پیکارکنند باتوهمی‌گویند آن کسها که نگرویدند نیست این مگر نبشتگیهای پیشینیان .

ص۱۸

۲

مقایسهٔ ترجمهٔ برخی از آیات

قرآن شمارهٔ ٤

بـا

ترجمهٔ تفسیر طبری

از نظر وجوه اشتراك

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

آل عمران، آیهٔ ٥٦

ترجمه از تفسیر طبری :

اماآنکسهاکه کافر شدند عذاب‌کنم ایشانرا عذابی سخت اندراین جهان وآن جهـان و نیست ایشانرا هیچ یاری‌کننده .

ج۱ ص۲۱۳

ترجمه از قرآن شمارهٔ ٤ موقت کتابخانهٔ آستان قدس

اما آنکسها که کافر گشتند عذاب‌کنم ایشانرا عذابی سخت درین‌جهـان و آن‌جهان و نباشد ایشانرا از هیچ یاری‌دهنده‌ای .

ص٦٠

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

آل‌عمران، آیهٔ ٦٠

بحق‌ازخداوند تومباش‌ازگمان‌مندان

ج۱ ص۲۱٤

راستی از خداوند تواست مباش از گمان‌مندان .

ص ٦٠

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ

آل‌عمران، آیهٔ ۱۷۸

ترجمهٔ تفسیرطبری

و مه‌پندارند آنکسها که کافر شدند که زمان دادن ما ایشانرا بهتر تنهای ایشانرا، که‌زمان‌دهیم‌شان تابیفزایند بزه، وایشانراست عذابی خوارکننده

ج۱ ص۲٦٥

قرآن شمارهٔ ٤

و مه‌پندارند آنکسها که کافر گشتند که آنکه همی زمان دهیم ایشانرا بهتراست مرتنهای ایشانراهمی‌زمان دهیم ایشان‌را تابیفزایند بزه و مر ایشانراست عذابی خوارکننده .

ص ۷٦

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

آل عمران، آیهٔ ۱۹٤

خداوندا بده‌مارا آنچه وعده‌کرده‌ای مارا برپیغامبران تو، و مه‌رسوا کن مارا روز رستخیز، که تو نه‌خلاف کنی وعده‌را .

ج۱ ص۲٦۷

یاپروردگار ما بده مارا آنچه وعده کردی مارا تو و رسوا مگردان مارا روز راستخیز کـه تو خلاف نکنی وعده‌را .

ص۷۹

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

ابراهیم، آیهٔ ۲۰

و نیست آن برخـدای عزّ وجلّ دشخوار .

ج۳ ص۸۲۰

و نیست آن برخدا دشخوار .

ص ۲۷۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ
آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا ۚ وَكَانَ عِندَ اللَّهِ وَجِيهًا

احزاب، آیهٔ ۶۹

ترجمهٔ تفسیرطبری

ای آن کسها که بگرویدید مه‌باشید چون آنکسها که دشخواری نمودند موسی‌را، بیزارکرد اورا خدای از آنچه‌گفتندوبودنزدیك‌خدای عزوجل روی‌شناس . ج۵، ص۱۴۳۴

قرآن شمارهٔ ۴

یا آنکسها کـه بگرویده‌اید مباشید چون آن کسی‌که بیازاردند موسی‌را بیزار گردانید خدا ازآنچه گفتند و بودنزدخدا باآب‌روی یاروی‌شناس ص ۴۴۸

اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا

اسری۱، آیهٔ ۱۴

ور خوان نامهٔ کردار ترا بسنده‌است بتن تو امروز برتو گواه و شمارکن . ج۴، ص۸۹۳

برخوان نامهٔ خویش بسندست تن‌تو امروز برتو شمارگیر . ص۲۹۶

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ
أَنبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

انعام، آیهٔ ۵

بدرستی که بـدروغ داشتند بحق [چون] آمـد بـدیشان ، زود بیاید بدیشان خبرهای آنچه بودند بدان می‌افسوس کنند (۱) . ج۲ ص ۴۳۶

دروغ داشتند راست را چون بیامد بایشان زودباشد که بیاید به‌ایشان خبرها بآنچه بودند کـه بوی همی فسوس کردند . ص ۱۳۳

لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

انعام، آیهٔ ۶۷

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ۴
هرچیزی(۱)را آرامش‌گاهی‌است و زود باشد که‌بدانید. ج۲ ص۴۴۶	مر هرخبری‌را آرام‌گاهی‌است وزود باشد که بدانید . ص ۱۴۱

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ

انفطار، آیهٔ ۴

وچون گورها زیر و زبر شود . ج۷ ص۱۹۹۳	و چون گورها زیر و زبر گردانند . ص ۶۲۱

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

بقره، آیهٔ ۳

آنکسهای که بگروند بنهانی و بپای دارند نماز، وزانچه روزی‌کردیم‌شان هزینه کنند . ج۱ ص۲۰	آنکسها که بگروند بناپیدایی و بپای دارند نمازرا و آنچه روزی دادیم ایشان‌را هزینه کنند . ص ۱

أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

بقره، آیهٔ ۵

ایشانند برراه راست ازخداوندشان و ایشانند ایشان رستگاران . ج۱ ص۲۰	ایشانند برراه راست از خداوندِ خویش‌وایشانندکه‌ایشان‌رستگارانند ص ۲

۱ــ کذا .... و در پاورقی کتاب بدرستی حدس زده‌اند که باید «خبری» باشد .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

بقره، آیهٔ ٦

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
بدرستی که آنکسها که کافرانند ، یك‌سانست بریشان اگر بیم کنی‌شان یا بیم نکنی‌شان، نه‌گروند . ج۱ ص۲۰	آن‌کسها کـه نگرویدند یکسانست برایشان اگر بیم کنی ایشانرا یا بیم نکنی ایشانرا نگروند . ص۲

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ

بقره، آیهٔ ٤٥

و یاری خواهید در شکیبایی و نماز کردن که‌آنست‌بزرگ‌مگربرترسکاران ج۱ ص٦٣	و یاری خواهید بشکیبایی و نماز و آن بزرگ‌است مگـر برفروتنان و ترسکاران . ص ۷

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

بقره، آیهٔ ٥٢

پس اندر گذاشتیم از شما از پس آن تا مگر شما شکر کنید . ج۱ ص٦٤	پس درگذاشتیم از شما از پس آن تا مگر شما سپاس‌داری کنید . ص۸

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ

بیّنه، آیهٔ ٥

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
و نه‌فرموده شدند مگر که بپرستند خدای عزّ وجلّ را بپاکی و یکتایی اورا دین پاکیزه و بپای دارند نماز و بدهند زکوة، آنست دین راست . ج۷، ص۳۰۳۹	ونه‌فرمودند ایشان‌رامگر که‌بپرستند خدای‌را یکتاه گردانیده اورا دینِ مسلمانی پاکیزگان وبپای دارند نماز را و بدهند زکات‌را و اینست دینِ امّتی راست‌پاکیزه . ص ٦٣٤

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ

بلد، آیهٔ ١٦

یا مسکینی خداوند گردروی . ج۷ ص۲۰۲۱	یا درویشی را که برخاك خسبد . ص ٦٣٠

أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ

تکاثر، آیهٔ ١

مشغول گردانید شمارا بیشتری جستن . ج۷ ص۲۰٤۷	مشغول گردانید شمارا بیشتری جستن . ص ٦٣٦

وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ ۚ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ

توبه، آیهٔ ٦٥

واگر بپرسی ایشانراگویندکه: بودیم نادانان و بازی میکردیم، بگوی : ای بخدای و آیتهای او و پیغامبر او بودید و می‌افسوس‌کردید . ج۳ ص٦١٨	واگر بپرسی ایشانرا گویند ما سخن نابکار همی‌گفتیم و بازی همی‌کردیم بگوی بخدای وآیتهای وی وپیغامبر وی همی فسوس کردید . ص ۲۰۵

فَسَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا ۖ فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ

حاقه، آیهٔ۷

ترجمهٔ تفسیرطبری

بگماشت آنرا برایشان هفت شب و هشت روز از پس یکدیگر، بینی‌گروه را اندرآن او فتاده گویی ایشان خرما بنانی‌اند از بُن برکنده.

ج ۷ ص۱۹۲۱

قرآن شمارهٔ ٤

بگماشت آنرا برایشان هفت شب و هشت‌روز پیوسته ببینی گروه را در آن افتاده پنداری که ایشان بُنهای خرمابُن‌اندی میانه تهی.

ص ۵۹۸

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ

حج، آیهٔ۳

و از مردمان کس‌است که پیکار کند در هستی خدای بوی(۱) دانش و پس‌روی می‌کند هردیوی‌ستنبه‌ای.

ج٤ ص۱۰۵۲

و ازمردمان کس‌است پیکار همی‌کند اندر خدای بی‌دانش و بدم همی‌رود هردیوی جهندهٔ ستنبه‌را.

ص ۳٤۹

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

حج، آیهٔ ۳۸

دستوری دادند آنکسهارا که کارزار کنند بدان که ستم کردند ورایشان که خدای بریاری‌کردن ایشان توانا است.

ج٤ ص۱۰۵۸

دستوری داده شود آنکسهارا که کارزار کنند که به‌ایشان ستم رسید و خدا بریاری‌کردن ایشان تواناست

ص ۳۵٤

۱ــ کذا ... وظاهراً «بی‌دانش»

وَمَآ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ

حجر، آیهٔ ٤

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
و نه‌کردیم ما هلاك هیچ اهل دیهی و شهری را که نه‌آن مردمان دیه را نبشته‌ای بود دانسته.	و هلاك نکردیم هیچ دیهی مگر ایشان را نبشته‌ای بود دانسته یعنی که هلاك گردند.
ج٤ ص ٨٣٩	ص ٢٧٤

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ

ذاریات، آیهٔ ٢٠

و اندر زمین نشانهاست بی‌گمانان‌را.	ودرزمین نشانهاست مر بی‌گمانان‌را.
ج ٧ ص١٧٥٢	ص ٥٤٨

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ

ذاریات، آیهٔ ٤٧

و آسمان‌را بنا کردیم بدستها و ما فراخ آفریننده‌ایم.	و آسمان‌را بنا کردیم بقوّت و ما فراخ‌کاریم.
ج ٧ ص ١٧٥٤	ص ٥٥٠

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ

رحمن، آیهٔ ١٥

و بیافرید پری را از زبانه از آتش	وبیافرید پری‌را اززفانه‌ای ازآتش.
ج ٧ ص ١٧٨٥	ص ٥٥٩

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ

روم، آیهٔ ۱۴

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ۴
و آن‌روز که بپای شود رستاخیز آن روز بپراکنند . ج ۵ ص ۱۳۹۸	و آن‌روز که بپای خیزد راستخیزآن روزبپراکنند . ص ۴۲۵

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

زخرف، آیهٔ ۱۰

آنکه‌کرد شمارا زمین بسترگاه، وکرد شمارا اندران راهی تا مگر شما راه یابید . ج ۶ ص ۱۶۵۷	آنکه کرد شمارا زمین بسترگاه وکرد شمارا اندرآنجا راهها تامگرشما راه یابید . ص ۵۱۳

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَٰنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ

زخرف، آیهٔ ۱۹

و کردند فریشتگانرا آنکسهاکه ایشان بندگان خدایند مادگان. گواه بودند آفریدن ایشان ؟ که بنبیسند گواهی ایشان و بپرسندشان . ج۶ ص۱۶۵۷	وکردند فریشتگانرا آنکسهاکه ایشان بندگان خدای بودند مادگان حاضر بودندیاهمی‌گوایی می‌دهندبه‌آفریدن ایشان همی نبیسند گوایی ایشان و بپرسندشان . ص ۵۱۴

فجعلناهم سلفا ومثلا للآخرين

زخرف، آیهٔ ٥٦

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
وکردیم ایشانرا گذشته‌ای و داستانی دیگران‌را. ج٦ ص١٦٦٢	کردیم ایشان‌را پیش گذشتی‌وداستانی بازپسینان. ص ٥١٧

یا عبادی لا خوف علیکم الیوم ولا أنتم تحزنون

زخرف، آیهٔ ٦٨

ای بندگان من نیست ترس برشما امروز و نه‌شما تیمار دارید. ج ٦ ص ١٦٦٣	یا بندگان من نیست ترس برشما امروز و نه‌شما تیمار دارید. ص ٥١٨

أم یحسبون أنا لا نسمع سرهم ونجواهم بلی ورسلنا لدیهم یکتبون

زخرف، آیهٔ ٨٠

یا می‌پندارند که ما نشنویم پنهانی ایشا نو آشکارای ایشان؟ بلی، که رسولان ما نزدیك ایشان می‌نبیسند. ج ٦ ص ١٦٦٤	یاهمی پندارندکه ما می‌نشنویم‌پنهان ایشان و آشکارای ایشان آری پیغامبران ما بنزدیك ایشان همی نبیسند. ص ٥١٩

فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره

زلزال، آیهٔ ٧

هرکه‌کند بسنگ‌مورچه‌ای نیکی‌بینند آن. ج ٧ ص ٢٠٤١	هرکه بکند همسنگ مورچه‌ای نیکی بیند آنرا. ص ٦٣٥

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا
فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ

زمر، آیهٔ ۵۶

ترجمهٔ تفسیرطبری

که گوید تنی که یاپشیمانیا برآنچه ازحداندرگذاشتم اندرطاعت ناکردن خدای عزّ وجلّ و بدرستی که بودم از افسوس‌کنندگان ج ۶ ص ۱۵۷۷

قرآن شمارهٔ ٤

که‌بگویدتنی‌یاپشیمانیابرآنچه‌سستی کردم اندرحق خدای و اگرچه‌بودم از فسوس‌کنندگان .

ص ٤٨٧

بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ

زمر، آیهٔ ٦٦

بل‌که خدای را بپرست و باش از سپاس‌داران و شاکران .

ج ٦ ص ۱۵۷۸

نه‌که خدای را بپرست و بباش از سپاس‌داران .

ص ٤٨٨

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ
فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ
مِنْ ظَهِيرٍ

سبا، آیهٔ ۲۲

بگو : بخوانید آنکسها را که دعوی کردید بجز خدای، پادشاهی ندارند همسنگ مورچه‌ای اندر آسمانها و

بگو بخوانید آنکسهارا کـه دعوی کردند بجز خدا، پادشائی ندارند همسنگ مورچه‌ای در آسمانها ونه

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
نه‌اندر زمین و نیست مرایشانرا اندران هردو هیچ انبازی، و نیست مراورا از ایشان هیچ یاری‌گری .	در زمین و نیست ایشانرا در هردو هیچ انبازی و نیست ورا از ایشان هیچ یاری‌گری .
ج ٦ ص ١٤٥٩	ص ٤٥١

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۖ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي ۚ إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ

سبا، آیهٔ ۵۰

بگوی : اگر من گم کردم گم برتن خویش کردم، و اگر راه راست یابم بدان‌است‌که‌وحی‌فرستادبمن‌خداوند من که وی شنواست و نزدیك‌است.	بگو اگر من گم کردم هرآینه گم برتن خویش کردم و اگر راه راست یابم بدانست‌که وحی‌فرستادبمن‌خداوند من که وی شنواست و نزدیکست .
ج ٦ ص ١٤٦٢	ص ٤٥٥

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

سجده، آیهٔ ۱۳

و اگر خواستیمی ما بدادیمی هرتنی را راه راست، ولکن واجب شدگفتار ازمن تاپرکنم دوزخ ازپریان‌ومردمان همه .	و اگر بخواستیمی بدادیمی هرتنی را راه راست وی . ولکن واجب‌گشت گفتار از من که پر کنم دوزخ ازپریان و مردمان همه .
ج ٥ ص ١٤١٧	ص ٤٣٦

وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ

شعرا، آیهٔ ۸۵

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
و بکن مرا از میراث بران بهشتِ نعیم .	و بکن مرا از میراث بران بهشتِ بانعمت .
ج ۵ ص ۱۱٦٦	ص ۳۹۰

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ

شعرا، آیهٔ ۱٦۸

گفت لوط علیه‌السلم که : من هستم کردار شمارا از دشمن‌داران .	گفت منم کردار شمارا از دشمن‌داران .
ج ۵ ص ۱۱۷۲	ص ۳۹۳

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

شعرا، آیهٔ ۱۷۸

که من شمارا پیغامبری‌ام استوار .	منم شمارا پیغامبری استوار .
ج ۵ ص ۱۱۷۳	ص ۳۹٤

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

شمس، آیهٔ ۹

و بدرستی که برست آنکه پاکیزگی کرد .	بمراد رسید آنکه‌پاك‌گردانید تن‌را.
ح ۷ ص ۳۰۲۳	ص ٦۳۰

وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَجَعَلَهُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَلٰكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

شوری، آیهٔ ۸

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
و اگر خواهد خدای عزّ وجل کند ایشان‌را امتی یگانه، ولکن اندرآرد آنرا که‌خواهد اندربخشایش او، و ستم‌کاران‌نیست ایشانراهیچ‌دوستی و نه‌یاری دهی . ج ٦ ص ١٦٣٨	و اگـر خواهد خدای کند ایشانرا گروهی یگانه، اندرآردآنراکه خواهد دررحمت خویش، وستم‌کاران‌نباشد ایشانرا هیچ یاری و نه‌یاری دهی . ص ۵۰۷

اَللّٰهُ الَّذِي اَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

شوری، آیهٔ ۱۷

خدای عز وجل آنکه فرو فرستاد کتاب براستی و ترازو و چه‌دانا کرد ترا مگر رستاخیز نزدیك‌است . ج ٦ ص ١٦٤٠	خدای‌است آنکه فرو فرستاد کتاب براستی و ترازو و چه‌دانی تو مگر راست‌خیز نزدیکست . ص ۵۰۸

اَللّٰهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

شوری، آیهٔ ۱۹

خدای‌عزوجل‌باریك‌دان‌است‌ببندگان خویش روزی دهد آنرا که خواهد. و اوست بانیرو و بی‌همتا . ج ٦ ص ١٦٤٠	خدای مهربانست ببندگان خویش روزی دهد آنرا که خواهد واوست بانیرو [ی] بی‌همتا . ص ۵۰۸

وَجَزٰٓؤُا سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللّٰهِ
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظّٰالِمِينَ

شوری، آیهٔ ٤٠

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
وپاداش‌بدی‌بدی‌است همچنان‌وهرکه اندرگذارد ونیکی‌کند مزد اوبرخدای است‌که او نه‌دوست‌دارد ستم‌کاران را .	و پاداشن بدی باشد بدی همچنان هرکه اندر گذارد و نیکوکرد مزدِ اوست برخدای‌که وی ندارد دوست ستم‌کاران‌را .
ج ٦ ص ١٦٤٣	ص ٥١١

وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ

صافات، آیهٔ ٧

و نگاهداشتی از هردیوی ستنبه .	و نگاهداشتی از هردیوی بد ستنبه .
ج ٦ ص ١٥١٦	ص ٤٦٧

وَعَجِبُوٓا أَن جَآءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ
هٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ

سورهٔ ص، آیهٔ ٤

و عجب داشتند که آمد بدیشان بیم کننده‌ای از ایشان و گفتند کافران که اینست جادوی دروغزن .	و شگفت داشتند که بیامد بایشان بیم کننده‌ای از ایشان و گفتند ناگرویدگان‌این‌جادوی‌است دروغزن
ج٦ ص١٥٥٢	ص ٤٧٤

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنْذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

سورهٔ ص، آیهٔ ۶۵

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ۴
بگوی که : من بیم‌کننده‌ام، و نیست هیچ خدای مگر خدای عزّ وجل یکی یگانه شکنندهٔ کامها و غلبه‌کننده .	بگو من بیم‌کننده‌ام و نیست هیچ خدای مگر خدای یکی خدای فروشکننده .
ج ۶ ص ۱۵۵۹	ص ۴۷۹

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

ضحی، آیهٔ ۹

اما یتیم را مه‌بانگ‌زن .	اما یتیم را فرو مشکن .
ج ۷ ص ۲۰۲۷	ص ۶۳۲

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

ضحی، آیهٔ ۱۱

و اما به‌نعمت خدای خویش سخن گوی .	و به‌نعمت خداوند خویش سخن‌گو یعنی شکر کن .
ج ۷ ص ۲۰۲۷	ص ۶۳۲

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ

طه، آیهٔ ۱۸

گفت این‌عصای من‌است تاورخسبم بران و برگ بریزانم بدان از درخت برگوسپندان خویش و مرا درآن حاجتهای دیگراست .	گفت آن عکازهٔ من‌است برچفسم بروی و برگ ریزانم برگوسپندان خویش و مرا بدین عصا حاجتهای دیگرست .
ج ۴ ص ۹۸۷	ص ۲۳۰

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَٰذَا إِلَٰهُكُمْ وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ

طه، آیهٔ ۸۸

ترجمهٔ تفسیرطبری

بیرون آورد ایشانرا گوساله تن‌آور مر اورا بـود بانگی گفتند اینست خدای شما و خدای موسی فراموش کرد . ج ٤ ص ٩٩٤

قرآن شمارهٔ ٤

بیرون آورد ایشانرا گوساله‌ای تنی اورا بانگی‌گفتند این‌خدای شماست و خدای موسی فرامشت کرد . ص ٣٣٥

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا

طه، آیهٔ ۱۱۵

بدرستی که پیمان کردیم وا آدم از پیش ــ یا محمد ــ فراموش کرد و نیافتیم اورا استواری .ج ٤ ص ٩٩٨

و پیمان‌کردیم باآدم ازپیش‌فرامشت کرد و نیافتیم مراورا استواری‌یعنی برآن عهد . ص ٣٣٨

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا

فاطر، آیهٔ ۳۹

و اوست آنکه کرد شمارا خلیفتان اندرزمین وهرکه‌کافر شود براوست عقوبت کفر او، و نفزاید کافرانرا کفر ایشان نزدیك خدای ایشان مگر دشمنادگی(۱) ونفزاید کافرانراکفر ایشان مگر زیان‌کاری .ج٦ ص١٤٩٣

و وی‌است آنکه بکرد خلیفتان در زمین هرکه کافر گردد بروی باشد کفر وی و نیفزاید کافرانرا کفر ایشان نـزد خداونـدایشان مگـر دشمناذگی ونیفزاید کافران را کفر ایشان مگر زیان‌کاری . ص ٤٦٠

۱ــ ظ: دشمناذگی

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

فتح، آیهٔ ۱

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
ما بگشادیم مرترا گشادنی پیدا .	ما بگشادیم مرترا گشادنی پیدا .
ج ٦ ص ۱۷۱۰	ص ٥٣٦

لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

فتح، آیهٔ ۲

تابیامرزد مرترا خدای آنچه پیش رفتست از گناه تو و آنچه سپس‌آید و تمام کند نعمت خود برتو و راه نماید ترا راه راست .	تا بیامرزد ترا خدای آنچه پیش رفتست از گناه تو و آنچه سپس‌آید و تمام کند نعمت خود برتو و راه نماید ترا راه راست .
ج ٦ ص ۱۷۱۰	ص ٥٣٦

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

فتح، آیهٔ ۱۹

و غنیمتهای بسیار که بگیرند اورا و هست خدای عزیز استوارکار .	و غنیمتهای بسیار که بگیرند آن‌را و هست خدای عزیز استوارکار .
ج ٦ ص ۱۷۱۲	ص ٥٣٩

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ

فجر، آیهٔ ١٤

که خدای تو برراه گذراست .	که خداوند تو برراه گذرست .
ج ۷ ص ۲۰۱۷	ص ٦٢٨

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا فرقان ۷۴

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
و آنکسهاکه گویند خداوندما ببخش مارا اززنان‌ما و فرزندان‌ما روشنایی چشمها و بکن مارا پرهیزگاران و پیش‌رو .	و آنکسها که گویند خداوند ما بده مارا از جفتان ما و فرزندان ما روشنایی چشمها و بکن مارا مر پرهیزگاران را پیش‌رو .
ج ۵ ص ۱۱٤۷	ص ۳۸۵

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

فصلت، آیهٔ ۸

حقا که آنکسها که بگرویدند وکردند نیکیها ایشانراست مزدی ناکاسته .	آنکسها که بگرویدند و بکردند نیکیها ایشانراست مزدی ناکاسته .
ج ٦ ص ۱٦۱۸	ص ٤۹۹

وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

فصلت، آیهٔ ۳۷

و اگر بشوراند ترا از دیو شوریدنی بازداشت خواه بخدای عزّوجل که اوست او شنوا و دانا .	و اگر بشوراند ترا ازدیو شورانیدنی بازداشت خواه بخدای که وی‌است که وی شنواست دانا .
ج ٦ ص ۱٦۲۲	ص ۵۰۳

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

فلق، آیهٔ ۱

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
بگوی بازداشت خواهم بخداوندِ گشایندهٔ بامداد .	بگوی بازداشت خواهم بخداوندِ سپیده .
ج ۷ ص ۲۰۷۸	ص ٦٤١

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

قصص، آیهٔ ٦۹

و خداوند تو آفریند آنچه خواهد و برگزیند و نه‌بود ایشانرا برگزیدن پاکست خدای عزّ وجل و برترست از آنچه انباز گیرند .	و خدای تو بیافریند آنچه خواهد و بگزیند نباشد ایشانراگزیدن‌پاکست خدای و برترست از آنچه همی‌انباز گیرند .
ج ۵ ص ۱۲۷۱	ص ٤۱۳

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

سورهٔ ق آیهٔ ۱٦

و بدرستی که بیافریدیم مردمان‌را و دانیم آنچه بشورد بدان تن او و ما نزدیك‌تریم بدان از رگِ جان .	و ما بیافریدیم مردم را و بدانیم‌آنچه اندیشه کند بوی تن وی و ما نزدیك‌تریم به‌وی از رگِ جان .
ج ۷ ص ۱۷٤۱	ص ٥٤٥

وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ

قلم، آیهٔ ١١

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
و مه‌فرمان کن هرسوگند خواره‌ای حوار . ج ٧ ص ١٩١٤	و فرمان مبر هرسوگند خواره‌ای سست دل . ص ٥٩٥

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبًا

کهف، آیهٔ ٦٢

چون اندر گذشتند از آن‌سنگ گفت موسی مریوشع‌را بیار چاشتی مارا که برسیدیم از سفرکـردن ما این برنجی و تعبی . ج ٤ ص ٩٣١	چون‌بگذشتندگفت مرجوامردخویش را بیار بما چاشت ما که ما دیدیم از سفر ما این رنج . ص ٣١٦

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ

لقمان، آیهٔ ٦

و از مردمان هستند که بخزند بازی حدیث تاگم گردند از راه خـدای عزوجل بجز دانش و گیرند آنـرا افسوس‌ایشانندکه‌ایشانراست‌عذابی خوارکننده . ج ٥ ص ١٤٠٧	و ازمردمان‌کس‌است‌که بخردبیهوده سخن تاگمراه‌گرداند از راه خدای بی‌دانش و بگیـرد آنـرا افسوس ایشانندکه ایشانراست عذابی‌خوار- کننده . ص ٤٣١

وَإِذْ قَالَ لُقْمَٰنُ لِٱبْنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ يَٰبُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِٱللَّهِ ۖ إِنَّ ٱلشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

لقمان آیهٔ ۱۳

ترجمهٔ تفسیرطبری

گفت لقمان پسر خویش‌را و او پند همی‌داد اورا که: یا پسر مه‌انبازگیر بخدای عـّزوجل حقاکه انباز گرفتن ستم‌کاری‌ای‌است بزرگ .

ج ٥ ص ١٤٠٩

قرآن شمارهٔ ٤

و چون گفت لقمان مرپسر خویش را و وی همی پند داد ورا یا پسرك من انبازمگیر بخدای که انبازگرفتن ستمی است بزرگ .

ص ٤٣٢

يَٰبُنَيَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُن فِى صَخْرَةٍ أَوْ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوْ فِى ٱلْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا ٱللَّهُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

لقمان، آیهٔ ١٦

ای‌فرزند من حقاکه اگر باشد مقدار یك‌دانه ازسپندان‌باشد آن‌دانه اندر سنگی یا اندر آسمان یا اندر زمین داندآنراخدای، حقاکه‌خدای‌عزوجل باریك‌دانست وآگاه برهمه‌چیزی .

ج ٥ ص ١٤٠٩

یاپسرك‌من اگرباشد همسنگ‌دانه‌ای از سپندان بباشد اندر سنگی یا اندر آسمانها یا اندر زمین بیارد آنراخدا که خدا خردبین آگاه‌است .

ص ٤٣٢

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

مائده، آیهٔ ۸۶

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
یابی‌سخترمردمان‌بدشمناذگی‌آنکسها که بگرویدند جهودان و آن‌کسها که انباز گرفتند ویابی نزدیك‌تر ایشان بدوستی آنکسهاکه بگرویدندآنکسها گفتند ماییم ترسا‌آن . آن بدان که آن ازیشان مهتدانند و خداوندانِ زهد وایشان‌نزبزرگ‌منشی‌کنند(۲). ج ۲ ص ۴۲۲	بیابی سختربن مردمان بدشمناذگی آنکسهارا کـه بگرویدند جهودان و آنکسها کـه انباز گرفتند و بیابی نزدیکترین ایشان بدوستی آن‌کسها را که بگرویدند آن کسها که‌گفتند ما ترساییم آن بآنست کـه ازیشان زیرکانند و خـداترسانند و ایشان بزرگ‌منشی نکنند . ص ۱۲۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

مائده، آیهٔ ۹۰

یا آنکسها که بگرویدید مه‌حرام‌کنید پاکیهای‌آنچه حلال‌کرد خدای شمارا ومـه ازحد اندرگذرید که خـدای نه‌دوست‌دارداز‌حداندرگذرندگان‌را. ج ۲ ص ۴۲۳	یاآنکسهاکه‌بگرویده‌ایدحرام‌مگردانید خوشیها و پاکیها آنچه حلال کرده است خدا شمارا و از حد درمگذرید که خدای دوست ندارد از حد اندر گذرندگان‌را . ص ۱۲۷

فَذٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ ماعون، آیهٔ ۲

ترجمهٔ تفسیرطبری	ترجمهٔ تفسیرطبری
آنست آنکه [باززند] یتیم‌را . ج ۷ ص ۲۰۶۳	آن کسی‌است که سرد کند وباززند یتیم‌را . ص ۶۳۸

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ

مؤمن آیهٔ ۱۲

گویند بار خداوند ما بمیرانیدی مارا دوبار و زنده گردانیدی مارا دوبار مقر آمدیم ما بگناهان ، هست مارا سوی بیرون‌شدن هیچ راهی ؟ . ج ٦ ص ۱۵۸۸	گویند یا خداوند ما بمیرانیدی مارا دوبار و زنده گردانیدی دوبار مقر آمدیم بگناهان خویش هیچ‌سوی بیرون‌رفت راه هست . ص ٤٩١

وَالَّذِينَهُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ مؤمنون، آیهٔ ٥

و آنکسها که ایشان اندامهای خویش نگاه‌دارندگان باشند . ج ٤ ص ۱۰۷۰	وآنکسهاکه ایشان‌مراندامهای‌خویش را نگاه‌داران‌اند . ص ۳٦۰

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ

مؤمنون، آیهٔ ۱۷

وبدرستی‌که‌بیافریدیم زور سرشما هفت آسمان و نبودیم از آفریدن آسمان فرغول‌کاران . ج ٤ ص ۱۰۷۱	و ما بیافریدیم زبر شما هفت زبر یك‌دگر یعنی هفت آسمان و نبودیم از آفریدن بی‌آگاهی . ص۳٦۱

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ
الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ
يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ

مؤمنون، آیهٔ ۳۳

ترجمهٔ تفسیرطبری

گفتند مهتران آن گروه او، آنکسها که کافر شدند و بدروغ داشتند برسیدن آن‌جهان و رادمست (؟) کردیمشان اندر زندگانی این‌جهان گفتند نیست این هود مگر آدمی همچون شما، می‌خورد از آنچه شما می‌خورید ازان، و می‌آشامد از آنچه شما می‌آشامید . ج ٤ ص ۱۰۷۳

قرآن شمارهٔ ٤

و گفتند مهتران از گروه وی آنکسها که کافر گشتند و بدروغ داشتند رسیدن بدان جهان و کامکاری دادیمشان اندر زندگانی این جهان نیست این مگر مردمی همچون شما بخورد از آنچه بخورید شما از وی و بیاشامد از آنچه بیاشامید شما .
ص ۳٦۱

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ

مؤمنون، آیهٔ ۱۰٤

واندر می‌دمد اندر رویهاشان آتش و ایشان باشند اندرآنجا ترش‌رویان و سیاه‌رویان . ج ٥ ص ۱۰۸٤

بدمد برویهای ایشان آتش و ایشان درآنجا ترش‌روی باشند .
ص ۳٦۷

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ

مؤمنون، آیهٔ ۱۱۳

گفتند بودیم روزی یا برخی بپرس از شمارگیران .
ج ٥ ص ۱۰۸٥

گفتند درنگ کردیم روزی یا بهری از روز بپرس شمارگیران را .
ص ۳٦۷

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَآ أَسْخَطَ اللّٰهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ

محمد، آیهٔ ۲۸

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
این بدان‌بود که ایشان بدم‌آن رفتند که بخشم آورد خدای، و نخواستند خشنودی‌ورا، نیست‌کرد کردارهای ایشان .	این بدان بود که ایشان بدم آن‌رفتند که بخشم آورد خدارا و نخواستند خشنودی ورا . نیست‌کرد کارهای ایشان‌را .
ج ٦ ص ١٦٩٦	ص ٥٣٥

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوٓا إِلَى السَّلْمِ وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللّٰهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ

محمد، آیهٔ ۳۵

و مه‌سستی کنید و بخوانید سوی صلح‌وشمابرترانیدوخدای‌باشماست و نکاهد شمارا کارهای شما .	سست مشوید و بخوانید سوی آشتی و شما برترانید و خدای با شماست ونکاهد شماراکارهای‌شما.
ج ٦ ص ١٦٩٧	ص ٥٣٦

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ

مدثر، آیهٔ ۳۸

هرتنی بدانچه ساخت گروکان‌است.	هرتنی بهرآنچه‌کردست گروگانست.
ج ٧ ص ١٩٥٤	ص ٦٠٩

جَنّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدَ الرَّحْمٰنُ عِبادَهُ بِالْغَیْبِ اِنَّهُ کانَ وَعْدُهُ مَأْتِیًّا

مریم، آیهٔ ٦١

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
بوستانهای مراد آنکه وعده کردست خدای بندگان خویش‌را بناپیدایی‌که هست وعدهٔ او آمدنی .	بوستانهای درنگی آنکه وعده کردخدا بندگان خودرا بناپیدایی که وی‌است که هست وعدهٔ وی آمدنی .
ج ٤ ص ٩٦٤	ص ٣٦٢

وَتَکُونُ الْجِبالُ کَالْعِهْنِ

معارج، آیهٔ ٩

و باشد کوهها چون پشم زده .	و بباشد کوهها چون پشم زده .
ج ٧ ص ١٩٢٦	ص ٦٠٠

مَلِکِ النّاسِ ۝ اِلٰهِ النّاسِ

ناس، آیهٔ ٢ـ٣

پادشاه مردمان ــ خدای مردمان .	پادشاه مردمان ــ خدای مردمان .
ج٧ ص٢٠٧٩	ص ٦٤٢

اِلٰهُکُمْ اِلٰهٌ واحِدٌ فَالَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْکِرَةٌ وَهُمْ مُسْتَکْبِرُونَ

نحل، آیهٔ ٢٢

خدای شما یك خدای‌است آنکسها که بنگروند بدان جهان و بزنده‌کردن دلهای‌ایشان‌ناشناسنده‌است وایشان بزرگ‌منشان‌اند از ایمان‌آوردن .	خدای شما یك خدای‌است آنکسها که نگروند بدان جهان دلهای ایشان ناشناساست و ایشان بزرگ‌منشی کنندگانند .
ج ٤ ص ٨٦٥	ص ٢٨١

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

نحل، آیهٔ ۸۵

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
و چون بینند آن کسها که کافرند عذاب را نه‌سبکتر کنند از ایشان و نه‌ایشانرا زمان دهند . ج ٤ ص ۸۷٦	و چون بینند آنکسها که بیدادگرند عذاب را سبك نگردانند برایشان و نه‌ایشان‌را زمان دهند . ص ۲۸۹

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

نحل آیهٔ ۹۸

چون برخوانی تو ــ یا محمد ــ قرآن را بازداشت‌خواه بخدای ازدیورانده و دور کرده از رحمت یعنی ابلیس. ج ٤ ص ۸۷۹	چون برخوانی قرآن بازداشت‌خواه بخدا از دیو رانده . ص ۲۹۱

لَٰكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنزَلَ إِلَيْكَ أَنزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

نساء، آیهٔ ١٦٦

و لکن خدای گواهی دهد بدانچه بفرستاد سوی‌توبفرستادآنرا بدانش او و فرشتگان گواهی دهند و بسنده است خدای گواه . ج ۲ ص ۳٤۰	لکن خدای گوائی دهد بدانچه فرو فرستاد سوی تو فرو فرستاد آنرا بدانش خود و فریشتگان نیزگوائی دهند و بسنده‌است خدای گواه . ص ۱۰۸

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا

نساء، آیهٔ ۱۶۷

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
که آنکسها که کافر شدند و دور شدند از راه خـدای که گم شدند گم‌شدنی دور . ج۲، ص۳٤۰	که آن کسها که کافر گشتند و باز داشتند از راه خـدای گم شـدند گم‌شدنی دور . ص ۱۰۸

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ

نحل، آیهٔ ۵۸

ببارانیدیم برایشان بارانی‌بود بدباران بیم کردگان . ج ۵ ص ۱۲۰۷	و ببارانیدیم برایشان بارانی بدبارانی بود بیم‌کردگانرا . ص ٤۰۱

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ

نمل، آیهٔ ٦۹

بگو که بروید اندر زمین و بنگرید که چگونه بـود سرنجام کافران و گنه‌کاران . ج۵ ص۱۲۰۸	بگو بروید اندر زمین بنگرید چگونه بود سرنجام گناه‌کاران . ص ٤۰۳

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

نور، آیهٔ ۲٦

ترجمهٔ تفسیرطبری

زنان پلیدمردان پلیدرا باشد ومردان پلید زنا نپلید را باشد و زنان پاکیزه مردان پاکیزه‌را باشد ومردان پاکیزه زنان پاکیزه را باشد . ایشانند بیزار کردگان از آنچه می‌گویند برایشان و ایشان‌را باشد آمرزشی وروزی‌ای بزرگوار .

ج ٥ ص ١١١٤

قرآن شمارهٔ ٤

سخن پلید پلیدان را شاید و سخن پلیدیامردان‌پلید مرزنان‌پلیدرا شاید و پاکیها یا زنان پاك مرمردان پاك را شاید ومردان پاك‌مرزنان پاك‌راشاید ایشانند بیزارکردگان از آنچه همی گویند ایشانراست آمرزشی و روزی‌ای بزرگوار .

ص٣٧٢

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ
قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ
دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

هود، آیهٔ ١٣

یا می‌گویند : فرابافت آن ؟ بگوی بیارید بده‌سورت‌همچنان فرابافتها و بخوانید آنرا که توانید از بیرون خدای اگر هستید راست‌گویان .

ج ٣ ص ٧٠٨

یا همی‌گویند از خویشتن بافتست بگوی بیارید ده سوره همچونین از خویشتن ساخته و بخوانید یعنی یاری‌خواهیدآنراکه بتوانیدازبیرون خدای اگر هستید راست‌گویان .

ص ٢٣٢

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ
مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

هود، آیهٔ ٤٧

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
گفت نوح‌که: ای‌خداوندمن بازداشت می‌خواهم بتو که خواهم از تو آنچه نیست مرابدان‌دانش واگرنه‌بیامرزی مرا و ببخشایی مرا باشم من از زیان کاران .	گفت یا خداوند من ، من بازداشت خواهم بتو که خواهم از تو آنچه نیست مرا بوی دانش و اگرنه‌آمرزی مرا و ببخشایی مرا بباشم از زیان کاران .
ج ۳ ص ۷۱٤	ص ۲۳۷

وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ

هود، آیهٔ ۱۰۸

واما آنکسها که‌نیك‌بخت‌شدند اندر بهشت‌جاودان اندرآنجاهرچندباشد آسمانها و زمین مگر آنکه خواهد خدای تو عطایی جز بریده .	اما آنکسها که نیك‌بخت کرده باشند در بهشت جاودان درآنجا تـا بجا باشد آسمانها و زمین مگـر آنچه بخواهد خداوند تو عطایی نابریده .
ج۳ ص۷۲٤	ص ۲٤٤

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ

یس، آیهٔ ۲٦

گویند : اندر رو اندر بهشت گفت : ای کاشکی گروه من بدانندی .	گفتند ورا اندر شو ببهشت گفت یا کاشکی گروه من بدانندی .
ج ٦ ص ۱٤۹۷	ص ٤٦۳

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

یس، آیهٔ ۳۰

ترجمهٔ تفسیرطبری

ای دریغا بربندگان، که نیامد بدیشان هیچ‌پیغامبری مگربودند بدوافسوس کنندگان .

ج ٦ ص ١٤٩٨

قرآن شمارهٔ ٤

یا پشیمانیا بربندگان نیاید بایشان هیچ پیغامبری مگر که بودند به‌وی همی افسوس کردند .

ص٤٦٤

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا إِنْ هَٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

یوسف، آیهٔ ۳۱

و چون بشنید مکر ایشان بفرستاد سوی ایشان و برساخت ایشان را تکیه‌گاهی و بداد هریکی‌را از ایشان کاردی و گفت : بیرون‌شو برایشان، و چون بدیدند اورا بزرگ داشتند اورا وبریدند دستهای‌خویش‌ایشان، وگفتند حاش‌لله که نیست این‌آدمی ونیست این‌مگرفریشته‌ای‌بزرگوار .

ج ۳ ص ۷٤٤

چون بشنود سازش بد ایشان‌رسول فرستاد بایشان و بساخت ایشانرا تکیه‌گاهی و بداد هریکی‌را از ایشان کاردی و گفت بیرون‌آی برایشان چون‌بدیدندش بزرگ داشتندش و ببریدند دستهای خویش‌را و گفتند دوری باد بخدای نیست این‌مردمی نیست این مگر فریشته‌ای‌بزرگوار.

ص ۲٤۹

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

یونس، آیهٔ ٤٥

ترجمهٔ تفسیر طبری

و آن‌روز که برانگیزیم ایشان‌را گویی که نماندند مگر ساعتی از روز ، می‌شناسند یك‌دیگر را میان ایشان، بدرستی که زیان کردند آنکسها که بدروغ‌داشتند دیدار خدای‌عزّوجل و نبودند راه‌یافتگان . ج ۳ ص ٦٧٤

قرآن شمارهٔ ٤

و آن روز که برانگیزیم ایشان را چنانکه درنگ نکردند مگر زمانی از روز. بشناسند یك‌دگررامیان‌خویش. نیك زیان کردند آنکسها که به‌دروغ داشتند رسیدن بخدا و نبودند راه‌یافتگان . ص ۲۲۲

فَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

یوسف، آیهٔ ۱۰۷

آیاایمن‌شدندکه‌آیدبدیشان پوششی ازعذاب خدای‌عزّوجل‌یاآیدبدیشان رستاخیز ناگاه و ایشان ندانند ؟ ج ۳ ص ۷۵۸

یاایمن‌گشتند که‌بیاید بایشان‌پوششی از عذاب خدای یا بیاید بایشان راستخیز ناگاه وایشان‌آگاهی‌ندارند. ص ۲۵۹

وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

یونس، آیهٔ ۱۰۵

وکه بدار روی‌خویش دین پاکیزه را و مباش از انبازگیران . ج ۳ ص ٦٨٤

که بپای دار یعنی راست‌دار خودرا روی خویش‌را مرمسلمانی‌را پاکیزه و مباش از انبازگیران . ص ۲۳۰

۳

مقایسهٔ ترجمهٔ برخی از آیات

قرآن شمارهٔ ٤

بـا

ترجمهٔ تفسیر طبری

ازنظر وجوه افتـراق

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ
أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ
إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

آل عمران، آیهٔ ۲۸

ترجمه از تفسیر طبری :

نگیرند مؤمنان کافران‌را بدوستی از بیرون گرویدگان . و هرکه کند آن نیست از خدای اندر چیزی مگر که بپرهیزید از ایشان پرهیزیدنی و می‌بترساند شمارا خدای‌تن‌او وسوی خدایست بازگشتن .

ج ۱ ص ۲۰۳

ترجمه از قرآن شمارهٔ ٤ موقت کتابخانهٔ آستان قدس

مگیرند گروندگان ناگروندگان را دوستان از بیرون‌گرویدگان وهرکه کند آن نباشد از خدای در چیزی مگرکه بپرهیزند ازایشان پرهیزیدنی و همی بیم کند شمارا خدا از خود و سوی خدای‌است بازگشتن .

ص ٥٦

رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا

آل‌عمران، آیهٔ ۱۹۱

خداوند ما شنیدیم آوازدهنده‌ای‌که آواز می‌دهد ایمان‌را کـه : بگروید شما بگرویدیم‌ما ، خداوند ما بیامرز ماراگناهان ما وبپوشان ازما بدیهای ما و بمیران مارا بانیکان .

ج ۱ ص ۲٦۷

یاپروردگارما ما شنیدیم خواننده‌ای که همی خواند بگرویدن که بگروید بخداوندخویش‌گرویدیم یاخداوندما بیامرز مارا گناهان ما و بپوشان از ما بدیهای ما و بمیران مارا بانیکان .

ص ۷۹

قُلْ لِعِبَادِيَ
الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ
عَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ

ابراهیم، آیهٔ ۳۱

ترجمهٔ تفسیر طبَری

بگو یامحمد مربندگان مرا آن کسان که بگـرویدند بپای دارند نمازِ فریضه‌را وهزینه کنند یعنی صدقه واجب بدهید از آنچه داده‌ایم‌شان پنهان و آشکارا از پیش آنکه بیاید روزی که نه خریدن باشد در وی و نه‌فروختن و نه‌هیچ دوستی‌منفعت کند .

ج ٤ ص ۸۲٤

قرآن شمارهٔ ٤

بگومربندگان مراآنکسها که‌بگرویدند بپای دارید نمازرا و هزینه کنند آنچه روزی‌دادیم‌شان پنهان‌وآشکارا از پیش آنکه بیاید روزی که خرید و فروخت نباشد دروی و نه‌دوستی .

ص ۲۷۱

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ

ابراهیم، آیهٔ ٤۷

مپندارید‌که خدای‌تعالی خلاف‌کننده وعده‌های پیغامبران‌است . حقا کـه خدای عـزّوجل‌ارجمندست خداوند کینه‌آهختن‌است از کافران .

ج ٤ ص ۸۲۷

مپندار خدارا خلاف‌کنندهٔ وعـدهٔ خویش، پیغامبران خودرا که خدای استوارگیرست کینه‌گزار .

ص ۲۷۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

ابراهیم، آیهٔ ۴۹

ترجمهٔ تفسیر طبَری	قرآن شمارهٔ ٤
و بینی مرکافران و ستم‌کاران‌را آن روز بند کرده و بسته اندر زنجیرها و سلسله‌ها . ج ٤ ص ۸۲۷	و بینی گناهکاران را آن روز گردن بایکدگر بسته دربندها . ص ۲۷۳

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

احزاب، آیهٔ ۱

ای‌پیغمبربپرهیز ازخدای ومه‌فرمان برکافران را و منافقان را که خدای عـَّزوجل هست دانا و حکمت‌دان . ج ٥ ص ۱٤۲۱	یا آنکه تو پیغامبری بترس از خدا و فرمان مبرکافران را و دوسـَرکان که خدا هست دانا و استوارکار . ص ٤۳۸

اَللّٰهُ الصَّمَدُ

اخلاص، آیهٔ ۲

خدای صمدیعنی میان‌تهی‌نیست(۱). ج ۷ ص ۲۰۷٦	خدا است همه را بوی حاجتست . ص ٦٤۰

۱ــ خبر مثبت‌را منفی معنی‌کرده علاوه‌بر آنکه ترجمه نیز نادرست‌است .

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا
إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا

اسری ، آیهٔ ۲۷

ترجمهٔ تفسیر طبَری

کــه نفقه‌کنان اندر معصیت باشند بــرادران دیوان و هست مرابلیس خدای خویش‌را ناسپاس و کافر .

ج ٤ ص ۸۹٦

قرآن شمارهٔ ٤

که پراکنیدگان یعنی بناشایست ، هستند برادران دیوان و هست دیو خداوند خویش را ناسپاس‌دار .

ص ۲۹۸

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ
زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزِّلَ
عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا
رَسُولًا

اسری ، آیهٔ ۹۳

یا بود ترا خانه‌ای از زر و سیم یا ورشوی‌به‌آسمان وبنگرویم به‌آسمان برشدن ترا تافرود آری برما نامه‌ای که برخوانیم آنرا . بگو یا محمد پاك است خدای من . هستم من‌مگرآدمی پیامبری ؟

ج ٤ ص ۹۰٦

یاباشد ترا خانه‌ای از زر یا برشوی در آسمان و استوار نداریم برشدن ترا تا فرونیاری بر ما نامه‌ای کــه برخوانیم آنرا بگــو یعنی یا محمد پاکست خداوند من . چیز هستم من مگر مردمی پیغامبری .

ص ۳۰٦

قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنفَاقِ وَكَانَ الْإِنسَانُ قَتُورًا

اسری، آیهٔ ۱۰۰

ترجمهٔ تفسیر طبَری

بگو یامحمد: اگرشما پادشایی دارید برخزینهای روزی و نعمت آفریدگار من، آن هنگام اگـر شمارا بودی سخت داشتی از بیم درویشی نفقه کـردن. هست مـردم تنگ دل و خردنگرش.

ج ٤ ص ۹۰۸

قرآن شمارهٔ ٤

بگوی اگر شما پادشاه گردید گنج خانها [ی] بخشایش خداوند من. آنگاه فرو گیرید از بیم هزینه‌کردن و هست مردم خرد انگارش.

ص ۳۰۷

وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْهُمْ قَائِلُونَ

اعراف، آیهٔ ٤

چند از دهی تباه کردیم آنرا که آمد بدان عذاب ما بشبانگاه بدیشان نیم روزان.

ج ۲ ص ٤۹٦

و چند از دیهی که هـلاك کردیمش بیامد بایشان عذاب ما شبیخون و ایشان نیمروز خفتگان بودند.

ص ۱۵۸

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

اعراف، آیهٔ ۲٤

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
گفت فروروید برخی از شما برخی را دشمن و شماراست انـدر زمین آرامش و برخورداری تاهنگامی . ج ۲ ص ٤۹۹	گفت فرو شوید بهری را از شمـا بهری را دشمن و شمارا در زمین آرام‌گاه و برخورداری تاگاهی . ص ۱٦۰

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ

اعراف، آیهٔ ۲۵

گفت اندرآن بزیید و اندرآن بمیرید و از آن بیرون آیید . ج ۲ ص ٤۹۹	گفت درآنجا زیید و درآنجا میرید و از وی بیرون آرندتان . ص ۱٦۰

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

اعراف، آیهٔ ۱۲٤

ببرم دستهـای شما و پایهای شما [ازخلاف] پس بردارکنم شمارا همه ج ۲ ص ٥۱٦	ببرم دستهای شما و پایهای شما از ناهمواری باز بیاویجم شمارا همگنان ص ۱۷۲

وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

اعراف، آیهٔ ۱۶۰

ترجمهٔ تفسیر طبری

و گروه‌گروه کردیم دوازده گروه گروهان و وحی کردیم سوی موسی چون آب خواست گروه او که بزن عصای تو برسنگ بشکافت ازآن دوازده چشمه که دانست هرمردم آب‌خور ایشان. سایه‌کردیم برایشان ابر وبفرستادیم برایشان ترنگبین و سمانهٔ مرغان(۱) . بخورید از پاکیها آنچه روزی کردیم شمارا و نه‌ستم کردیم و لکن بودند بتنهاشان ستم کردند .

ج ۲ ص ۵۴۷

قرآن شمارهٔ ٤

و بپراکندیمشان دوازده تبار گروه گروه وپیغام فرستادیم‌سوی موسی آنگاه که آب خواستند گروه وی که بزن به چوب خویش سنگ‌را بیرون دوید از وی دوازده چشمه روان دانسته بودند هرمردمانی آب‌خورِ خویش . و سایه کردیم برایشان ابر و فرو فرستادیم برایشان ترانگبین و ورتیج . بخوریـد از خوشیها و پاکیها آنچه روزی کردیم شمارا . و نکردند بیداد برما لکن بودند تنهای خویش‌را بیدادکاران . ص ۱۷۸

۱ــ مرغان خطاست و همان‌گونه که‌ازنسخ بدل درپارقی آورده‌اند «بریان» صحیح‌است .

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ

اعلی[۱]، آیهٔ ٤

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
و آنکه بیرون آورد چرا استان .	و آنکه بیرون آورد گیاخوار .
ج ۷ ص ۲۰۱۰	ص ٦٢٦

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰ

اعلی، آیهٔ ٦

برخوانیم ترا مه‌فراموش کن .	زود خواننده گردانیم ترا تافرامشت نکنی .
ج ۷ ص ۲۰۱۰	ص ٦٢٦

قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ ۗ وَرَبُّنَا الرَّحْمَٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ

انبیاء، آیهٔ ۱۱۲

بگو ــ یا محمد ــ ای بار خدای من حکم کن براستی، وخداوندما مهربان است‌برخلق یاری‌ده برآنچه‌می‌گویند و نشان می‌دهند .	بگوی یاخداوندمن حکم‌کن براستی‌و خداوندمابخشایندست‌یاری‌خواسته ازوی برآنچه همی‌صفت کنند .
ج ٤ ص ۱۰٤۰	ص ۳٤۹

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

انشقاق، آیهٔ ۲

و فرمان برد خدای‌را و سزاست .	و گوش دارد خداوند خویش و سزاست که گوش دارد .
ج ۷ ص ۲۰۰۰	ص ٦٢۳

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا

انشقاق، آیهٔ ۱۱

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
زود باشد که بخواند وای‌ویلاه .	زود بخواند واهلاکی .
ج ۷ ص ۲۰۰۱	ص ٦٢٤

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

انعام، آیهٔ ٤

و نه‌آمد بدیشان هیچ‌آیتی از آیتهای خداوندشان‌مگربودندازآنکه می‌روی گردانیدند .	و نیاید بایشان از نشانی نشانیهای خداوند ایشان مگر باشند از آنجا روی‌گردانندگان .
ج ۲ ص ٤٣٦	ص ۱۳۳

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

انعام، آیهٔ ٦٨

و چون بینی آنکسهارا که گفت‌وگوی کنند اندر آیتهای ما روی بگردان از ایشان تاگفت‌وگوی‌کنند اندرحدیثی جزآن و اما فراموش کند ترا دیو منشین‌پس‌یادکاری باگروه‌ستم‌کاران	و چون بینی آنکسهارا که اندرشوند به‌سخن در حجتهای ما، روی‌بگردان ازیشان تااندر شوند در سخنی جز از آن . و اگر فرامشت‌گرداند ترا دیو منشین پس یادآوردن باگروهِ بیدادگران .
ج ۲ ص ٤٤٦	ص ۱٤۱

ذٰلِكُمُ اللّٰهُ
رَبُّكُمْ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
وَكِيلٌ

انعام، آیهٔ ۱۰۲

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
آنست خدای خداوند شما ، نیست خدای مگر او ، آفریدگار همه‌چیز [بپرستید اورا] و اوست برهمه‌چیز نگاه‌بان .	آنتان خدای‌است پروردگار. نیست خدای مگر وی آفریدگار هرچیزی. بپرستید ورا و وی برهمه‌چیزی نگاه‌بان‌است .
ج ۲ ص ٤٥٣	ص ۱٤۷

ذٰلِكُمْ وَأَنَّ اللّٰهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ

انفال، ۱۸

آنتان‌است نصرت و غنیمت و حقا که خدای‌است سست‌کنندهٔ سگالش آن ناگرویدگان . ج ۳ ص ۵۷۸	آنتان بود و خدای سست‌کننده‌است سازش بد ناگرویدگان‌را . ص ۱۸٦

الْآنَ خَفَّفَ اللّٰهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ
يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ
مَعَ الصَّابِرِينَ

انفال، آیهٔ ٦٦

اکنون سبك و آسان بکرد خدایِ	اکنون سبك گردانید خدا از شما و

ترجمهٔ تفسیر طبَری

عـَّزوجل این فرمان پیشین از شما، منسوخ بکرد یکی باده و دانست که در میان شمااست ضعیفا نی-چون ضعفاخوانی-ودرشمااستسستی‌ای پس اگر بود در وقت حرب از شما ای مؤمنان صدمردی مردانه‌شکیبای که برجای‌بیستند درحرب وبهزیمت بنه‌شند. تا به‌آینـد با پس شکنند دویست مرد کافررا واگر بود ازشما هزار مردی آن باید باپس شکنـند دوهزار مرد کافررا ــ بدستوری و یاری خـدای عزوجل و خدایست بیاری و نصرت با شکیبایان در کار خدای وجنگ بادشمن. ج۳ص۵۹۱

قرآن شمارهٔ ٤

دانست که در شما سستی‌است. اگر باشند از شما صد شکیبـایان غلبه کنند دویست و اگر باشد از شما هزار غلبه کنند دوهزار بفرمان خدا و خدای باشکیبایان‌است .

ص ۱۹۳

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ

بقره، آیهٔ ۲۰

خواهد برق که رباید بینائی ایشان. چون روشن‌گرددشان، برونداندرآن چون تاریك شود برایشان بیستند، اگـر خواهد خدای عـَّزوجل ببرد شنوائی ایشان و بینائی ایشان که خدای برهمه‌چیزی تواناست .

ج ۱ ص ۲۲

خواهد درخش که رباید بینـاییهای ایشان هرگاه که روشن شود ایشان را بروند درآن و چون تاریك شود برایشان بیستند و اگـر بخواستی خدای ببردی شنوائیِ ایشانرا و بینـاییهای ایشانرا که خدای بر هر چیزی تواناست . ص ۳

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ
وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بقره، آیهٔ ۲۳

ترجمهٔ تفسیر طبری

و اگر هستید اندرگمان از آنچه بفرستادیم بربندهٔ ما، بیارید سورتی از مانند آن و بخوانید گواهان شما را ازبیرون‌خدای اگرهستید راست گویان .

ج ۱ ص ۲۲

قرآن شمارهٔ ٤

و اگر هستید در گمان از آنچه فرو فرستادیم بربندهٔ ما بیارید سورتی از همچون وی و بخوانید گـوا آن خویش‌را بجز از خدای اگر هستید راست‌گویان .

ص ٤

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ
بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا
فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ

بقره، آیهٔ ۷۹

وای آن‌کسها را که نبیسند کتاب‌را بدستهای ایشان، بازگویند اینست از نزدیك خـدای، تابخرند از آن ببهای اندك وای ایشانرا از آنچه نبشت دستهای ایشان وای ایشانرا بدانچه کسب کنند .

ج ۱ ص ۸۵

وای آن کسهارا که نبیسند نامه را بدستهای خویش پس گویند این از نزد خدای‌است تابخرند بوی بهای اندك وای مرایشانرا از آنچه‌نبشت دستهای ایشان و وای مرایشانرا از آنچه کسب کنند .

ص ۱۳

وَاِذْ اَخَذْنا مِیثاقَکُمْ
لا تَسْفِکُونَ دِماءَکُمْ وَلا تُخْرِجُونَ اَنْفُسَکُمْ مِنْ دِیارِکُمْ ثُمَّ اَقْرَرْتُمْ
وَاَنْتُمْ تَشْهَدُونَ

بقره، آیهٔ ۸٤

ترجمهٔ تفسیر طبری

«که گرفتیم پیمان شما: مریزید خونهای شما و مه‌بیرون کنید تنهای شمارا از سرایهای شما پس اقرار کردید و شمایید حاضران.

ج ۱ ص ۸٦

قرآن شمارهٔ ٤

وچون بگرفتیم پیمان شماکه مریزید خونهای شما و بیرون مکنید تنهای خویش‌را از سرایهای خویش باز خستو شدید و شما گوائی دهید برین پیمانها.

ص ۱٤

وَلَقَدْ آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ وَقَفَّیْنا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَیْنا
عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ الْبَیِّناتِ وَاَیَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ اَفَکُلَّما جاءَکُمْ
رَسُولٌ بِما لا تَهْوَی اَنْفُسُکُمُ اسْتَکْبَرْتُمْ فَفَرِیقاً کَذَّبْتُمْ وَفَرِیقاً
تَقْتُلُونَ

بقره، آیهٔ ۸۷

و بدرستی که بدادیم موسی‌را کتاب، و بفرستادیم از پس او پیغامبران، و بدادیم عیسی پسر مریم‌را حجتها و نیرومند گردانیدیم اورا بباد پاك چون آید شمارا پیغمبری نه‌آرزو آید تنهای شما بزرگ‌منشی کردید گروهی‌را بدروغ‌داشتید وگروهی‌را بکشتید.

ج ۱ ص ۸٦

ودرست بدادیم موسی‌راکتاب یعنی توریت وبراثروی فرستادیم‌ازپس‌وی پیغامبران‌وبدادیم عیسی‌را پسرمریم راحجتها ونیرومندکردیمش بجبریل پاکیزه‌تاهرگاه‌که‌بیامدبشماپیغامبری بدانچه آرزونکند تنهای‌شما بزرگ منشی‌کردید وگروهی را بدروغ‌زن دارید وگروهی‌را بکشتید. ص۱۵

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ

بروج، آیهٔ ۳ـ۴

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ۴
که‌نفرین‌کرده شد خداوندان کنده. آتش برافروخته .	کشته گشتند خداوندان کنده.آتش باافروزش .
ج ۷ ص ۲۰۰۳	ص ۶۲۴

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

بروج، آیهٔ ۸

و نه‌کینه کشیدند ازایشان مگر که بگرویدند بخدای بی‌همتای ستوده .	و کینه همی نیاهنجیدند از ایشان مگربدانکه بگرویدبخدای‌عزیزستوده
ج ۷ ص ۲۰۰۳	ص ۶۲۴

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

بیّنه ، آیهٔ ۱

نباشند آنکسهاکه کافر شدند ازاهل کتاب وانبازگیران همیشه بازشدگان تابیاید بدیشان حجتی .	نبود آنکسها که کافر گشتند از اهل کتاب و انبازگیران بازایستندگان تابیامد بایشان درستی .
ج ۷ ص ۲۰۳۹	ص ۶۳۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

تحریم، آیهٔ ٦

ترجمهٔ تفسیر طبَری

ای آنکسها که بگرویدید آزاد کنید تنهای شمارا و اهل شمارا از آتشی که هیمهٔ آن مردمانند و سنگ، بران فریشتگان درشتانی سختانی، کـه نه‌نافرمان‌برداری‌کنند خدای‌را آنچه فـرمود ایشانرا ، و می‌کنند آنچه فرمایندشان .

ج ۷ ص ۱۸۹٤

قرآن شمارهٔ ٤

یاآنکسهاکه بگرویده‌اید رهانیدتنهای خویش را و کسهای خویش از آتشی که هیزم وی مردم باشد و سنگ، بروی فریشتگانی درشتان بنیرویان بی‌فرمانی‌نکنند خدارابدانچه‌فرماید ایشانرا و بکنند آنچه فرمایدشان .

ص ۵۹۱

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

توبه، آیهٔ ۱۸

حقاکه آبادان‌کنند وشایدکه‌عمارت کند مزگتهای خدارا آن‌کس که‌باید که‌بگرویده‌است‌بخدای عزوجل‌وروز بازپسین برخاست ازگور- و بپای

هراینه آبادان کند مسجدهای خدا را آنکه بگرود بخدای و روزبازپسین و بپای دارد نماز را و بدهد زکات را ونترسد مگر ازخدای مگرایشانند

ترجمهٔ تفسیر طبَری

داشته بود نماز را بشرطهای آن ــ وبداده بود زکوة فریضه و نترسیده بود مگر از خدای عزوجل پس سزد و شاید بود و واجب بود ایشانت گر باشند از راه راست یافتگان، ور راه راست بیستادگان .

ج ۳ ص ۶۰۴

قرآن شمارهٔ ٤

که‌باشند از راه‌یافتگان .

ص ۱۹۷

اَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

توبه ۱۹

ای کرده‌اید چرا کردید آب دادنِ حاجیان را وآبادان داشتن‌آن مزگت شکهمند ــ خانهٔ‌مکه ــ چون‌بگرویدند آنکس‌که بگرویدست بخدای عزوجل و بروز بازپسین ــ برخاستن از گور وباکوشیدست بجنگ وادشمن‌درراه طاعت خدای ؟برابر ویکسان نباشند هرگز این‌دوتن آب‌دهنده و بگرونده بنزدیك خدای ــ در مزد و ثواب و مدحت ــ وخدای عزوجل‌راه‌راست ننماید بحق گروه ستم‌کاران را بکفر و شرك .

ج ۳ ص ۶۰۴

تابکردید آب دادن حُجاجان را و آبادان کردن مزگت حرام را . چون کسی بگرود بخدا و روز بازپسین و کارزار کند درراه خدای برابرنباشد نزد خدای و خدای راه ننماید گروه بیدادگران‌را .

ص ۱۹۷

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

تین، آیهٔ ٦

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
مگر آنکسها که بگرویدند و کردند نیکیها ایشانراست مزدی بی‌منّت . ج۷ ص۲۰۳۰	مگر آنکسها که بگرویدند و بکردند نیکیها وایشان‌راباشد مزدی‌ناکاسته. ص ٦٣٣

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ

تین، آیهٔ ٨

نیست خدای عزّ وجلّ حاکم‌تر حاکمان ؟ ج ۷ ص ۲۰۳۰	نه‌خدای دادگرترین دادگران‌است ؟ ص ٦٣٣

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ

حاقه، آیهٔ ٤٢

و نه گفتار کندایست (۱) اندکی‌اید آنچه پندمی‌پذیرید. ج۷ ص۱۹۲٤	ونه‌گفتار پری گرفته‌ای اندکی همی پند گیرند. حاقّه، ص٦۰۰

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

حجج، آیهٔ ٢٦

و بانگ کن در میان مردمان بزیارت کردن خانه تابیایند بتو مردمان‌پیاده و بر هر ستوری باریك‌میان یعنی بختیها از هر راهی دور . ج ٤، ص ۱۰٥٦	و آوازه ده در مردمان بزیارت خانه تابیایند بتو پیادگانی و برهراشتری باریك نزار بیایند ازهرراهی دور . ص۳٥٤

۱ــ کذا . . . .

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ

حج، آیهٔ ۲۹

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
پس گو باز گزارند سنّت حجشان گو تمام بجای آرند نذرهاشان وبگو تاطواف کنند بگرد خانهٔ کعبه وآزاد کرده یعنی از غرق وقت نوح .	باز بگزارند حاجت خویش‌را یعنی بسترند سرها وتمام کنند پیمانهای خویش و طواف کنند بخانهٔ کُنانهٔ آزاد کرده .
ج ٤، ص ۱۰۵٦	ص ۳٥٤

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

حجر، آیهٔ ۲٦

و بدرستی بیافریدیم ما مـردم را یعنی آدم را از گل غریژنگی، ازگلی بوی گرفته .	و ما بیافریدیم مردم را از گل‌خشك بانگ آور یا گنده از غریفجی سیاه .
ج ٤، ص ۸٤۲	ص ۲۷٥

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ

حجر، آیهٔ ٤٦

درآیند اندران، سلامت، بی‌بیمان .	اندر شوید برستگاری بی‌بیمان .
ج ٤، ص ۸٤٤	ص ۲۷٦

وَجَآءَ اَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ

حجر، آیهٔ ٦٧

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
و بیامدند مردمان از شهر لوط شادی پذرفتند و طرب می‌کردند . ج ٤، ص ٨٤٦	بیامدند مردمان شارستان شادی همی‌کردند . ص ٢٧٨

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ

حجرات، آیهٔ ١٢

یا آنکسها که بگرویدید بپرهیزید بسیار از گمان که برخی گمان‌بزه است ومه‌بازجویید سرّهای‌مردمان و مه‌غیبت کنید برخی از شما مر برخی‌را. دوست‌دارد یکی ازشما که بخورد گوشت برادر خودش مرده ؟ دشخوار داریدآن وبترسید ازخدای عزوجل که خدای توبه دهنده‌است و مهربان . ج٧، ص١٧٢٩	یا آنکسها که گرویده‌اید بپرهیزید بسیاری از گمان که بهری گمان‌بزه است و جستجوی مکنید و غیبت مکنید بهری ازشما بهری‌را. هرگز دوست دارد یکی از شما که بخورد گوشت برادرخویش مرده؟ دشخوار دارید شما آنرا و بترسید از خدای که خدا توبه پذیرنده‌است بخشاینده ص ٥٤٣

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا

دهر، آیهٔ ۹

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
مابدهیم شمارا روی‌خدا ونه‌خواهیم از شما مزدی و نه‌شکرکردنی . ج ۷ ، ص ۱۹٦٥	همی بخورانیم شمارا برای خدارا نخواهیم ازشما پاداشنی ونه‌سپاس داریئی . ص ٦۱۲

عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا

دهر، آیهٔ ۲۱

و باشد زبرایشان جامهای سندس سبز و دیباهای تنگ و پیرایه‌کرده شودشان پیرایها از سیم و شراب دهد ایشانرا خدای ایشان شرابی پاکیزه . ج ۷ ص ۱۹٦٦	زبرایشان پوشیده جامهاء دیباه نیکو سبز و دیباه سطبر و پیرایه نهند دست‌برنجنها از سیم وبخورد دهند ایشانرا خداوند ایشان شرابی پاك پاك‌کننده . ص ٦۱۳

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ

دخان، آیهٔ ۱۰

چشم دار آن‌روز که بیاید از آسمان دودی هویدا . ج ٦ ، ص ۱٦٦۸	چشم دار آن‌روز که بیاید ازآسمان قحطی پیدا . ص ٥۲۰

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ

رحمن، آیهٔ ۱۲

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
وبیافرید دانه میان برگ وشاسپرم. ج ۷ ، ص ۱۷۸٤	و دانه خداوند کاه و شاهسپرغم. ص ٥٥۹

حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ

رحمن، آیهٔ ۷۲

حوران سیاه چشمان آراستگانی اندرخیمها . ج ۷ ، ص ۱۷۸۸	سپیدان پست بالایان اندر خیمها. ص ٥٦۲

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

روم، آیهٔ ۱۷

پاکا خداوندا آن هنگام اوبارگی‌کنید و آنگاه که بامداد کنید . ج ٥ ، ص ۱۳۹۸	پاك گویند خدارا چون بآخر روز رسید یعنی نماز دیگر . و چون باول روز رسید یعنی بامداد . ص ٤۲٥

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ

زمر، آیهٔ ۲۰

ترجمهٔ تفسیر طبری

لکن آنکسها که بترسند از خدای ایشانراست کوشکها و غرفها و از بالای آن کوشکها و غرفهای دیگر بنا کرده و برآورده و می‌رود از زیر آن جویها وعده‌کرده‌است خدای‌عزوجل و نه‌خلاف کند خدای عزوجل وعدهٔ خویش‌را. ج ٦ ، ص ١٥٧١

قرآن شمارهٔ ٤

لکن آنکسها که بترسیدند از خداوند خویش ایشانرا باشد بروارها ای از زبر آن بروارها برآورده . می‌رود از زیر آن جویها وعده خدای خلاف نکند خدای وعده‌را .

ص ٤٨٣

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

زمر، آیهٔ ٦٧

و نه‌اندازه کردند خدایرا سزای اندازهٔ او و زمین جمله در قبضه قدرت اوست روز قیامه و آسمانها درپیچیده براست او پاك‌است او و برتراست از آنچه می‌انبازگیرند .

ج ٦ ، ص ١٥٧٨

وبزرگ نداشتند خدارا سزای‌بزرگ داشتن و زمین همه درحکم ملك وی باشند روزراستخیزوآسمانهانوشته گردد بسوگند وی پاکست وی وبرتر است از آنچ همی انباز گرفتند .

ص ٤٨٨

قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ

شعراء ، آیهٔ ١١١

گفتند که همی نگریم بتو و پس‌روی کردند بترین از ما ؟

ج ٥ ص ١١٦٨

گفتند همی بگرویم ترا و متابعت کرد ترا مُستان یعنی دونان .

ص ٣٩١

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ

شعراء ، آیهٔ ۲۲۵

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
همی نه‌بینی که‌ایشان اندر هرود ـ کده‌ای می‌گردند ؟	نبینی که ایشان اندر هرکویه‌ای همی گردند .
ج ٥، ص ۱۱۷٦	ص ۳۹٦

قَالَ هَٰذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ

شعراء، آیهٔ ۱٥٥

گفت صالح‌علیه‌السلم که اینك‌اشتری ماده و اورا آب خوردی و شمارا آب خوردنی روزی دانسته .	گفت‌این‌اشتری‌است آنراست‌شراب گاه و شماراست شراب‌گاه روزی دانسته .
جلد ٥ ، ص ۱۱۷۱	ص ۳۹۳

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا

شمس، آیهٔ ٤

و شب چون تاریکی اندر پوشد .	و بشب چون بپوشاند .
ج ۷ ، ص ۲۰۲۳	ص ٦۳۸

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَا ۚ إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ

صافات، آیهٔ ۱۱

بپرس از ایشان ایشانند سخت‌تر	بپرس ازیشان‌که ایشان سخت‌تراند

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
آفریدنی یاآنچه ما آفریدیم ؟ وما بیافریدیم ایشانرا از گل خوشیده	بآفرینش یاآنکه بیافریدیم ما . بیافریدیم ایشانرا ازگل بَرَدفسنده یعنی نوچگن .
ج ٦ ص ١٥١٧	ص ٤٦٨

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ

ضحی، آیهٔ ١٠

و اما سائلرا مه‌خوار کن و باز زن .	و اما خواهنده را سرد مکن .
ج ٧ ص ٢٠٢٧	ص ٦٣٢

قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ
الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ
وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ

طه، آیهٔ ٧١

گفت فرعون بگرویدید مرورا پیش ازان که دستوری دادم شمارا که اوستادبزرگ‌شماست‌آنکه‌درآموخت شماراجادوی هراینه ببرم دستهای شما و پایهای شما از فاوا یعنی‌چپ راست و بردار کنم شمارا در بنهای خرما وتابدانیدکه کیست ازماسختر بعذاب‌کردن و باقی‌تر .	گفت فرعون استوار داشتید اورا پیش‌آنکه دستوری دادمی شمارا وی است بزرگ شماآنکه بیاموزنید شما را جادوی‌ببرم دستهای‌شما وپایهای شما از ناهمواری و بیاویجم شمارا اندر چوبهای خرمابُنان و تابدانید کیست‌ازماسخت‌عذاب‌تروپای‌دارتر
ج ٤ ص ٩٩٢	ص ٣٣٤

اَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ

طور، آیهٔ ۳۸

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
یاایشانراست نردبانی که بنیوشند اندران کـه بیاورد نیوشندهٔ ایشان بحجّتی هویدا .	یا ایشانـراست نردبانی همی‌گوش دادند دران که بیارند شنویده ایشان بحجّتهای پیدا .
ج ۷ ص ۱۷٦۰	ص ۵۵۲

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا

عادیات، آیهٔ ۱

بدان اسبانی دونده .	سوگند باسبان دونده دم زنندگان .
ج ۷، ص۲۰٤۳	ص ٦۳۵

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا

عادیات، آیهٔ ۲

و آتش جهنده از سمهای ایشان .	اسبان بسم‌خویش آتش‌فروزنندگان.
ج ۷ ، ص ۲۰٤۳	ص ٦۳۵

فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ

عبس، آیهٔ ۱۳

اندر صحفی گرامی کردگان .	در نامهای گرامی کرده .
ج ۷ ، ص ۱۹۸٦	ص ٦۱۹

اُولٰئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ

عبس ، آیهٔ ۴۲

ترجمهٔ تفسیر طبَری	قرآن شمارهٔ ۴
ایشانند ایشان کافران تباه‌کاران .	ایشانند که ایشان ناسپاس‌دارانند بدمردان .
ج۷ ص ۱۹۸۷	ص ۶۲۰

وَالْعَصْرِ

عصر، آیهٔ ۱

سوگند یاد کنم بنماز دیگر .	سوگند به‌شبانگاه وآمدن شب .
ج ۷ ص ۲۰۴۹	ص۶۳۷

كَلَّآ إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَىٰٓ

علق، آیهٔ ۶

حقا که مردم نافرمان گردد .	نباید چنین که مردم گردن برد .
ج ۷ ، ص ۲۰۳۲	ص ۶۳۳

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

علق، آیهٔ ۴

آنکه بیاموخت مردم‌را بقلم .	آنکه بیاموزنید نبشتن بقلم .
ج ۷ ، ص ۲۰۳۲	ص ۶۳۳

أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوٓا أَن يَقُولُوٓا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

عنکبوت ، آیهٔ ۲

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
همی پندارند مردمان کــه ایشان‌را دست‌بدارند چون‌که‌گویند: بگرویدیم و ایشان را نه‌فتنه کنند .	همی پندارند مردمان که دست باز دارندشان کــه گویند گــرویدیم و ایشانرا نیازمایند بمحنتها .
ج ٥ ص ۱۲۹۷	ص ٤۱٦

هَلْ اَتیٰکَ حَدیثُ الْغاشِیَة

غاشیه، آیهٔ ۱

آمد بتو حدیث رستاخیز .	چیز آمد بتو خبر پوشیده .
ج ۷ ص ۲۰۱۳	ص ٦۲۷

عامِلَةٌ ناصِبَةٌ

غاشیه، آیهٔ ۳

کارکننده رنج‌مند .	کار کرده رنج‌برده .
ج ۷، ص ۲۰۱۳	ص ٦۲۷

وَالْفَجْرِ

فجر، آیهٔ ۱

بدین بام که برآید .	سوگند بسپیده‌دم .
ج ۷، ص ۲۰۱٦	ص ٦۲۸

اِرَمَ ذاتِ الْعِمادِ

فجر، آیهٔ ۷

ارم، خداوندان ستونها .	ارم استونهای نام شارستان .
ج ۷، ص ۲۰۱٦	ص ٦۲۸

اُولٰٓئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا

فرقان، آیهٔ ۷۵

ترجمهٔ تفسیرطبری	قرآن شمارهٔ ٤
وایشانندکه پاداش‌دهندشان‌کوشکها اندر بهشت بدانچه کردند شکیبائی پیش ایشان آرند اندر آنجا درود و سلام .	و ایشانند کـه پاداشن دهندشان کوشك بهشت بدانچه شکیبایی‌کردند و فـراز آردشان درآنجا درود و سلامت .
ج ٥ ، ص ١١٤٧	ص ٣٨٥

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

فلق، آیهٔ ٤

و از بدجادوان که اندر دمند .	و از بدی جادوی دمنده اندرگرهها .
ج ٧ ، ص ٢٠٧٨	ص ٦٤١

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ

فیل، آیهٔ ٥

و کردند ایشانرا چون خورشی که سگ خورد .	بکرد ایشانرا چون برگ میانه‌خورده.
ج ٧ ، ص ٢٠٥٣	ص ٦٣٧

أَفَلَمْ يَنظُرُوٓا إِلَى السَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ

ق، آیهٔ ٦

ترجمهٔ تفسیر طَبَری	قرآن شمارهٔ ٤
و نه‌بنگرند سوی آسمان بالای ایشان چگونه بناکردیم آن و بیاراستیم آنرا و نیست آنرا هیچ شکافها . ج ۷ ، ص ۱۷٤۰	نگاه نکردند سوی آسمان زبرایشان چگونه برآوردیمش و بیاراستیمش و نیست اورا هیچ شکافی و درزی . ص ٥٤٤

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

قدر، آیهٔ ۱

ما فرو فرستادیم آنرا اندر شبِ قدر . ج ۷ ، ص ۲۰۳۷	مافروفرستادیم اورادرشب‌اندازه‌کردن . ص ٦۳۳

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

قدر، آیهٔ ٥

سلام آن تابرآمدن بامداد . ج ۷ ، ص ۲۰۳۷	بسلامت باد آن تابرآمدن سپیده . ص ٦۳٤

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ

قریش، آیهٔ ۱

فخرکردن قریش‌را . ج ۷ ، ص ۲۰٦۱	مر سازواری قریش را ص ٦۳۷

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ ﴿۲۲﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ

قیامه، آیهٔ ۲۲ و ۲۳

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
۲۲ــ رویها ای آن روز درفشنده . ۲۳ــ سوی خدای ایشان نگرنده . ج ۷ ، ص ۱۹٦۱	۲۲ــ رویهایی باشند آن‌روز تازه و شادان . ۲۳ــ سوی‌خداوندخویش نگران . ص٦۱۲

اَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ

قلم، آیهٔ ۲۲

که بامداد کنید برکشت شما اگر هستید میوه بازکنان . ج ۷ ص ۱۹۱۵	کــه پگاه بروید برکشت خویش اگر خواهید درودن . ص ٥۹٦

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ

قلم، آیهٔ ٤۳

فرو خوابنیده چشمهــای ایشان و می‌رسدشان خواری بدرستی کــه بودند ومی‌خواندندشان سوی‌سجود و ایشان رستگار بودند . ج ۷ ، ص ۱۹۱۷	فرو خوابنیده چشمهای ایشان‌بیاید بایشان‌خواری‌وبودندکه‌همی‌خواندند ایشانرا سوی سجده کردن وایشان تن‌درستان بودند . ص ٥۹۷

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ

قمر، آیهٔ ۲

ترجمهٔ تفسیر طَبَری	قرآن شمارهٔ ٤
واگربینندآیتی روی‌بگردانند وگویند این جادویست کرده .	و اگر بینند حجّتی روی بگردانند و گویند جادوی‌است بنیرو .
ج ۷ ، ص ۱۷۷۵	ص ٥٥٦

إنّا أرسلنا عليهم ريحاً صرصراً في يوم نحس مستمر

قمر، آیهٔ ۱۹

ما بفرستادیم برایشان بادی سخت سرد اندر روزی شوم گذرنده .	ما بفرستادیم برایشان بادی سخت جهنده در روزی بد سخت بد بنیرو.
ج ۷ ، ص ۱۷۷۷	ص ٥٥٧

فصل لربك وانحر

کوثر، آیهٔ ۲

نمازکن‌خدای‌خویش‌را ودست‌راست بردست چپ نه . ج ۷ ، ص ۲۰٦٥	نماز عید کن مرخداوند خویش را و اشتر قربان‌کن . ص ٦۳۸

وإذ قال موسى لفتاه لا أبرح حتى أبلغ مجمع البحرين أو أمضي حقباً

کهف، آیهٔ ٦۰

وچون‌موسی‌گفت مرجوان‌خویش را یعنی‌یوشع وانگردم‌بگردآمدی‌گاه(۱) از دودریا یا می‌روم سالهای بسیار .	وچون گفت موسی مرجوامردخویش رازاسترنشوم تابرسم بگردآمدن‌گاه دودریا یابروم سالها .
ج ٤، ص ۹۳۱	ص ۳۱٦

۱ــ کذا صحیح «بگردآمدن‌گاه» است .

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنْسَانِيهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا

کهف، آیهٔ ۶۳

ترجمهٔ تفسیر طَبَری

گفت یوشع دیدی یا موسی چون رسیدیم باز آن سنگ من فراموش کردم ماهی‌را و نبرد از یاد من آنرا مگردیوکه یادکردمی اورا و فراگرفت آن ماهی راه خویش‌را اندر دریا شگفتی.

ج ٤ ص۹۳۲

قرآن شمارهٔ ٤

گفت هیچ دیدی بیندخشیدم یعنی جای‌ساختم سوی‌آن‌که من‌فرامشت کردم ماهی و فرامشت نگردانید مرا آن مگر دیو که یاد کردمش و بگرفت راه خویش در دریا شگفت.

ص ۳۱٦

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا

کهف، آیهٔ ۱۰۹

بگو اگر گردد دریا همه مداد نبشتن سخنان خدای مرا برسد دریا پیش ازان که برسد سخنان خدای من و اگرچه بیاریم هم‌چندان مدد.

ج ٥، ص ۹۳۹

بگو اگر بودی دریا مداد مرسخنان خداوند مرا سپری گشتن دریا پیش آنکه سپری گشتی سخنان خداوند من و اگرچه بیاوردیمی بهمچنان افزونی.

ص ۳۲۱

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

لقمان، آیهٔ ۱۸

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
ومه‌ترش‌کن روی‌خویش‌را مردمانرا ومه‌رو اندر زمین بکشی حقاکه خدای عزوجل‌نه‌دوست‌دارد هرکشی‌کننده و فخرکننده.	ومگردان رخ خویش را مرمردمان را و مرو اندر زمین بشادی که خدای دوست ندارد هرکشی کننده‌ای‌را نازنده‌ای را.
ج ٥، ص ١٤١٠	ص ٤٣٣

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ

لهب، آیهٔ ۱

زیان‌کاربادا دودستِ بولهب وخود چنین باشد.	زیان‌کار باد دودستِ بولهب و زیان‌کار بادابروی یعنی هلاك.
ج ۷ ص۲۰۷۲	ص ٦٤٠

إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

مجادله، آیهٔ ۱۰

که بنهانی ازدیواست تااندوه‌گن‌کند آنکسها را که بگرویده‌اند و نیست رنج نماینده ایشانرا چیزی مگر	که رازگفتن از دیواست تااندوه‌گن گرداند آنکسهارا که بگرویدند و نتواند گزایستن ایشانرا چیزی‌مگر

ترجمهٔ تفسیر طَبَری	قرآن شمارهٔ ٤
بفرمان خدای عزوجل و برخدای توکل کنید ای مؤمنان . ج۷ ص۱۸۱٤	بفرمان خدای و برخدای باید توکل کردن گرویدگان را . ص ۵۷۳

اَلَّذِينَ هُمْ يُرَآؤُنَ

ماعون، آیهٔ ٦

آنکسها که ایشان از نماز ایشان از فرغول‌کارانند . ج۷ ص۲۰٦۳	آنان که ایشان از نماز خویش دل برده باشند . ص ٦۳۸

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

مؤمنون، آیهٔ ۸۰

واوست آنکه زنده‌کند و بمیراند و اوراست شدن و آمدن شب وروز همی نه‌اندریابند . ج۵ ص۱۰۸۲	وی‌است آنکه زنده‌گرداند و بمیراند واوراست آمدشدن شب و روز یا همی‌اندرنیابند . ص ۳٦۵

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ

محمد، آیهٔ ۸

وآنکسهاکه‌کافرشدند اندرسرآمدن ایشان و گم‌کند کردارهای ایشان . ج٦ ص ۱٦۹۳	و آنکسها که کافرگشتند نگوساری بادایشانرا وهلاك‌باد کارهای ایشان. ص ۵۳٤

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ

مدثر، آیهٔ ۲۲

ترجمهٔ تفسیر طَبَری	قرآن شمارهٔ ٤
پس روی ترش کرد و اندرکشید .	باز روی ترش‌کرد و دژم کرد .
ج۷ ص۱۹۵۳	ص ٦٠٨

أَلَمْ نَخْلُقْكُم مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ

مرسلات، آیهٔ ۲۰

نه‌آفریدیم شمارا ازآبی خوارکرده؟	نه‌بیافریدیم شمارا از آبی ضعیف	
ج۷ ص۱۹۷۳	سست .	ص٦١٤

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا

مریم، آیهٔ ١٤

ونیکوکاری واپدر و مادر خویش و نبود مردم‌کش و ستم‌کار و نافرمان.	ونیکوکار بامادر و پدر خود و نبود گردن‌کشی بی‌فرمان .
ج٤ ص۹۵۸	ص ۳۲۲

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا

نازعات، آیهٔ۱

بدان بیرون‌کشندگان جانهای‌کافران بسختی غرقه‌کردن .	سوگند بفریشتگـان جان‌ستاننده بنیرو .
ج۷، ص۱۹۸۰	ص ٦١٧

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ

نجم، آیهٔ ۱۹ و ۲۰

ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
۱ــ آیا دید لات و عزّیرا .	۱ــ همی‌بینیدشما لاترا وعزّیرا.
۲ــ و منات سه‌دیگر دیگری .	۲ــ و منات را آن دیگرم .
ج۷ ص۱۷٦۳	ص ٥٥٤

وَأَنتُمْ سَامِدُونَ

نجم، آیهٔ ٦۱

وشما فرغول‌کارانید ؟	وشما بازی‌کنان‌اید .
ج۷ ص۱۷٦٦	ص ٥٥٦

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

نحل، آیهٔ ٤

بیافـرید مردم را از آبی سست و گنداهمیدون اوخصومت‌کننده‌است پیدا .	بیافرید مردم‌را ازآب‌اندك همیدون وی پیکارکش‌است پیداکننده .
ج٤ ص۸٦۳	ص ۲۸۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِن كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

نساء آیهٔ ۱۹

ترجمهٔ تفسیر طَبَری	قرآن شمارهٔ ٤
ای‌آنکسهاکه‌بگرویدید نه‌شایدشمارا که میراث رها کنید زنان را بکره و مه‌باز داریدشان تاببرید برخی آنچه بدادیدشان‌مگر که بیارندزشتی‌هویدا و عشرت کنید باایشان بنیکوی اگر کراهیت دارید ازیشان شاید که کراهیت دارید ازچیزی وکندخدای اندرآن نیکی بسیار . ج۱ ص۲۹۲	یاآنکسهاکه ایمان‌آورده‌اید حلال نباشد مرشمارا که میراث گیرید زنانرا بناخواست و باز مداریدشان ازشوهرکردن تاببرید بهری ازآنچه بداده باشید ایشانرا مگر پدیدآیند بناخوبی پیدا یعنی زنا و زندگانی کنید باایشان بنکوی اگر ناخواها باشید ایشان را مگر کی ناخواهید باشید چیزی‌را وبکندخدای اندران نیکوی بسیار . ص٨٤

وَأَكْوَابٍ مِّن مَّعِينٍ

واقعه، آیهٔ ۱۸

باوندها وآب دستانها و جامی از چشمهٔ می پاك صافی . ج۷ ص۱۷۹۵	بکوزها وآب‌دستانها وقدحی ازآب خوش . ص ٥٦٣

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ نَّارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ

همزه، آیهٔ ۱ و ٦

۱ــ وای هرغمازی را و سخن‌چین را . ٦ــ آتش خدای برافروخته . ج۷ ص۲۰۵۱	۱ــ وای مرطعنه‌کننده‌ای را عیب کننده‌ای‌را فسوس‌کننده‌ای . ٦ــ آتش خدای فروغته . ص ٦٣٧

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

همزه، آیهٔ ۷

ترجمهٔ تفسیر طَبَری	قرآن شمارهٔ ٤
آنکه مطلع شود بردلها .	آنکه برآید فروغ وی بردلها .
ج۷ ص۲۰۵۱	ص ٦۳۷

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ

یس، آیهٔ ۳۹

وماه‌تاب‌اندازه‌کردیم آنرافروآمدنها تا گشت چون کاردوا دیرینه .	وماه‌را اندازه کردیمش جایگاههای فروآمده تابگشت چون شاخ خرما خنبیده کهن خشك .
ج٦، ص۱٤۹۹	ص٤٦٥

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

یس، آیهٔ ۷۷

و نه‌بینند مردمان که ما بیافریدیم اورا از آب گنده و پس چون پیکار کننده‌ایست هویدا .	یاهمی‌نبینند مردم که ما بیافریدیم اورا ازآب اندك همیدون وی پیکار کشی‌است پیدا .
ج٦ ص۱۵۰۲	ص ٤٦٦

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِم قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿٥٩﴾

یوسف، آیهٔ ۵۹

ترجمهٔ تفسیر طَبَری

چون جهـاز کردشان برهن ایشان گفت بیارید بمن برادری از شما از پدر شما نه‌می‌بینند که من تمام دهم پیمانه و من بهتر فرستادگانم .

ج۳ ص۷۴۹

قرآن شمارهٔ ٤

و چون گسی کرد ایشان‌را بابارهای ایشان گفت بیارید بمن برادری که شماراست از پدر شما همی‌بینیدکه من تمام همی پیمایم پیمانه‌را و من بهترین فرودآرندگانم .

ص ۲۵۳

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

یوسف، آیهٔ ۱۱۱

بدرستی که بود اندر قصهای ایشان عبرتی خداوند خردهارا . و نه‌بود سخنی فرا بافته و لکن راست آنرا میان‌دستهای‌او و فصل‌کرد هرچیزی و راه نمودنی و بخشایشی گروهی را که می‌گروند.

ج۳ ص۷۵۹

بـود درقصهـای ایشـان پنـدی مرخداوندان خردرا نبود سخنی که دروغ‌توان‌بافتن‌ولکن‌راست‌گردانیدن بوی‌آنرا که‌پیش‌وی‌بود وپدیدکردن هرچیزی و راه‌نمـونی و بخشایش مرگروهی را که بگروند .

ص ۲۵۹

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

یونس، آیهٔ ۵۲

ترجمهٔ تفسیر طَبَری

پس گویند آنکسها [را] که ستم کردند که: بچشید عذابی همیشگی و هیچ پاداشت نیابند مگر بدانچه بودند و می‌ساختند؟.

ج۳ ص۶۷۵

قرآن شمارهٔ ٤

باز گویند مرآنکسهارا که بیدادکردند بچشید عذاب جاودانی. هیچ‌پاداشن کنند مگر آنچه بودید بکردید.

ص۲۲۳

٤

شواهد برای نمایاندن چگونگی ترجمه‌های نزدیک به پارسی سرهٔ قرآن شمارهٔ ٤

ضمن مقایسه با سایر تفاسیر

إِنِّي أَخْلُقُ لَكُم مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ

آل‌عمران آیهٔ ٤٤

ترجمهٔ مستخرج از:
متن تفسیر طبری

... اول باری مرغی از گل بکنم و بران(۱) کنمش تابرخیزد وبپرد و کوران را که ازمادر کورباشند بینا کنم بفرمان‌خدای عزّوجلّ مرده‌را زنده‌کنم بفرمان خدای عزّوجلّ و شمارا بگویم که چه‌خوردید و چه بازنهادید فردارا .

ج ٤ ص۹۸۳

ترجمه از قرآن شمارهٔ ٤
موقت کتابخانهٔ آستان‌قدس

من اندازه‌کنم شمارا ازگل بکردار مرغ پران بدمم در وی بباشدمرغی پران بفرمان خدای بهتر کنم نابینای مادرزاد را و پیس‌را وزنده کنم مردگان‌را بفرمان خدای و آگاهی دهم شمارا بدانچه بخوردید وآنچه بنهید درخانه‌های خویش ..

ص ۵۹

الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

آل‌عمران آیهٔ ۱۲۹

گفت آنکسها که مال و نعمت هزینه کنند | آنکسها که هزینه کنند درفراخی و

۱ـ پرّان نیز می‌توان خواند .

ترجمه مستخرج از متن تفسیر طبری

انـدر فـراخی و تنگی و آنکسها که‌چون خشم برایدشان فروخورند که‌مراد ایشان نباشد و از مردمان اندرگذارند ونیکی‌کنند خدای عزّ وجلّ دوست‌دارد نیکوکاران را

ج۱ ص ۲۵۵

قرآن شمارهٔ ٤

تنگی وفـروخورندگان خشم را و اندرگذارندگان از مردمان وخدای دوست دارد نیکوکاران را .

ص۷۰

وَكَذَٰلِكَ نُرِي إِبْرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ ٱلْمُوقِنِينَ ۝

انعام آیه۷٦

مابنمودیم ابراهیم‌را ملکوت‌آسمانها وزمین تا بباشد از بی‌گمانان .

ج۲ ص٤۸۵

وهمچنین نمودیم ابراهیم‌راپادشائی آسمانهـا و زمین و تا بباشد از بی‌گمانان .

ص۱٤۳

ءَامَنتُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱلَّذِيٓ ءَامَنَتْ بِهِۦ بَنُوٓا۟ إِسْرَٰٓءِيلَ وَأَنَا۠ مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ

یونس آیه ۹۰

... ایمان آوردم کـه نیست خدای مگر آنکه بگرویدند بدو فرزندانِ یعقوب و من از مسلمانان‌ام .

ج۲ ص۵۳۱

... گرویدم که‌وی نیست خدای مگر آنکه بگرویدند به‌وی پسران‌یعقوب ومن از گردن‌نهادگانم .

ص۲۲۸

يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ

هود آیهٔ ٤٤

ترجمه مستخرج از متن تفسیر طبری

... یا زمین فروخور آب ویاآسمان بازگیر آب وزمین آب فروخورد و کشتی‌نوح برسرکوه جودی به‌زمین آمد .

ج۳ ص۸۳۳

قرآن شمارهٔ ٤

... یا زمی فروخور آب خویش ویا آسمان‌بازایست ازباریدن وفروشد آب و گزارده شد کار و بر ِاستاد یعنی کشتی برکوه جودی ..

ص۲۳٦

قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ

هود آیه٤٦

گفت خدای عزوجل‌را بپرستید که نیست شمارا هیچ‌خدای مگر او و بیافرید شمارااززمین وزندگانی‌داد شمارا اندرآن آمرزش خواهید ازو وتوبه‌کنید که خدای‌من وآن ِ همه خلقان جـَّل‌جلاله‌نزدیك‌است‌وجواب ده .واجابت‌کن دعا .

ج٥ ص۱۱۹۱

... گفت یاگروه من بپرستید خدای را نیست شمارا ازخدای جز وی بیافرید شمارا اززمین و زندگانی داد شمارا درآنجا آمرزش‌خواهید از وی باز بازگردید سوی وی که خداوند من نزدیك‌است پاسخ‌کننده

ص۲۳۹

هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا

قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا

کهف آیه ٦٦،٦٧،٦٨،٦٩

ترجمه مستخرج از متن تفسیر طبری

گفت من باتو بیایم تا تو مرا اندر آموزی ازآن‌علم که‌ترا اندرآموختند ـ گفت تو بامن نتوانی بودن ـ که‌تو آنچه من کنم ندانی و بدان صبر نتوانی کردن ـ گفت اگر خدای خواهد تو مرا ازصابران یابی وبه هیچ‌کار اندرتو عاصی‌نگردم .

ج٤ ص٩٥٣

قرآن شمارهٔ ٤

گفت چیز بر پی تو روم بر آنکه بیاموزی مرا ازآنچه بیاموزنید ترا راه راست گفت که تو نتوانی بامن صبرکردن و چون شکیبایی کنی بر آنچه نه‌بررسیده باشد بوی دانش‌ـ گفت باشد که بیابی مرا اگربخواهد خدا شکیبا و بی‌فرمانی نکنم ترا بکاری .

ص٣١٧

قَالَ يَا بْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

طه آیهٔ ٩٦

گفت با پسر مادرمن ریش وگریبانِ من مگیر که‌من ازآن می‌ترسیدم که تو مرا ملامت‌کنی وگویی که چرا قوم‌را بجا رها کردی . . .

ج٢ ص ٣٩٠

گفت یا پسر مادرمن مگیر ریشِ من ونه سرمن که من بترسیدم که تو گویی جدایی افکندی میان پسرانِ یعقوب . . .

ص٣٣٦

هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ

قصص آیه ۱۲

ترجمه مستخرج از متن تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
گفت من شمارا راه‌نمایم برگروهی که مر این‌کودك را دایگانی کنند و اورا نیکو بدارند.	گفت چیـز خواهید تا راهنمونی کنمتان بر خانـدانِ کسهایی کـه بپذیرند ورا وایشان‌اورانیکخواهان باشند.
ج٦ ص١٦٠٣	ص٤٠٦

وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

احزاب آیهٔ ۱۳

ایشان دستوری خواستند از بهر عورت و عورتشان ازآن‌جا دور بود و ایشان می‌خواستند که از حرب بگریزند.	... ودستوری همی‌خواست گروهی ازیشان پیغامبر را همی‌گفتند کـه خانه‌های ما گشاده‌است و نیست آن خانه‌ها گشاده نمی‌خواهند مگر گریختن.
ج٥ ص١٤٤٣	ص٤٤٠

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

سورهٔ ص آیهٔ۸۵

خدای‌تعالی گفت که من دوزخ‌را پر کنم ازتو و از آن کسی که متابعتِ تو کند.	پرکنم دوزخ از تو و از آنکه بدمِ توشود ازایشان همگنان.
ج٢ ص٣٢٤	ص٤٨٠

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

زمر آیهٔ ۳۶

ترجمه مستخرج از متن تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
... جزا دهم اورا مزد آن‌نیکوتر از آنچه کردند وآن اسلام‌بود و ثواب بهردوجهان . ج٦ ص١٥٨٥	... وپاداشن‌دهد ایشان‌را مزدایشان به‌نیکوترین آنچه ایشان همی‌کردند ص٤٨٥

كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ

حاقّه آیهٔ ۷

چنان بودند چون درخت خرما که از بُن برکنی و بیوکَنی ج٥ ص١١٨٨	پنداری که ایشان بُنهای خرمابُن اندی میانه‌تهی . ص٥٩٨

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

قدر آیهٔ ۱

گفت مااین‌قرآن‌را بفرستادیم اندر شبِ قدر . ج٦ ص١٦٧٢	مـا فرو فرستادیم اورا در شبِ اندازه‌کـردن . ص٦٣٣

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا

عادیات آیهٔ ۱

گفت که آن اسبان ایشان عربده‌ای همی‌کنند . ج٧ ص٢٠٤٤	سوگند به‌اسبان دونده دم‌زنندگان ص٦٣٥

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ
أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ
الْجَاهِلِينَ

بقره آیهٔ ٦٧

ترجمه از تفسیر پاك

گفت یاد کن کـه موسی علیه‌السلم مرگروه خودرا گفت خداوند تعلی مرشمارافرموده‌است تاگاوی بسمل کنید . گفت یاموسی بر ما فسوس می‌کنی . موسی گفت علیـه‌السلم برگست بادا و آن روز مبـاد اگـر من از جملهٔ جاهلان باشم .

ص۳

قرآن شمارهٔ ٤

وچون گفت موسی مر گروه‌خویش را که‌خدای همی فرماید شمارا که بکشید ماده‌گاوی گفتند مارا همی بگیری بافسوس . گفت بازداشت خواهم به‌خدای که باشم ازنادانان.

ص۱۱

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ
إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَٰلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ

بقره آیه ٦٨

... گفتند یاموسی بپرس از بهر ما مرخداوند خودرا تعلی تا پدید کند مارا که چه‌گاوست این. گفت‌موسی علیه‌السلم خداوندِ من چنین‌گفت این گاویست نه‌پیر پیراست و نـه جوان جوان میانه گاوی‌است گفت فرمان بجای‌آرید بدانچنان فرموده شد ...

گفتند بخوان برای‌ما خداوندخویش را تا پدیدکند چیست آن گاو گفت وی همی‌گوید یعنی خدای آن ماده گاوی‌است نه بزادبرآمده و نه‌جوانه میانه‌سال میان این‌هردو بکنیدآنچه همی‌فرمایدتان .

ص۱۱

ص٤—٥

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

بقره آیهٔ۷۳

ترجمه از تفسیر پاك

و نمی‌داننـد که خدای عـزّ وجلّ آگهست و آگاهی دارد بهرچه‌ایشان اندرپنهان می‌گویند و می‌کنـند و آنچه آشکارا می‌گویند و می‌کنند .
ص۱۳

قرآن شمارهٔ ٤

یا همی ندانید که خدای‌بداند آنچه همی پنهان‌کنید و آنچه آشکاراکنید
ص۱۳

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

بقره آیهٔ۱۳٦

ابراهیم وفرزندانش قومی‌بودند که رفتند و گذشتند مر ایشان‌راست پاداش هرچه‌کردند ومرشماراست نیز پاداش هرچه کنید و مرشمارا نپرسند و نگیرند کـردهای ایشان
ص۸۳

آن گروهی‌بودند که‌گذشتند ایشان را است آنچه کردند وشمارااست آنچه کردید ونپرسند ازآنچه‌ایشان همی‌کردند .
ص۲۳

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَل لَّا يَشْعُرُونَ

مؤمنون آیهٔ۵۹

ترجمه از تفسیر سورآبادی

می‌شتابانیم ایشان‌رادرنیکیها بل‌که می‌ندانند که اقبال دنیـا نه‌نشان سعادت‌است .
ص۱

قرآن شمارهٔ ٤

همی بشتابانیم ایشان را در نیکیها نه‌که همی دانند .
ص۳٦٤

إِنَّ الَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ

مؤمنون آیهٔ ٦٠

ترجمه از تفسیر سورآبادی	قرآن شمارهٔ ٤
بدرستی که‌آنکسها که ایشان ازبیم خدای ایشان‌سبحانه‌وتعالی ترسان گشتند .	آنکسها که ایشان ازبیم خداوند خویش ترسانند .
ص۱	ص۳٦٤

وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

مؤمنون آیهٔ ٦١

وآنکسها که ایشان بنشانهای خدای سبحانه وتعالی گرویده می‌باشند .	وآنکسها که‌ایشان بنشانهای‌خداوند خویش گرویده‌اند .
ص۱	ص۳٦٤

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

شعرا آیهٔ ۳

مگر تو یا محمد هلاك کننده‌ای تن خودرا و بخواهی‌کشت خویشتن‌را بدانکه ایشان نیستند گرویدگان .	تا مگر توکشنده‌ای خویشتن را که نباشند گرویدگان .
ص ۷۸	ص۳۸٦

فَأَخْرَجْنَاهُم مِّن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

شعرا آیهٔ ۵۹،۵۸

ترجمه از تفسیر سورآبادی

پس بیرون‌آوردیم ایشان را از باغ بوستانها و چشمه‌هـا ـ وگنجها و جایگاه خرم . ص۸۸

قرآن شمارهٔ ٤

بیرون‌کنیم ایشان‌را از بوستانها و چشمه‌ها و جایگاههای بزرگوار .
ص۳۸۹

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

نمل آیهٔ۹۱

وببینی کوههارا آن روز پنداری که آن ایستاده‌است وآن خود می‌رود چون رفتن اور به‌صنع آن خدای که او درست‌کرد هرچیز که کرد . بدرستی که او آگاه‌است بدانچه خلق می‌کنند از خیر وشر .
ص۱۵۰

و ببینی کوههـا را پنـداری شان فسرده‌اند و ایشان همی‌روند چون رفتن ابـر کرد خدا آنکـه استوار گردانید هرچیزی که وی آگاه‌است بدانچه همی‌کنند .
ص٤۰٤

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

عنکبوت آیهٔ۷۰

وآنکسها که بکوشیدند در کارما و درطلب رضای ما ازبهرما هـراینه بنمایيم ما ایشان را راههای‌ما یعنی راههـای طاعت بزیـادتِ توفیق بدرستی که‌خدای بانیکوکاران‌است.
ص۲۳۳

و آنکسها که بکوشنـد انـدر مـا بنمائیم‌شان راههای ما و خدای با نیکوکارانست .
ص٤۲٤

وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ

روم آیهٔ۱۳

ترجمه از تفسیر سورآبادی

نباشد ایشان‌را انبازان یعنی بتان وآنچه دونِ خدای می‌پرستند خواهش‌گرانی و باشند به‌انبازانِ ایشان ناگرویدگان .

ص۲٤۲

قرآن شمارهٔ ٤

ونباشد ایشان‌را از انبازان ایشان خواهشگران و بودند به انبازانِ ایشان ناگرویدگان .

ص٤۲٥

ذَٰلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

سجده آیهٔ ٦

آن‌خدای که تدبیر همه‌چیزها کند دانندهٔ ناپیدا و پیدااست ارجمندِ بی‌همتااست وبخشاینده مرمؤمنانِ خاصه .

ص۲۸۱

اینست دانندهٔ ناپیدا و پیدا سخت گیرندهٔ بخشاینده .

٤۳٥

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

لقمان آیهٔ ۱٦

ای پسرك من بدرستی‌که روزی تو یا آن کردار تو گر باشد هم‌سنگ دانه‌ای از سپندان دانه پس باشد

یا پسرك من اگر بباشد هم‌سنگِ دانه‌ای ازسپندان بباشد اندرسنگی یا اندر آسمانها یا اندر زمین بیارد

ترجمه از تفسیر سورآبادی

در سنگ سخت یا در آسمان پنهان بود یا در زمین پنهان بود بیاردآنرا خدای زیراکه خدای‌است‌باریك‌بین باریك‌کار نیکوکار آگاه بهمه‌چیزها

ص۲٦۸

قرآن شمارهٔ ٤

آنرا خدا که خردبین آگاه‌است .

ص۴۳۲

اَلَّذِیٓ اَحۡسَنَ کُلَّ شَیۡءٍ خَلَقَهٗ وَبَدَاَ خَلۡقَ الۡاِنۡسَانِ مِنۡ طِیۡنٍ

سجده آیهٔ ۷

آن خدای که نیکو کرد هرچیزرا که آفریدآفرینش‌آن وآغازکردآفریدنِ مردم‌را از گِل و آن مردم آدم بود صلوات‌الله علیه .

ص۲۸۲

آنکه نیکو کرد هرچیزی را آفرینش و پدید کرد آفرینش آدمی از گِل.

ص٤۳٦

وَتَوَکَّلۡ عَلَی اللّٰهِ وَکَفٰی بِاللّٰهِ وَکِیۡلًا

احزاب آیهٔ ٤

و توکل کن برخدای در باب مصالح و معاش خویش بسنده‌است خدای کاروان .

ص۲۹۳

و بسپار کارهای خود بر خـدا و بسنده‌است خدا کارساز .

ص٤۳۸

وَعَجِبُوۡٓا اَنۡ جَآءَهُمۡ مُّنۡذِرٌ مِّنۡهُمۡ وَقَالَ الۡکٰفِرُوۡنَ هٰذَا سٰحِرٌ کَذَّابٌ ۖ

سورهٔص آیهٔ ٤

ترجمه از تفسیر سورآبادی

شگفتی کردند کافران مکه که آمد به‌ایشان بیم کننده‌ای هم ازایشان یعنی محمد علیه‌السلم و گفتند کافران که این محمد جادواست نهمار دروغزن. ص۳۷۱

قرآن شمارهٔ ٤

وشگفت‌داشتند که بیاید به‌ایشان بیم‌کننده‌ای از ایشان و گفتند نا گرویدگان این جادوی است دروغزن .

ص٤٧٤

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ
ذٰلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً ۚ وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ
الْأَنْهَارُ ۚ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ ۚ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ
خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

بقره آیهٔ ۷٤

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

پس سخت گشت دلهای شما پس‌آن نشانهای مهربانی و نیك خدائی که ازمن دیدید تاگوئی که آن دلها از سختی چون سنگ است بل که سخت‌تر ازسنگ و ازسنگها سنگ است که ازان جویها می‌رود ازآن سنگ‌است‌که می‌شکافد وآب ازآن بیرون می‌آید و ازآن هست که از بالا بهامون می‌افتد از ترس خدا وخدا از کردشما ناآگاه‌نیست

ج۱ ص۲۳۱

قرآن شمارهٔ ٤

پس سخت گشت دلهای ایشان از پس آن یعنی دلها چون سنگ گشت یا سخت‌تر به‌سختی و از سنگهاست که بیرون دمد از وی جویهای‌روان و از سنگهاست که بشکافد بیرون آید از وی آب و از سنگهاست که فرو غلتد از بیم خدای و نیست خدای بی‌آگاهی از آنچه شما همی کنید .

ص۱۲

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ﴿١٠﴾

نسا آیهٔ ۱۲

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

ایشان که می‌خورند مالهای یتیمان به‌بیداد بیش ازمزدکارآن آتش‌است که در شکمهای خویش می‌خورند . آری‌رسند ایشان به‌آتشی‌افروخته.

ج۲ ص۴۲۹

قرآن شمارهٔ ٤

آنکسهاکه‌همی بخورند خواسته‌های بی‌پدران به‌بیداد همی بخورند در شکمهای خویش آتشی و زود اندر آرندشان به‌آتشی سوزان .

ص۱۸

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ

انفال آیهٔ ٦

باتو پیکارمی‌کردند[وباتومی‌پیچیدند] در چیزی که تو در آن برحق‌بودی پس آنکه پیدا شد گویی که به‌آن مانست‌که ایشان را بمرگ می‌رانند و ایشان می‌نگرستند .

ج٤ ص۲

پیکـار همی کردند باتو در راستی سپس آنکه پدید آورد ترا چنانکه ایشان را می‌راندند سوی مـرگ و ایشان همی‌نگرند .

ص۱۸۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

انفال آیهٔ۲٤

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

ای ایشان‌که بگرویدید پاسخ نیکو کنید خدارا ورسول‌راآنگه که‌شمارا خواند چیزی‌را که‌شمارا زنده‌کند وبدانید که خدای [بحال گردانی و کارگردش] میان مرد و دل اوست و بدانید که شمارا انگیخته بـا او خواهند برد .

ج٤ ص٢٦

قرآن شمارهٔ ٤

یا آنکسها که بگرویده‌اید پاسخ‌کنید خدارا و پیغـامبر چون بخوانـد شمارا بدانچه زنده گرداند شمارا و بدانید کـه خدای جدائی افکند یعنی بگرداند میان مردم و دل‌وی و شمارا سوی وی گرد آرند .

ص۱۸۷

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ

انفال آیهٔ ٤١

و اگر برگردند [از فرمان‌برداری و گردن‌نهادن] بدانید که خدای یارِ شمااست نیك‌یار و نیك‌دستگیر و نیك‌یاری ده .

ج٤ ص٤١

و اگر روی بگردانند بدانید کـه خدای یار و نگهدار شمااست نیك نگهدار و نیك یاری‌گراست .

ص۱۸۹

بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

توبه آیهٔ ١

این بیزاری‌است از خدا و رسول او کـه پیمـان بستید بـا ایشان از مشرکان .

ج٤ ص٨٧

بیزاری‌است از خدای و پیغامبرِ وی سوی آنکسها که پیمان کردند با ایشان از انبازگیران .

ص۱۹٤

لا یستوی اصحاب النار واصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون

حشر آیهٔ ۲۰

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

هرگزدوزخیان چون بهشتیان‌یکسان یکسان نباشند بهشتیان‌اند که رستگان‌اند و پیروزآمدگان .

ج۱۰ ص۴۵

قرآن شمارهٔ ٤

برابر نباشد باشندگان آتش و باشندگان بهشت . باشندگان‌بهشت ایشان باشند رستگاران .

ص۵۷۷

لقد کان لکم فیهم اسوة حسنة لمن کان یرجوا الله والیوم الاخر ومن یتول فان الله هو الغنی الحمید

ممتحنه آیهٔ ٦

شمارا درابراهیم وقوم اوکه برملت او بودند پی‌بردنی نیکواست آنکس‌را از شما که از خدا ترسد و روز رستاخیز وهرکه برگردد (از فرمان ما) الله اوست بی‌نیاز ستوده .

ج۱۰ ص٦٤

هست مرشمارا در ایشان راه‌بردنی نیکو . مرآنکسی که هست ترسنده از خدای و روز بازپسین وهرکه برگردد خدای هست وی بی‌نیاز ستوده .

ص۵۷۹

فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله واذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون

جمعه آیهٔ ۱۰

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

چون‌نمازگزارده‌آمد بپراکنیدوبروید در زمین از فضل الله [و رزق او] طلب کنید و خداوند خویش‌را یاد کنید [برهرحالی] فراوان تامگر به‌نیك‌روز بمانید .

ج۱۰ ص۹٤

قرآن شمارهٔ ٤

چون‌گزارده شود نماز بپراکنید اندر زمین و بجویید از افزونی خدای و یاد کنید خدای‌را بسیار تا مگر شما برهید .

ص۵۸٤

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ
فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

فاطر آیهٔ۷

ترجمه از تفسیر روض‌الجنان

کــه دیو شمارا دشمن‌است گیرید اورادشمن‌می‌خواندلشکرش تاباشند از اهل دوزخ .

قرآن شمارهٔ ٤

که دیو شمارا دشمن‌است بگیرید ورا دشمن همی‌خواند گروه خویش را تاباشند از باشندگان دوزخ .

ص٤٥٦

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۳۰

یس آیهٔ ۳۰

دریغ بربندگان نمی‌آید به‌ایشان‌هیچ پیغــامبری الا ایشان ازو فسوس می‌دارند .

یا پشیمانیا بربندگان نیاید به‌ایشان هیچ پیغامبری مگر که بودند به‌وی همی فسوس کردند .

ص٤٦۳

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا
إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ

صافات آیهٔ ۱۲

ترجمه از تفسیر روض‌الجنان

بپرس ازیشان تاایشان سخت‌خلق‌ترند یاآنان که ما بیافریدیم . مابیافریدیم ایشان را از گلی دوسنده .

قرآن شمارهٔ ٤

بپرس ازیشان که ایشان سخت‌ترند به‌آفرینش یاآنکه بیافریدیم ما ایشانرا از گل بردفسنده یعنی نوچگن .

ص٤٦٨

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ
كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

نازعات آیهٔ ۳٤و٤٦

چون آید طامه مهتران پنداری ایشان آن‌روز که بینندآنرا مقام نکرده‌اند الا شبانگاهی یا چاشتگاهش .

چون بیامد کاری پوشیده بزرگترین درست‌گویی آن‌روز بینند ایشان ورا که ایشان درنگ نکرده‌اند مگر شبانگاهی یا بامدادان وی .

ص٦١٨

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

زلزال آیهٔ۷

هرکه‌کند به‌سنگ مورچه‌ای خرد نیکی بیند .

هرکه بکند هم‌سنگ مورچه‌ای نیکی بیند آنرا .

ص٦٣٥

يَا بُنَيَّ
إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُن فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي
السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

لقمان آیهٔ ۱٦

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی
نسخهٔ عکسی دانشگاه مشهد

ای‌پسرکِ من بدان که کردار تو از نیکی وبدی همسنگ‌سپندان‌دانه‌ای باشد درسنگی ازسنگها نهان‌شده یا درآسمانهابررفته وازچشم‌ها غایب شده یا درزمینها ناپیدا گشته وگم بوده‌باشد خدای‌تعالی بداند که از کجاست وآن‌را به‌حشرگاه آرد تا ترا بدان پاداش دهد کـه خداوندِ تعالی باریک‌بین داناست .

ت۱۳ ص۲۸۵

قرآن شمارهٔ ٤

یا پسرك من اگـر بباشد همسنگ دانـه‌ای از سپندان بباشد انـدر سنگی یا اندر آسمانها یا اندرزمین بیارد آن‌را خدا که خدا خردبینِ آگاه‌است .

ص٤۳۲

قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا
فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ

طه آیهٔ۱۳۵

بگوی ای‌محمدمرایشان‌را که‌هریك چشم می‌دارد تاحکم خدای تعالی چه‌پیداآید . اکنون شمانیز چشم دارید سرانجام آخرخواهیددانست که‌خداوندان راه‌راست ماییم یاشما وراه راست که یافتست ما یا شما

ت۱٦ ص٦۷

بگو همه چشم همی‌دارند شما نیز چشم داریـد زود بدانید کـه‌اند خـداوندانِ راه‌راست و کیست راه‌یافته یا براه‌آمده .

ص۳۳۹

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ

انبیاء آیهٔ ۱۵

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی

همواره ایشان آن‌می‌گفتند تا آنگاه که‌ایشان‌را پست‌کردیم چنانکه‌کشت درودهٔباشد و ناچیز کردیم چنانکه آتش خاکستر شده‌باشد .

ت۱٦ ص٦۹

قرآن شمارهٔ ٤

همارا یعنی همیشه آن‌بود خواندن ایشان تا بکردیمشان درودگان ازبن برکندگان مردگان افتادگان .

ص۳٤۰

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

انبیاء آیهٔ۳٦

هرنفس که‌هست آن‌چشندهٔ‌مرگست وما شمارا به‌بد ونیك می‌آزماییم و بدانید که بازگشت شما به‌ماست

ت۱٦ ص۷۳

هر تنی چشندهٔ مرگست و آزموده گردانیدیم به‌بدی ونیکی آزمودنی و سوی ماتان بازگردانند .

ص۳٤۲

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا ۖ وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا ۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ

انبیاء آیهٔ٤۷

وچون روز قیامت باشد برای آن روز ما ترازوی عدل بنهیم و بـر هیچکس در هیچیز ظالـم نرود و

وبنهیم ترازو به‌داد روز راستخیز ستم نکنند تنی‌را چیزی و اگرباشد همسنگ دانه‌ای از سپندان بیاریم

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی

اگرچه کردار او هم‌سنگ سپندان دانه‌ای‌باشد آن‌راپیش‌آریم وبه‌عدل بسنجیم پس باشد که ما درآن‌روز شمارکنیم به‌راستی و درستی .

ت۱٦ ص۷٤

قرآن شمارهٔ ٤

آن‌را وبسنده‌باشیم‌ما شمارکنندگان را .

ص۳٤۳

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ لَّلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

مؤمنون آیهٔ۷۵

اگر ما برایشان رحمت‌کنیم و این سختی رنج که بدیشان رسیدست ازیشان برگیریم ایشان بدانچه‌وعده می‌دهند وفا نکنند و در گم‌بودگی خود کور وار فرورونـد و ازآن باز نگردند .

ت۱۲ ص۱۲۲

واگر ببخشودیمی‌شان و بگشادیمی آنچه به‌ایشان‌بود از سختی ستیزه کردندی در گـردن بردگی خویش همی‌گشتندی .

ص۳٦۵

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ

مؤمنون آیهٔ۱۰٦

فـروغ آتش دوزخ زبانه می‌زند و رویهای‌ایشان‌را می‌سوزاند وایشان باشند کشت‌رویان غم‌زدگان حیران شدگان .

ت۱۲ ص۱۲۵

بدمد به‌رویهای ایشان آتش وایشان درآنجا ترش‌روی باشند .

ص۳٦۷

۵

شواهد برای نمایاندن شیوائی و رسائی ترجمه‌های پارسی قرآن شمارهٔ ٤

ضمن مقایسه با سایر تفاسیر

فَانسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ

اعراف آیهٔ ۱۷۵

ترجمهٔ مستخرج ازمتن تفسیرطبری

خویشتن را از آن نام بیرون کشید و دیو اورا یار شد یعنی ابلیس ...

ج۳ ص۵۷۰

ترجمه از قرآن شمارهٔ ٤موقت کتابخانهٔ آستان قدس

... خویشتن بیرون آورد از آنجا از پس دررسیدش دیو ببود از بی‌راهان. ص۱۸۱

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَت دَّعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

اعراف آیهٔ۱۹۱

آن خدای‌است که شما [را] بیافرید همه از یك‌تن جفت او هم ازو بیافرید تا به‌او آرام گرفت. چون به او گردآمد حوّا ازو برداشت باری سبك .

وی‌است آنکه بیافرید شمارا از یك‌تن و بکرد ازوی جفت وی تا بیارامد با وی . چون فراز رفت بوی باربرگرفت باری سبك بگذشت بدان چون گران‌بار گشت بخواندند

ترجمهٔ مستخرج از متن تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
چون گران‌شد مرحوّا را بار ، آدم و حوّا از خدای عزوجل اندر خواستند . گفتند یارب اگـر مارا فرزندی دهی درست‌دست، درست پای، نیکوا(۱)روی‌ده تامرترا شکر کنیم . ج۳ ص٥٧٤	خدای را پروردگار خویش را اگر بدهی مارا فرزندی نیك بباشیم از سپاس‌داران . ص۱۸۳

إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ

هود آیهٔ۸٤

گفتند وعده شبگیراست و نه‌نزدیك است شبگیر . ج٤ ص۸٦۰	که وعده‌گاه ایشان سپیده دم‌است نه‌سپیده نزدیك‌است ؟ ص۲٤۱

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا

مریم آیهٔ۱۸

... گفت من‌بخدای بازداشت خواهم ازتو اگرهستی تو از پرهیزکاران . ج٤ ص۹۷۹	... من باز داشت خواهم بخداوندِ مهربان ازتو اگـر هستی ترسکارِ پرهیزکار . ص ۳۲۳

قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا

مریم آیهٔ۲۱

۱ــ چنین‌است دراصل ، درسایر ترجمه‌های کهن نیز فراوان دیده‌شده‌است .

ترجمهٔ مستخرج از متن تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
گفت مرا چگونه فرزند باشد که‌مرا هرگز هیچ آدمی نبسوده‌باشد و مریم نیست از فسادکاران و پلیدکاران . ج٤ ص۹۸۰	گفت ازکجا باشد مرا کودك ونبسود مرا مردمی و نبودم پلیدکار . ص۳۲۳

قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا

مریم آیهٔ۲٤

گفت ای‌وای برمن کاشکی که من پیش ازین بمُردمی و گشتمی از فراموش کردگان . ج٤ ص۹۸۰	گفت یاکاشکی بمردمی پیش این و بودمی فرامشت‌کرده بیرون‌انداخته ص۳۲۳

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ۖ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ عَصِيًّا

مریم آیهٔ٤٦

گفت یاپدر دیورا مپرست که دیو برخدای عاصی‌است . ج۲ ص٤۷۱	یاپدرمن مپرست‌دیورا که دیوهست مرخدارا نافرمان‌بردار . ص۳۲۵

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ
أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

انبیاء آیهٔ٦۸

گفت‌چیزی‌را همی‌پرستید ازبیرون	گفت همی‌پرستید بجز خدای آنچه

ترجمهٔ مستخرج از متن تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
خدای که‌شمارا نه‌منفعت تواند ونه مضرت تواند رسانیـد نفرین بادا شمارا بدانچه می‌پرستید از فرودِ خدای اگر همی‌دانید . ج۲ ص٤۷۵	سودنکنند شـما را چیزی و زیان نکنند ننگ مرشمارا و مرآنرا کـه همی‌پرستید بجزخدای یاهیچ‌خرد نیست، شمارا . ص۳٤۵

قَالَ يَا مُوسَىٰ أَتُرِيدُ أَن
تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِن تُرِيدُ إِلَّا أَن تَكُونَ جَبَّارًا فِي
الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ

قصص آیهٔ۱۹

گفت که چنان همی‌خواهی که مرا بکشی و تو می‌خواهی که جبّاری بـاشی انـدر زمین و ستم‌کاری و نمی‌خواهی که ازنیکان باشی . ج٦ ص۱٦۰۸	... یاموسی همی‌خواهی که بکُشی مـرا چنانکـه بکشتی تنی‌را دی نمی‌خواهی مگرآنکه بباشی خیره‌کشی درزمین و همی‌نخواهی که بباشی از نیکوکاران . ص٤۰۷

أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

عنکبوت آیهٔ۲

گفتا چه‌پندارند مردمان که ایشان گویند مسلمان‌شدیم ومؤمن و بـه خدای عزوجل بگرویدیم و آنگـه ایشان‌را آزموده نکنند و ایشان را به‌محنت نرسانند . ج٥ ص۱۳۰۸	همی پنـدارند مردمان کـه دست باز دارندشان که گویند گرویدیم و ایشان‌را نیازمایند . ص٤۱٦

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

زمر آیهٔ ۱۰

ترجمهٔ مستخرج از متن تفسیر طبری

گفت اگر فرمان نبرید من که‌خدایم بی‌نیازم واگر فرمان‌برید وشکرکنید بپسندم ازشما .

ج۷ ص۱۹۱۱

قرآن شمارهٔ ٤

اگر ناسپاسی کنید خدای بی‌نیاز است ازشما و نپسندد مر بندگانِ خویش را ناسپاسی کردن و اگر سپاس‌داری کنید پسنددآن‌شمارا.

ص٤۸۲

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ

نجم آیهٔ ۲

که‌این‌محمد دیوانه نیست و گم‌بوده نیست .

ج۷ ص۱۷٦۹

نه گم‌شده‌است‌یارشما ونه‌سرگشته

ص٥٥۳

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ① قُمْ فَأَنذِرْ ② وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ

مدثر آیهٔ ۱،۲،۳

ای آنکه جامـه به‌سر کشیده‌ای – برخیز ومردمان‌را پنده – وخدای عزوجل‌را ببزرگی وپاکی یادکن .

ج۷ ص۱۹٥٦

یا سر به‌جامه درکشیده – برخیز بیم‌کن وخداوند خویش‌را بزرگ‌دار

ص٦۰۸

فَأَمَّا مَنْ
طَغَىٰ ﴿٣٧﴾ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٣٩﴾
وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ
الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾

نازعات آیه۳۷ تا ۴۱

ترجمه مستخرج ازمتن تفسیر طبری

هرکه راه‌طاعت‌گیرد و فرمان‌برداری کند و بترك هوای خویش بگوید جایگاه او بهشت جاودان است و هرکه راه معصیت گیرد ونافرمانی کند جایگاه او دوزخ‌است و عذاب دوزخ . (۱) ج۷ ص۲۰۱۲

قرآن شمارهٔ ٤

پس هرکه گردن‌برد و بگزیدزندگانی این‌جهان که دوزخ جایگاه وی‌است واما آنکه بترسد از ایستادن پیش خداوند خویش وبازدارد تن را از آرزو بهشت‌جایگاه وی‌است .

ص۶۱۸

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ

تکویر آیهٔ ۱٤

هرتنی بداند که چه‌آورده‌است از نیکی و بدی .

ج۷ ص۱۹۹٤

بداند هرتنی آنچه‌باخویشتن آورده است .

ص۶۲۰

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ﴿١﴾ فَذَٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ

ماعون آیهٔ۱ـ۲

۱ـ چنین‌است در متن ترجمهٔ تفسیر طبری یعنی ترجمه باترتیب آیات منطبق‌نیست ومقدّم مؤخّراست .

ترجمهٔ مستخرج از متن تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
نبینی یامحمد آن‌را که‌دروغزن‌است بروز رستخیز و بتو که پیغامبری جفاکند. آنست که خوارکند یتیمان را . ج۷ ص۲۰٦٤	چه‌بینی آن کسی که به‌دروغ دارد شمار و پاداشن را . آن‌کسی‌است که سردکند و باززند یتیم را ص٦۳۹

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ

بقره آیهٔ٦۵

ترجمه از تفسیر پاك	قرآن شمارهٔ ٤
گفت بخوان بـاز بهر مـا خداوندِ خودرا تا پیدا کند مارا که این گاو برچه‌رنگ‌است‌گفت‌موسی‌که‌خداوند تعلی چنین‌گفت که آن گاوی است که همهٔ پوست‌او زرداست زردزرد تا شنکلها و سرونش نیـز زرداست چنانکه شادمانه گرداند مرنگرندگان را که در وی نگرند و به‌شگفت‌آرد ایشان‌را . ص٥	گفتند بخوان از بهـر ما خداوندِ خویش‌را تا پدید کند مارا چیست گونهٔ وی گفت همی گوید که وی ماده‌گاوی‌است زردسخت‌زرد گونهٔ وی شادمانه گرداند نگرندگان‌را . ص۱۱

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ

بقره آیهٔ۹٤

ترجمه از تفسیر پاك

به‌راستی که‌ما به‌سوی‌تو فرستادیم آیتهای قرآن و فرمان ونهی مرورا نه‌منکر شوند مگر فاسقان .

ص۳۲

قرآن شمارهٔ ٤

وما فروفرستادیم سوی‌تونشانیهای پیدا و کافر نگردند بدان مگر بی‌فرمانان .

ص۱۷

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

مؤمنون آیهٔ۹٤

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

دانندهٔ ناپیدا و پیداست وبزرگوار است ودوراست‌ازآنچه‌می‌انبازآرند به‌وی .

ص۹

قرآن شمارهٔ ٤

دانای ناپیداوپیدا برتراست ازآنچه انباز گیرند .

ص۳٦٦

وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِندَ رَبِّهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

مؤمنون آیهٔ۱۱۷

هرکه خواند با خدای خدای دیگر حجّت نبود اورا برآن بدرستی که شمار او نزد خدای او بود وعذاب او ازاوبود بدرستی که هرگزنرهند کافران از عذاب .

ص۱٥

وهرکه بخواند باخدای خدای دیگر نباشد حجّتی اورا بدان هراینه شمار وی نزد خداوند وی‌است که وی نرهد(۱) ناگرویدگان .

ص۳٦۸

۱ــ کذا . . .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ ۚ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝

نور آیهٔ۲۲

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

ای آنکسها که گرویده‌اید و ای‌شما که گروندگان‌اید پس‌روی مکنید گامهای دیورا یعنی وسوسه‌های اورا.هرکه‌پس‌روی‌کند وسوسه‌های دیورا درافتد در زشتی وناشایست وگرنه فضل خدا بودی برشما و رحمت‌او پاك‌نبودی ازشما هیچ‌کس هرگز ازآن بهتان بیك خدای پاك دارد آن‌راکه‌خواهدخدای شنواست آن‌بهتان را دانا .

ص۲۸

قرآن شمارهٔ ٤

یاآنکسها که بگرویده‌اند بدم‌مروید بر پیهای دیو وهرکه بدم رود بر پیهای دیو وی بفرماید بناخوبی و زشتی و اگرنه فضل خداپودی بر شما و بخشایش وی پاك‌نگشتی از شما هیچ‌کسی هرگز ولکن خدا پاك گرداند آنرا که‌خواهد و خدا شنواست دانا .

ص۳۷۰

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنبَغِي لَنَا أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِن مَّتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ۝

فرقان آیهٔ۲۰

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

گویند پاکا خدایا که توی نسزیدی ماراکه‌بگرفتیمی ازدونِ تو دوستانی بلکه تو زندگانی و برخورداری‌دادی ایشان‌را و پدرانِ ایشان‌را تا دست بداشتند و فراموش کردند یادکرد وتوحیدِ ترا وبودند گروهِ هلاك‌شده وسزاوار هلاکت .

ص۶۱

قرآن شمارهٔ ٤

گویند پاکی تو سزا نبود مارا که بگیریم بجز تو یاران و دوستان ولکن برخورداری دادی ایشان را وپدران ایشان را تا فرامشت‌کردند یادرا یعنی توحید وراستی وبودند گروهی هلاك‌شدگان .

ص۳۵۰

أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا

فرقان آیهٔ۷۶

ایشانند آنکسها که پاداش دهند ایشان‌را درخت بلند بدانچه صبر کردند بر طاعت و صبرکردند از معصیت و صبر کردند در محنت و پیش‌آرند ایشان را و بدهند ایشان را در آنجا کرامت .

ص۷۷

ایشانند که پاداشن دهدشان‌کوشك وبهشت بدانچه شکیبائی کردند و فراز آردشان درآنجا درود وسلام.

ص۳۸۵

وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ

شعرا آیهٔ ۲۲۵

وقافیت گویان باشند که پس‌روی کنند ایشان‌را گمراهان .

ص۱۰۸

وشاعران ازپس‌ایشان روندبی‌راهان

ص۳۹۶

وَيَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ

نمل آیهٔ ۹۰

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

وآن‌روز که قیامت‌بود دردمند درشپور بهراسند آنکه در آسمانها وزمین‌اند مگرآنکه خدای خواهد همه آمده باشند به وی خواران .

ص۱٤۹

قرآن شمارهٔ ٤

و آن روزی که بدمند اندر صور بیم‌افتد آنکه‌درآسمانهااند وآنکه در زمین‌اند مگر آنکه بخواهد خدا و همه بیایند سوی وی خواران و ذلیلان .

ص٤۰٤

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

نمل آیهٔ۹۳

بگوی سپاس و آزادی و ستایش خدای‌را سزد زودا که به‌شما نماید نشانهای‌او و نیست‌خدای‌تو بی‌آگاهی ازآنچه خلق می‌کنند.

ص۱۵۱

بگو سپاس خدارا زود بنمایدشمارا نشانیهای خویش تا بشناسید و نیست خداوند تو بی آگاهی از آنچه همی‌کنید .

ص٤۰۵

وَإِن تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

عنکبوت آیهٔ۱۸

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

وگر بدروغ دارید حق‌را زیان شما را دارد نه‌رسول‌را بدرستی که بدروغ داشتند گروهان که پیش از شما بودند نیست بر رسول مگر رسانیدن پیدا .

ص۲۱۱

قرآن شمارهٔ ٤

واگر بدروغ دارید هرآینه بدروغ داشتند گروهان ازپیش‌تو و نیست برپیغامبر مگر رسانیدن پیدا .

ص٤١٨

وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

عنکبوت آیهٔ۲۲

و نیستید شما عاجز یا بندگان‌خدای را از عذاب شما و نه از پیش‌شونده ازپیش عذاب درزمین ونه‌درآسمان خواهدشمارا ازآسمان‌عذاب فرستد خواهد از زمین . ونیست شمارا از فرود خدای هیچ‌دوستی و نه‌هیچ یاری‌کننده .

ص۲۱۲

و نه‌باشید شما جهندگان گریزندگان در زمین و نه درآسمان و نباشد شمارا بجز خدا هیچ نگاه‌داری ونه هیچ یاری‌گری .

ص٤١٩

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

عنکبوت آیهٔ٦٩

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

کی بود ستمکـارتر از آنکس کـه ببافت برخـدای دروغ به‌شرك و تکذیب حق یا به‌دروغ داشت دینِ حق‌را ورسول‌حق‌را ای نه دردوزخ است جایگـاه مرناگرویدگان را و تکذیب‌کنندگان .

ص۲۳۳

قرآن شمارهٔ ٤

کیست بیدادگرتر از آن کسی‌کـه ببافد برخدا دروغی یا دروغ دارد راست چون بیاید به‌وی نه‌هست در دوزخ جای‌بودن ناگرویدگان .

ص٤٢٤

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ

روم آیهٔ۱۲

و آن‌روز که روز قیامت بود نومید گردند کافران که حجت ندارند تا از رحمت خدای نومید شوند .

ص۲٤۲

و آن‌روز که بپای شود راستخیز نومید شوند گناه‌کاران .

ص٤۲٥

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

روم آیهٔ٦۱

شکیبایی کن یا محمد برجفاهایِ کافران‌که هنگام‌کردهٔ خدای درست و راست‌است و سبك‌سار مکنندا ترا و ملفزاندا ترا آنکسهاکه بی‌گمان نیستند ببودن قیامت. ص۲٥۹

شکیبائی کن کـه وعدهٔ خدا راست است و سبك‌سار مگردانندا تـرا آنکسها که بی‌گمان نه‌اند .

ص٤۳۱

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

سجده ۱۹

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

ای آن‌کس که گرویده بود چنان‌کس بودکه بیرون‌شونده بود ازدین‌هرگز یکسان و برابر نبود.

ص۲۸۶

قرآن شمارهٔ ٤

هرگز آن کسی کـه باشد گرویده چنان کس باشد کـه بی‌فرمانست برابر نباشند.

ص٤٣٧

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

احزاب آیهٔ۱٤

وچون گفت گروهی از ایشان یعنی منافقان ای‌اهل‌مدینه‌نه‌جای‌شماست اینجـا که ایستـاده‌ایـد یعنی در حرب‌گاه مه‌ایستید بازگـردیـد و دستوری می‌خواستند گـروهی از ایشان بازگشتن را از پیغامبـر و می‌گفتند بدرستی که خانه‌های ما گذاشته‌است نیست آن خانه‌های ایشان گذاشته نمی‌خواهند مگـر گریختن از حرب بهانه آنرا می‌آرند.

ص۳۰۸

و چون گفتند گروهی از ایشان یا مردمان مدینه درنگ‌نیست‌مرشمارا باز گردید و دستوری همی‌خواست گروهی از ایشان پیغـامبررا همی گفتند که خانه‌های ما گشاده‌است ونیست‌آن‌خانه‌هاگشاده‌نمی‌خواهند مگر گریختن.

ص٤٤٠

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ
لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ بقره آیهٔ۸۳

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

و عهد گرفتیم و پیمان ستدیم از فرزندان یعقوب که تانپرستید جز از الله و پدر و مادر را نوازند و باایشان نیکویی‌کنند و باخویشان و نزدیکان و باکودکان پدرمردگان و بادرویشان ومردمان‌رانیکوئی گویید و نماز بهنگام بپای دارید و زکوةِ مال خویش بدهید پس‌ازآن وصیت که شمارا کردیم برگشتید مگراندکی از شما و از وفا روی گردانیدید .

ج۱ ص۲۴۲

قرآن شمارهٔ ٤

و چون گرفتیم پیمان پسران‌یعقوب که نپرستید مگر خدای‌را و بامادر و پدر نیکوی‌کردن و باخویشاوندان و بی‌پدران و درویشان و بگویید مر مردمان‌را نیکوی و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را باز برگشتید مگر اندکی از شما .

ص۱٤

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

آل‌عمران آیهٔ۲۲

ایشانندکه تباه‌گشت (ونیست شد) کردارهای ایشان‌هم درین جهان (به‌بی‌نامی) وهم درآن‌جهان (به‌بی‌پاداشی) ونه‌ایشانراست‌هیچ‌یاری‌ده

ج۲ ص۶۰

ایشانندآنکسهاکه تباه‌گشت‌کارهای ایشان درین‌جهان و آن‌جهان ونباشد ایشان‌را هیچ یاری‌گری .

ص۵۵۱

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

انفال آیهٔ ۳٤

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

و خدای برآن نیست که ایشان‌را عذاب کند و تو در میان ایشان و نیست خدای عذاب کردن ایشانرا تاایشان آمرزش می‌خواهند .

ج٤ ص۳۹

قرآن شمارهٔ ٤

و نه‌چنانست که خدای عذاب‌کندی ایشان‌را و تـو در میـانشان ونه چنانست کـه خدای عذاب کندی ایشانـرا و ایشان آمـرزش همی خواهند .

ص۱۸۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَٰذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

توبه آیهٔ۲۹

ای ایشان کـه بگرویدید مشرکان پلیدند مبادا کـه در مسجد حرام آیند بعد از این‌سال واگرمی‌ترسید از درویشی مگر که خدای شمارا بی‌نیازکند به‌فضل‌خویش اگرخواهد که خدای دانائیست راست‌دان .

ج٤ ص۱۰۹

یاآنکسها که بگرویده‌اید انبازگیران پلیدان‌اند نزدیك نیایند بمزگت‌حرام سپس سال ایشان این و اگربترسید از درویشی زود باشد بی‌نیازگرداند شمارا خدای از افزونی خویش‌اگر خواهد که خدا داناست استوارکار

ص۱۹۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ
وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ
سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا
فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۙ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

توبه آیهٔ۳۵

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

ای ایشان که بگرویدند بسیاری از این‌دانشمندان جهودان وخداترسان ترسایان مالهای مردمان می‌خورند به‌ناروای و ناراست و ناشایست و برمی‌گردانند مردمان‌را ازراه خدای و ایشان که زر و سیم گنج می‌نهند و آنرا از بهر خدا نفقت نمی‌کنند و در جهاد بادشمن وی بشارت ده ایشان را بعذابی دردنمای .

ج٤ ص١٢٤

قرآن شمارهٔ ٤

یاآنکسها که بگرویده‌اید بدانید که بسیاری از دانشومندان و زاهدان و قرایان همی بخورند خواسته‌های مردمان را به‌ناشایست و باز همی دارند از راه خدای و آنکسها که گنج نهند یا بیاگنند زروسیم را و هزینه نکنند آنرا در راه خدای‌مژده ده ایشان‌را به‌عذابی دردگین .

ص.۲۰

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ۚ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ۚ ذَٰلِكَ
هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

توبه آیهٔ۷٤

وعده داد خدای گرویدگان را زنان و مردان بهشت‌هایی که می‌رود زیر

وعده کرد خدا مردان مؤمنان را و زنان مؤمنات را بوستانهایی که

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

درختان آن جویهای روان جاوید در آن برآرامگاهها و نشستگاههای خوش‌دربهشتهای‌پایندگی‌وخشنودی از خدای که ایشان را پسندیده از همه مه . آنست آن‌پیروزی بزرگوار

ج٤ ص۱۷۰

قرآن شمارهٔ ٤

می‌رود از زیـر آن جویها جاودان درآنجا و آرامگـاههای خوش در بوستانهای درنگی و خشنودی از خـدای بزرگتر اینست کـه وی رستگاری بزرگست .

ص ۲۰٦

إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ

ممتحنه آیهٔ۳

اگـر شمارا دریابند جـای شمارا دشمنان باشند ودست‌وزبان‌گشایند به بدِ شما و دوست آنگه شوندکه شما کافر شوید .

ج۱۰ ص٦۳

اگر بگیرند شمارا بباشند مرشمارا دشمنان و دراز کنند سوی شما دستهای خویش و زبانهای خویش را به بدی و دوست دارند اگر شما کافر شوید .

ص۵۷۸

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ

صف آیهٔ ۵

دوست دارد الله ایشان را که جنگ می‌کنند از بهر او قطارقطار جوق جوق گوئی ایشان دیواری‌اند درهم رسته .

ج۱۰ ص۸۱

که خدای دوست دارد آنکسهاراکه کـارزار کنند در راه وی به‌رسته استاده پنداری که ایشان بنائی‌اند یك‌بدیگر پیوسته .

ص۵۸۱

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ

حاقه آیهٔ ۲٤

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

خورید و آشامید نوش‌باد شمارا گوارنده این به‌آن‌کردارهااست که پیش خود فرستادید درروزگارهای گذشته .

ج۱۰ ص۲۰٦

قرآن شمارهٔ ٤

بخورید و بیاشامید گوارنده بدانچه پیش فرستادید در روزهای‌گذشته

ص۵۹۹

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

جمعه آیهٔ۲

الله اوست‌که فرستاد درمیان ناخوانندگان و نادبیران فرستاده‌ای هم از ایشان می‌خواند سخنان خداوند خویش برایشان وایشان‌را هنری می‌کند و پاك و در ایشان می‌آموزد قرآن و [دین] و علم راست [و سنّت] و نبودند از این‌پیش مگر درگمراهی آشکارا .

ج۱۰ ص۹۳

وی است آنکه بفرستاد اندر نانبیسندگان پیغامبری‌هم ازایشان تابرخواند برایشان حجتهای وی و پاك گرداند ایشان را و بیاموزند ایشان را کتاب و سخن صواب و اگر بودند از پیش اندر گم‌بودگی‌پیدا

ص۵۸۳

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ
الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ

فاطر آیهٔ٦

ترجمه از تفسیر روض‌الجنان

یامردمان وعدهٔ خدای درست‌است مفرور مکناد شمارا زندگانی نزدیك و نیز مفرور مکناد شمارا بخدا دیو.

قرآن شمارهٔ ٤

یا مردمان وعـدهٔ خـدا راستست مفریباندا شمارا زندگانی این جهان و مفریباندا شمارا بخـدای دیوِ فریبنده .

ص٤٥٦

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ
وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

فاطر آیهٔ۳۱

بهشت‌های مقـام دروشونده حـُلی پوشندایشان‌رادرآنجاازدستفرنجها از زر ومروارید وجامه‌های ایشان درآنجا حریر باشد .

بوستانهای درنگی‌اندر شوند درآنجا پیرایـه نهنـدشان در آنجـا از دست برنجنها از زر و مروارید و پوشش ایشان درآنجا دیبای‌نرم.

ص٤٦٠

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ
وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ

یس آیهٔ ۱۱

تو ترسانی آنرا که پس روی کند

توآنرا بتوانی‌ترسانیدن که‌به‌دم‌رود

ترجمه از تفسیر روض‌الجنان

قرآن‌را و بترسد از خدای در نهان مژده ده ورا به‌آمرزش و مزدی با کرامت .

قرآن شمارهٔ ٤

پند را و بترسد از خدای مهربان بناپیدائی مژده ده ورا به آمرزشی ومزدی بزرگوار .

ص٤٦٢

وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا وَكَأْسًا دِهَاقًا لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا

نبأ ٣٤،٣٥،٣٦

و زنانی رسیده همسران ــ وکاسی پر از شراب ــ نشنوند درآنجاسخن بی‌فایده و نه دروغ .

ص٤٦٢

وکنیزکانی پستان‌برآورده هم‌زادان و قدحهای مالامال نشنوند درآنجا سخن بیهده و نه دروغ‌گفتن .

ص٦١٦

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ

مطفّفین آیهٔ ۱،۲

وای آنان‌که کم‌پیمایند و کم‌سنجند آنان‌که چون بپیمایند برای خود بر مردمان تمام بستانند .

وای‌مرکم کنندگان‌راومرکم‌پیمایندگان را آن‌کسها کـه چون خویشتن را پیمایند بر مردمان تمام ستانند .

ص٦٢٢

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

مطفـفین آیهٔ۱۳

چون خوانند براو آیتهای ما گویند فسانهٔ پیشینگانست .

چون خوانده شود بروی آیتهای ما گویند نبشتگیهای پیشینیان .

ص٦٢٢

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

انشقاق آیهٔ۲۵

ترجمه از تفسیر روض‌الجنان	قرآن شمارهٔ ٤
الا آنان که ایمان آرند و کنندنیکیها ایشان‌را باشد مزدی ناکاسته .	مگر آن کسها که بگرویدند و بکردند نیکیها ایشانرا باشد مزدی ناکاسته
	ص٦٢٤

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ
وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ

ضحی آیهٔ۸،۹،۱۰

و یافت ترا درویش توانگرت‌کرد . اما یتیم را ستم مکن ــ و اما سائل را باز مزن .	و پیافت ترا بی‌خواسته توانگرکرد اما یتیم را فرو مشکن . واما خواهنده را سرد مکن .
	ص٦٣٢

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَى مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

نور آیهٔ ۲۱

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی	قرآن شمارهٔ ٤
ای گرویدگان پس روی مکنید وسوسه‌های‌دیوراکه‌او کارهافرماید	یا آن‌کسهاکه بگرویده‌اید بدم‌مروید برپیهای دیو و هرکه بدم رود بر

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی

که در خرد ناپسند باشد و دردین ناشایست و اگرنه فضل خدای‌تعالی بودی برشما و بخشایش او نرستی از شما هیچ‌کس از عذاب او هرگز و جزان نیست که برهاند که آن کسان را که او خواهد و او شنوا است که هریك از شما چه‌گفتست و داناست که هریك از شمـا چه اندیشیده‌است .

ت ۱۲ ص۱۳٦

قرآن شمارهٔ ٤

پیهای دیو وی بفرماید بناخوبی و زشتی واگرنه‌فضل‌خدا بودی‌برشما و بخشایش وی پاك نگشتی از شما هیچ‌کس هرگز ولکن خدا پاك‌گرداند آنرا که خواهد و خـدا شنواست دانا .

ص۳۷۰

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِندَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

نور آیهٔ ٤۰

آنان که به‌خدای تعالی ناخستون شدندکردارهای‌ایشان بمانندسرابی باشد در بیابانی که مرد تشنه آنرا آب پندارد و چون بدان نزدیك شود آنرا هیچ‌چیز نیابد و خداوند تعالی را دانا بیند بدان و بینا و پاداش دهنده بران و جزا بسزا بدو دردهد هرچه تمامتر خدای‌تعالی زودشمار است .

ت ۱۲ ص۱٤۹

وآنکسها که کافر گشتند کارهای ایشان چـون همانـا ای بـاشد ببیابانی پندارد آنرا تشنه که‌آبست تاچون بیاید به‌وی نیابدش چیزی و بیابد خدارا نزد وی تمام دهد ورا شمار وی و خدا زودشماراست

ص۳۷٤

٦

الف

شواهد برای نمایاندن

برابری واژه‌های پارسی با لغات عربی

در ترجمهٔ

قرآن شماره ٤

در عین حفظ زیبائی و استواری جملات

قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ
تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ
بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آل‌عمران آیهٔ۲۶

مستخرج‌ازمتن ترجمهٔ تفسیرطبری

گفت‌آن‌پادشاهِ همه‌پادشاهان‌است آنرا که‌خواهد ملکت دهد وآنرا که خواهد ملکت بستاند عزیز کند آنرا که‌خواهد وخوارکندآنرا که‌خواهد. همه بر یَدِ اوست و بـر همه‌چیز قادراست . ج۱ ص۳۱

ترجمه از قرآن شمارهٔ ٤

بگوی بارخدای پادشای پادشاهی. بدهی پادشائی آنرا کـه خواهی و بستانی پادشائی ازآنکه خواهی و عزیز کنی آنرا که خواهی و خوار کنی آنرا که خواهی بفرمان تواست که تو برهرچیز توانائی .

ص۵۵

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

آل‌عمران آیهٔ۲۷

... ازشب بکاهد و بروز اندرافزاید | اندرآری شب‌را اندرروز واندرآری

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
وگاه ازروزبکاهد وبشب اندرافزاید وبیرون آرد ازمرده زنده و اززنده مرده و روزی دهد آنرا که خواهد بی‌شمار ج ۱ ص۳۱	روز را در شب و بیرون آری زنده ازمرده و بیرون‌آری مرده از زنده و روزی دهی آنرا که خواهی بی‌شمار . ص٥٦

إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

اعراف آیهٔ۱۳۸

سخت جاهل قومانید شما ج۲ ص۳۸٤	شما گروهی‌اید نادانی می‌کنید ص۱۷٤

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا

اعراف آیهٔ۱۷٥

گفت برایشان برخوان یامحمد قصهٔ آن‌کس که من نام‌خویش اورا داده بودم . ج۳ ص۵۷۰	و برخوان برایشان آگاهی یعنی خبر آنکسی که بدادیمش نشانیهای ما ص۱۸۱

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ

طه آیهٔ٤٤

... سخن نرم وچرب گوئید وسخت آوازی نکنید تا مگر پند پذیرد و بترسد ج٥ ص۱۲۹۱	بگوئید ورا گفتاری نرم تامگر پند گیرد یا بترسد . ص۲۳۱

لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

ابراهیم آیهٔ۷

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
... گفت اگر بدین که شمارا بدادم شکرکنید نعمت و نیکی بیفزایم و اگر ناسپاسی‌کنید نعمت‌تان‌بگردانم وعذاب من سخت‌است . ج۱ ص۱۲	... اگر سپاس دارید بیفزایم شمارا واگر ناسپاس‌دار باشید عذاب من سخت‌است. ص۲٦۸

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ

حجر آیهٔ۲٦

... بیافریدم آدم‌را از لوشی سالها برو برآمده . ج۱ ص۳٦	... وما بیافریدیم مردم را از گِلِ خشك بانگ‌آور یاگنده از غریفجی سیاه . ص۲۷۵

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ

حجر آیهٔ۲۷

وجان را بیافریدم ازپیش‌او ازآتش گرم . ج۱ ص۳٦	وپریان را بیافریدم ازپیش ازآتش گرم . ص۲۷۵

هُمْ أُولَاءِ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى

طه آیهٔ ۸٤

قوم ازپسِ من‌می‌آیند ومن‌بشتافتم تا تو ازمن خشنود باشی. ج۲ ص۳۸۸	ایشان‌این‌که‌اند برپیِ من وبشتافتم سوی‌تو یا خداوندمن تا خشنود شوی . ص۳۳۵

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢١﴾

قصص آیهٔ ۲۱

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری

همی‌رفت و دعا همی‌کرد ومی‌گفت که یارب برَهان مرا ازین گروهِ ستمکاران . ج۶ ص۱۶۰۹

قرآن شمارهٔ ٤

بیرون رفت از آنجا ترسان چشم همی‌داشت گفت یا خداوندِ من برَهان مرا از گروه ستم‌کاران . ص۴۰۷

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ

قصص آیهٔ ۲۶

(گفت) اکنون این‌مرد را بمزدوری گیر که هم با قوه ومردانه‌است وهم بامانت‌است . ج۵ ص۱۲۷۹

گفت یکی از آن دوزن یا پدر من بمزد گیرش که بهترین کسی که بمزدگیریش بنیروی استواراست. ص۴۰۸

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ

قصص آیهٔ ۸۵

آن‌خداوندکه‌این قرآن‌بتو فروفرستاد هم‌آن خدای ترا بمکه باز رساند بصلاح و سلامت و بمراد دل . ج۲ ص۳۶۶

آن‌کسی که فریضه کرد برتو قرآن باز گرداند ترا بسوی آنجای که نخست آمدی.. ص۴۱۵

رَبُّنا یَعْلَمُ إِنّا إِلَیْکُمْ لَمُرْسَلُونَ وَما عَلَیْنا إِلَّا الْبَلاغُ الْمُبِینُ

یس آیهٔ۱۹-۲۰

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
خدای عزّوجل دانـد که ما را او فرستاده‌است و برما نیست مگـر گزاردنِ پیغام . ج٦ ص١٥٠٦	... خداوند ما همی‌داند که ما سوی شما رسولانیم ونیست برما مگـر رسانیدن پیدا . ص٤٦٢

قُلْ أَفَغَیْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّی أَعْبُدُ أَیُّهَا الْجاهِلُونَ

زمر آیهٔ ٦٤

گفت که‌مرا می‌فرمائید که‌بجزخدای عزّ وجل چیزی‌دیگر بپرستم نادان مردمانی که‌شمایید. ج٥ ص١١٠٤	بگو یا بجز خدای همی بفرمایـد مرا که بپرستم یا نادانان . ص٤٨٨

وَلَقَدْ أُوحِیَ إِلَیْکَ وَإِلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکَ لَئِنْ أَشْرَکْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُکَ وَلَتَکُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِینَ

زمر آیهٔ٦٥

...ماوحی‌کردیم بتو و بدان‌پیغامبران که پیشِ توبودند که اگر انبازگیرید باوی، کارهای تو که کردستی همه نیست گردانیم و آنگاه تو باشی از زیان‌کاران . ج٥ ص١١٠٤	وحی فرستاده‌آمد سوی تو وسوی آن‌کسها که پیش‌تو بودند اگر انباز گیری نیست شود کار تو و بباشی از زیانکاران . ص٤٨٨

بَلِ اللّٰهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشّٰاكِرِينَ

زمر آیهٔ ٦٦

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
بل‌که بپرست خدای‌را جلّ جلاله و بباش از شکرکنان . ج٥ ص١١٠٤	نه که خـدارا بپرست و بباش از سپاس داران . ص٤٨٨

زَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا

فصّلت آیهٔ ١٢

این آسمانها بیاراستم بستاره‌ها تا راه‌برند بِدان روزوشب بدانند و نگاه داشتی باشد از دیوان . ج٧ ص١٧٥٠	... وبیاراستیم آسمان نزدیك‌ترین بچراغها و نگاه‌داشتنی .. ص٥٠٠

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوٰى

نجم آیهٔ ١

بدین‌ستاره که همی فروآید . ج٧ ص١٧٦٦	بستاره که همی فرودآید ص٥٥٣

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسٰىهَا

نازعات آیهٔ ٤٢

گفت که ترا همی‌پرسند که‌رستخیز کی برخیزد . ج٦ ص١٦١٦	همی پرسند از رستخیز کی باشد بودنِ وی . ص٦١٨

أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ

تکاثر آیهٔ ۱،۲

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
گفت فخرشماآنست که‌گورهارا بر شمارگیرید وبدان بسیاریِ خویش می‌فخر آورید . ج۷ ص۲۰٤۸	مشغول گردانید شما را بیشتری جُستن تا زیارت‌کردید گورهارا . ص٦۳٦

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ

همزه آیهٔ ۱،۲

وای برآن‌کسی که مردیگری را بلب گزد ازپس او یا چیزی ازپسِ کسی بگوید و این آن‌کسی همی‌کند که او خواسته گرد همی‌کند و همی شمرد. ج۷ ص۲۰۵۲	وای مر طعنه کننده‌ای را عیب‌کننده‌ای را فسوس کننده‌ای. آنکه گردآورد خواسته وشمرده‌گردانید آنرا . ص٦۳۷

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ﴿٢﴾ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ﴿٥﴾

تبت آیهٔ ۱ تا ٥

گفتا تهو بر بولهب و برخواستهٔ او وبرآنچه وی کسب همی‌کند . ویرا بآتش بریان کنند که زوانه همی‌زند .	زیان‌کار باد دودست بولهب و زیان‌کار بادا تن وی یعنی هلاك بازنداشت از وی خواسته‌ی وی و آنچه‌اندوخت زود درآید بآتشی با

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمارهٔ ٤
و زنِ وی حمّاله باشد بدوزخ واندر گردن وی بود رسَنی آتشین ج٤ ص۱۰۱۱	زبانه وزن وی بردارندهٔ هیزم یا سخن‌چین درگردن آن‌زن رسنی از لیف . ص٦٤٠

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

بقره آیهٔ٦٦

ترجمه از تفسیر پاك	قرآن شمارهٔ ٤
نمونه‌یی گردانیدیم ایشان وشارستان ایشان‌را وآن شارستانهایی که از پیش‌آن‌بود وآن شارستانهائی که‌در پس آن شهر بود بدین منع کردن ایشان عبرتی‌بود مرین‌همه‌را واندر ان پنداست مر مؤمنان را . ص۳	بکردیم آن دیه را عبرتی و پندی مرآنرا که پیش ایشان بود و آنراکه پس‌ایشان‌بود وپندی مرپرهیزکاران را . ص۱۱

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ

بقره آیهٔ ۷۰

... گفتند از بهر ما یکی بخوان مر خداوندِ خودرا	گفتند بخوان برای ما خداوندِ خویش‌را تا پدید کند مارا چیست آن. که ماده گاوان پوشیده گشتند برما وماااگربخواهدخدای راه‌یافتگان گردیم . ص۱۱
... تا پدیدکند که این گاو چه‌گاواست	
... که‌صفت این‌گاو پوشیده‌گشت برما	
... اگر خدای عزّ وجل خواهد ما راه‌بریم ص٥	

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

مؤمنون آیهٔ ٦٢

ترجمه ازتفسیر عتیق‌سورآبادی

و درنخواهیم ما ازهیچ‌تن مگرفراخ توان آن و نزدیك‌ماست نامه‌ای که گواهی می‌دهد بسزا... و ایشان‌اند برایشان ستم نکنند. ص۲

قرآن شمارهٔ ٤

واندر نخواهیم از تنی مگر توانائی وی و نزدما نامه‌ای‌است یعنی‌قرآن که سخن گوید براستی و ایشان ستم نکنند. ص٣٦٤

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

نور آیهٔ ۲۰

بدرستی که آنکسها که می دوست دارند که پدید آید و آشکارا گردد در میان آنکسها که گرویده‌اند زشت‌کاری ایشان را بود عذابِ دردناك درین جهان و درآن جهان خدای داند ایشان را و شماندانید. ص۲۷

آنکسها که دوست دارند که‌بگسترد ناخوبی اندر آنکسها که بگرویدند ایشانرا عذابی دردناك درین جهان و آن‌جهان و خدای داند و شما ندانید. ص۳۷۱

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

فرقان آیهٔ ٤

وگرفتند مشرکان ازفروداوخدایانی نیافرینند چیزی و ایشان را خود می‌آفرینند. ص۵۸

و بگرفتند بجز وی خدایانی که نیافرینند چیزی و ایشانرا بیافرینند. ص۳۷۹

وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً وَلَا نُشُورًا

فرقان آیهٔ ۵

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی	قرآن شمارهٔ ٤
وپادشاهی ندارند آن الهه تنهای ایشانرا دفع ضرّی نه ونه‌نفعی ونه پادشاهی‌دارند یعنی نه‌توانائی‌دارند مرگی‌را نه‌زندگانی‌را ونه‌انگیختن‌را. ص ۵۸	وپادشائی ندارند مر تنهای خویش را گزندی ونه‌منفعتی و نه‌پادشائی دارند مرگی و نه زندگانی و نه انگیختنی . ص۳۷۹

قُلْ أَذٰلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا

فرقان آیهٔ۱۷

بگوی یامحمد ای آن‌منزل وآن جزا بهتر یابهشت جاویدان آنچه وعده کرده‌اندپرهیزکارانرا باشدآن‌بهشت ایشان‌را پاداش وبازگشتن‌جای که هرگز ازان‌جای بیرون آمدن نباشد . ص۶۰	بگوی آن بهتر یا بهشت جاودانی آنکه وعده‌کردند پرهیزگارانراهست ایشانرا پاداشن وجای بازگشتن . ص۳۸۰

خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

فرقان آیهٔ ۷۷

جاویدان باشند درآن بهشت آنت نیکو آرامگاهی و ایستادن جای . ص۷۷	جاودانه باشند در آنجا نیکو شد جایگاه آرام و جایگاه بودن . ص۳۸۵

وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

شعرا آیهٔ ۲۱۵

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

و بیم کن بدین قرآن یا محمد خویشاوندان‌را که نزدیك‌ترینانند . ص۱۰۷

قرآن شمارهٔ ٤

و بیم کن خویشاوندانِ خویش را نزدیك‌کردگان . ص۳۹۵

فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا
إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ

قصص آیهٔ ۸

برداشت موسی‌را اهل‌بیتِ فرعون تا باشد ایشان‌را دشمنی و اندوهی بدرستی که فرعون و هامان وزیرِ وی و لشکرهای ایشان‌دوتن بودند کژکاران . ص۱۵٦

برگرفتند کسهای فرعون تا بباشد ایشانرا دشمنی و اندوهی که‌فرعون وهامان وسپاهها بودند کناه‌کاران. ص٤۰٦

مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

عنکبوت آیهٔ ٥

هرکه اومید می‌دارد دیدار خدای‌را وثواب اوراگورنج‌کش‌بتقوی وطاعت زیرا که زمان‌زدهٔ خدای‌تعالی آمدنی است وبودنی‌است واوست‌شنوا[ی] گفتار بندگان دانا . ص۲۰٤

هرکه همی امید دارد رسیدن‌بخدا زمانهٔ خدا آمدنی‌است و وی‌است شنوا دانا . ص٤۱٦

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

عنکبوت آیهٔ ٤

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

ای چه‌پنداشتند آنکسها که می‌کنند بدیها چون کافران ومنافقان که پیشی گیرند برما و ازپیش عذابِ ما بشوند بدآمدآنچه‌ایشان می‌حکم می‌کنند . ص۲۰٤

قرآن شمارهٔ ٤

یاهمی پندارند آنکسها که همی‌کنند بدیها که ازما اندرگذارند بد همی حکم‌کنند . ص٤١٦

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَٰلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ

روم آیهٔ٥٤ـ٥٥

... وآن‌روز که برخیزد روزرستخیز سوگند خورندبدکاران یعنی کافران که‌درنگ نکردند برزمین و درزمین مگر ساعتی از درازی که ایشان را روزقیامت آمد همچنان بودند در دارد نیامی بگردانیدند ایشان را از صواب یعنی عادت‌ایشان دروغ‌گفتن بوده بود دردنیا روزقیامت همچنان دروغ می‌گویند بگزاف ص۲۵۸

وآن‌روز که‌برخیزدراستخیز سوگند خورند گناه‌کاران .
که درنگ نکردند مگر زمانی‌همچنین بودند که همی‌دروغ گفتند .
ص٤٣٠

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

لقمان آیهٔ۳۱

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

ای نگه‌نکردی تا بدانی کـه کشتیها می‌رود در دریا بنیکو داشت خدای وبفرمان‌او عـزّوجل تابشمامی‌نماید ازنشانهای او وعجایب صنع او ... بدرستی که درآن راندن کشتیها و درآن عجایب‌البحرنشانها وعبرتها و حجتهااست‌هرشکیبای‌سپاس‌دارنده را . ص۲۷۵

قرآن شمارهٔ ٤

نگاه نکنی که کشتیها همی‌رود در دریا بمنّت خدا تابنماید شمارا از نشانیها و حجتهای خود اندر این نشانیهـاست مـر هر شکیبـای سپاس‌داری را . ص٤٣٤

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ
وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

احزاب آیهٔ۱۳

وچون می‌گفتند دورویان وآنکسها که در دلهای ایشان بود بیماری شك ... هنگام نمیکردمارا خدای ورسول او بنصرت مگر فریفتی را که ما را بفریبـند . ص۳۰۸

و چون همی‌گفتند دوسَرَکان و آنکسها که در دلهای ایشان بیماری است وعده‌نکرد مارا خدا وپیغامبر وی مگر فریفتن . ص.٤٤

كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ

سورهٔ ص آیهٔ ۳

چند اکی ما هلاك کـردیم از پیش ایشان گروهان‌را. آوازدادندیك‌دیگر را بفریاد نزدیك عذاب و نه هنگام گریختن بود... ص۳۷۱

چند هلاك کردیم ازپیش ایشان از گروهی بانك کردند ونیست گـاه گریختن . ص٤٧٤

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

سورهٔ ص آیهٔ ۱۸

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

ما رام‌کرده‌بودیم کوهها را با وی تا تسبیح می‌کردند با وی شبانگاه و بامداد . ص۳۷۳

قرآن شمارهٔ ٤

ما فرمان‌بردار گردانیدیم کوهها با وی تسبیح همی کردند شبانگاه و بوقت آفتاب‌برآمدن. ص٤٧٥

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

سورهٔص آیهٔ۳۸

و دیوان دیگر قرین‌کرده در بندها . ص۳۸۵

ودیگران بهم‌بسته اندربندها . ص٤٧٧

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ

سورهٔص آیهٔ۵۳

نزد ایشان بود فروداشته چشمانی هم‌زادگان همه بیك‌سن بر مقدار چهارده باشند . ص۳۹۳

و بنزدیك ایشان کنیزکانی نگاه‌دارندگان چشم یعنی جزبشوی خود ننگرند هم‌زادان یعنی جوان . ص٤٧٨

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

آل‌عمران آیهٔ ٤

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

ایشان که کافرشدند بسخنان‌خدای ایشانراست عذابی سخت و خدای قوی‌است سخت‌گیر باکین‌کشی . ج۲ ص۱

قرآن شمارهٔ ٤

آن‌کسها که کافر گشتند بآیتهای خدای ایشانراست عذابی سخت و خدای سخت‌گیر کینه‌گزاراست . ص۵۲

لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ۝
مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝۱۹۷

آل‌عمران آیهٔ۱۹۷

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

ترا مفرهیباد گشتن‌وگردیدن ایشان که کافر شدند در شهرها . آن برخورداری اندکست پس‌بازگشتنگاه ایشان دوزخ‌است و بدآرامگاهها‌که آنست .

ج۲ ص۳۸۱

قرآن شمارهٔ ؛

مفریباناد ترا گشتن آن‌کسها که‌کافر گشتند اندر شهرها برخورداری اندك پس بازگشت ایشانرا دوزخ است و بدگسترش‌است .

ص۷۹

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنفَالِ قُلِ الْأَنفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ
وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ

انفال آیهٔ ۱

می‌پرسند ترا از غنیمتها که‌ازدشمن یاوند. گوی یامحمد که آن‌غنیمت‌ها خدایراست و رسول را. بپرهیزید [ازخشم وعذاب خدای] و بایکدیگر به‌آشتی زیید و فرمان برید خدای‌را ورسول‌را اگر گرویدگانید .

ج٤ ص۱

می‌پرسند ترا از غنیمتها . بگوی خواسته‌ها خداراست و پیغامبر را بترسید از خدای و نیکوئی کنید یعنی آشتی افکنید میان یکدگر و فرمان‌برید خدارا و پیغامبرورا اگر هستید گرویدگان .

ص۱۸٤

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ

انفال آیهٔ ۱۱

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

آنگه خواب درسر شما می‌کشد از خدای عزّوجل بعطا ومی‌فروفرستد برشما ازآسمان باران تا شمارا به آن [از حدث] پاك‌گرداند و ازشما ببرد وساوس شیطان وآنرا تا قوی گرداند دلهای شما و برجای بدارد پایها .

ج ٤ ص ۱۲

قرآن شمارهٔ ٤

چون بپوشانید شمارا خواب ایمن گردی از وی وفروفرستاد بر شما ازآسمان آبی تا پاك‌کند شمارا بوی وببرد ازشما پلیدیِ دیو وتابربندد بر دلهای شما واستوار گرداند بدان پاشنه‌هارا یعنی قدمهای شما .

ص ۱۸۵–۱۸٦

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَٰؤُلَاءِ دِينُهُمْ ۗ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

انفال آیهٔ ٤۹

منافقان درمدینه می‌گفتندوایشان‌که در دلهای ایشان بیماری [شك] بود محمد را ویاران وی‌را دین ایشان ایشان‌را بفریفت و هرکه‌پشت‌بخدا بازکند خدای توانائیست دانا .

ج ٤ ص ۵۱

چون گفتند دوسرکان یا دروگان وآنکسها که در دلهای‌شان بیماری بود یعنی شك ونفاق بفریفت ایشان را دین ایشان و هرکه کارخویش بخداسپاردهراینه‌خدااستوارکارست صواب‌کار .

ص ۱۹۱

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَانبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ

انفال آیهٔ۵۸

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

اگرترسی از قومی که عهد شکنند آگاهی‌افکن بایشان [کـه تو پیمانِ ایشان بشکنی یا خواهی شکست] تا ایشان و تو یکسان باشید . [در آگاهی از شکستن پیمان] که خدای کژان و کژپیمانان را دوست‌ندارد .

ج٤ ص٦٤

قرآن شمـارهٔ ٤

واگر بترسی ازگروهی‌کژی آگاه‌کن ایشانرا برراستی و همواری کـه خدای دوست‌ندارد خیانت‌گران‌را.

ص۱۹۲

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

انفال آیهٔ۷۲

اکنون پس‌می‌خورید ازآنچه غنیمت ستدید[ازدشمنان‌خدا] حلالی‌گشادهٔ پاك ومی‌پرهیزید ازخشم خدای و عذاب‌او ومیدانید که خدا آمرزگار است ومهربان .

ج٤ ص٧٦

بخورید آنچه غنیمت یافتید حلال پاك خوش و بترسید از خدای کـه خدا آمرزندست بخشاینده .

ص ۱۹۳

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

توبه آیه۱۵

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

و آن درد خشم که در دل دارند از ایشان از روزگار وابرد وتوبه دهد خدای آنرا کـه خواهد و خـدای دانائیست راست‌دان .

ج ٤ ص۹۸

قرآن شمارهٔ ٤

وببرد خشم واندوه دلهای ایشان و توبه‌دهد خدای آنراکه‌خواهد وخدا داناست صواب‌کار .

ص ۱۹۷

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا
وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوكَ وَلَٰكِن بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ ۚ
وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ
أَنفُسَهُمْ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

توبه آیهٔ ٤۳

اگر می‌بودی ازین‌جهان وچیزی که فرادست رسیدی نزدیك و سفری بچم [وراهی نه‌دراز] بیامدندی بر پی‌تو ولکن راه دورشد و رفتن بر ایشان گـران آمـد و سـوگندان می‌خوردند بخدای که اگرتوانستیم ما بیرون آمدیمی غزارا با شما در هلاك خویش می‌باشند و درتباهیِ خویش و خدای می‌داند که ایشان دروغزننـد . ج ٤ ص۱۳۵

اگر بودی چیز این‌جهـان نزدیك و سفری میانه بـُدم آمدندی ترا ولکن دور آمد و دراز برایشان سختی و راه درازوزود سوگند خوردندبخدا اگربتوانستیمی بیرون‌آمدیمی‌باشما هلاك همی‌کنند تنهای خویش را و خدای داند که ایشان دروغزنانند.

ص۲۰۱

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ
وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ
وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

توبه آیهٔ ۶۰

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

زکوتها که‌شرع واجب‌کرد درویشان راست که هیچ‌چیز ندارند وایشانرا که کم ازکفایت دارند و ایشانرا که صدقه می‌ستانند از متصدقان ودر بردگان [که‌خویشتن را بازخریده‌اند از سید] و وام‌داران [از بهر مصالح مسلمانان] و در [غازیان] در سبیل خدا وراه‌گذریان که [در سفر مباح باشند و] روی بخانه دارند. این باز بریده‌ای‌است و بخشیده ونـام‌زد کردهٔاو وخدای‌دانائیست‌راست‌دان.

ج۴ ص۱۵۴

قرآن شمارهٔ ۴

هراینه صدقها مر درویشانراست ونیازمندان را و کارکنندگان بر آن ونرم‌کرده دلهای ایشان و در آزاد کردن گردنها وبام‌داران(۱) ودرراه خدای و راه گذریان یعنی غریبان واجبی ازخدای و خدای داناست صواب‌کار .

ص۲۰۴

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

صف آیهٔ ۹

۱ــ بام‌داران در برابر «غارمین» کلمهٔ نخست به‌وضوح درمتن «بام»است .

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار	قرآن شمارهٔ ٤
او آنست که فرستاد رسول‌خویش را براه‌نمـونی وراه راست وکیش درست تا بردارد آنرا برهمه کیشها وهرچند که‌دشوار آید انبازگیران را ج۱۰ ص۸۲	وی‌است آنکه بفرستاد پیغامبـر خویش را براه راست و دین‌راست تا غالب‌گرداند آنرا بر دینها همـه واگرچه ناخوش آید انبازگیران‌را. ص۵۸۱–۵۸۲

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

معارج آیهٔ۹

وکوهها چون پشم رنگ‌کرده بود از رنگ‌رنگ . ج۱۰ ص۲۲۰	وبباشد کوهها چون پشم زده ص۶۰۰

إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا

معارج آیهٔ ۱۹

مردم را ناشکیبا وتنگ‌دل آفرید و حریص ج۱۰ ص۲۲۱	که مردم آفریده‌شود ناشکیبا . ص۶۰۰

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ

انفطار آیهٔ ٤

وآنگه که گورها برشورند [وآنچه از مردگان وگنجها درآن‌است بر زَبر اوکنند] ج۱۰ ص۴۰۳	وچون گورها زیروزبر گردانند . ص۶۲۱

وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ

ماعون آیهٔ۳

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

وبر طعام‌دادن درویش نمی‌انگیزاند [ونفرماید و برآن نمی‌دارد.]
ج۱۰ ص۶۳۱

قرآن شمارهٔ ٤

وبر نه‌انگیزد خلق‌را بر طعام دادنِ درویشان . ص۶۳۸

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا

احزاب آیهٔ ۶۷

ترجمه از تفسیر روض‌الجنان
نسخهٔ خطی آستان قدس

آن‌روز که بگردانند رویهاشان در دوزخ گویند کاشك ما طاعت داشته بودمانی خدای را وطاعت داشته بودمانی رسول‌را.

ترجمه از قرآن شمارهٔ ٤

آن‌روز که نگوسار گردانند رویهای ایشان درآتش گویند یا خداوندِ ما ... فرمان کردیمی خدارا و فرمان کردیمی پیغامبررا . ص٤٤٨

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَٰئِكَ هُوَ يَبُورُ

فاطر آیهٔ ۱۲

هرکه خواهد عزّة خداراست عزّة همه بااو شود سخن پاك و کارنیك بردارد آنرا وآنان که‌سگالند بدیها ایشانرا بود عذابی سخت وسگالش ایشان هلاك شود .

هرکه همی‌خواهد عز خداراست عز همه سوی وی برشود سخن‌پاك وکردار نیك بیفرازدش اورا و آن کسها می‌سگالند بدیها ایشانراست عذابی سخت وسگالش وی‌است که هلاك شود . ص٤٥٧

وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ
ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا
كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن
سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

زمر آیهٔ ۸

ترجمه از تفسیر روض‌الجنان	قرآن شمارهٔ ٤
چون برسد آدمی را رنجی بخواند خدایش‌را بازشونده بااو چون‌بدهد اورا نعمتی ازو فراموش کند آنچه می‌خواند با او ازپیش وکند خدای را همتایان تا گمراه کند از ره او . بگو برخور بکفرت اندکی که تو اهل دوزخی .	وچون برسد بمردم سختی بخواند خداوندِ خویش را بازگردنده‌سوی وی . بازچون بدهدش نیکوئی ازوی فرامشت‌کند آنچه که همی خواند سوی وی از پیش و بکند خدای‌را همتاهان تا گم گرداند ازراه وی . بگو برخور بکافریِ خویش اندکی که تو از باشندگان آتشی .

ص۴۸۲

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ

مطفّفین آیهٔ۲٤

شناسی در رویهاشان تازگیِ نعمة	بشناسی در رویهای ایشان تازگی و شادی .

ص۶۲۳

بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾

انشقاق آیهٔ۱٦، ۱۷، ۱۸

ترجمه از تفسیر روض‌الجنان	قرآن شمارهٔ ٤
سوگند نخورم به شفق و بشب وآنچه جمع کرد وماه چون تمام شود .	سوگند یاد نکنم بنشان آفتاب فروشدن و به‌شپ و ازآنچه که دارد . وبماه چون تمام گردد . ص٦٢٤

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

دهر آیهٔ ٤

وبنهادیم برای کافران زنجیرها و بندها وآتش افروخته .	آماده‌کردیم ناگرویدگان را زنجیرها وغلها و آتش سوزان . ص٦١٢

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ

مرسلات آیهٔ۸و۱۱

چون ستارگان نور ببرند . وچون پیغامبران وقت زنند .	چون ستارگان ناپیدا کنند . وچون پیغامبران را وعده پدید کنند. ص٦١٤

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

تین آیهٔ ٤

که بیافریدیم آدمی را در نیکوتر راستی .	ما بیافریدیم مردم درنیکوتر راست کردنی ص٦٣٢

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَم مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

توبه آیهٔ ۱۰۹

ترجمه از تفسیر روض‌الجنان

او آنکس که بنیاد نهد بنای خودرا بر پرهیزکاری وجستن رضای‌خدای تعالی بهترباشد یا آن‌کس که بنیاد خودرا برگوشهٔ رودخانه‌ای که‌سیل اهل‌آنرا برده‌باشد و زیرِ آنرا تهی گذاشته تا آن‌گوشه درافتد و بنای را که بران باشد درافکند درآتشِ دوزخ‌وخداوندتعالی بدانچه‌مصلحت آخرت‌باشد راه‌ننماید ناگرویدگان‌را

قرآن شمارهٔ ٤

هرگز آن‌کسی که بنیاد افکند بر ترسکاری از خدای و خشنودی بهتر باشد یا آنکه بنیاد افکند بر کنارهٔ رودی زبر خورده که همی فروافتد فروافکند درآتشِ دوزخ وخدای راه‌ننماید گروه ستمکاران را .

ص۲۱۲

وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ

طه آیهٔ۲۲

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی
نسخهٔ عکسی دانشگاه مشهد

ودست خودرا با بال خود فراهم‌آر تا دست تو سپید درفشان چنانکه نور خرشیدرا خیره کند بیرون‌آید بی‌علّتی وعیب پیسی‌ت ۱۶ ص۴۹

قرآن شمارهٔ ٤

وفراز بر دست خویش را سوی پهلوی خویش تا بیرون‌آید سپیدی بی‌بدی‌ای یعنی پیسی نشانی دیگر.

ص۳۳۰

فَاجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا ۚ وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَىٰ

طه آیهٔ ٦٤

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی

وفراهم‌گیرید جادوییهای را که ساخته‌اید آنگاه صف‌کشید انبوه و بشکوه‌بیایید وبدانیدکه هرکه‌امروز دست یافت و دیگری را غلبه کرد بمراد رسید .

ت١٦ ص٥٤

قرآن شمارهٔ ٤

گردآرید سازش خویش را باز بیایید برسته یعنی استاده و بمراد رسید امروز آنکه برتر آید .

ص٣٣٣

وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

فرقان آیهٔ ٦٣

وبندگان خداوند آنان باشند که بر روی زمین بنرمی وآهستگی روند و چون بی‌خردان با ایشان سخونِ ناخوب گویند جواب‌ایشان آن‌باشد که مارا باشما خصومت نیست‌مارا ازبدیِ خود سلامت دارید که شما ازبدیِ ما بسلامتید .

ت١٢ ص١٧٤

وبندگان خدای آنکسهااند که‌همی روند بر زمین بنرمی وچون سخن گویند باایشان نادانان گویند سلام بادا .

ص٣٨٤

اُولٰئِكَ
يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا

فرقان آیهٔ ۷۱

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی

ایشانرا پاداش‌دهند غرفهای‌بهشتی وبشنوند ایشان درآن‌غرفها تحیت وسلام کـه فریشتگان از حضـرت خداوند عالی بدیشان رسانند .

ت۱۲ ص۱۷۶

قرآن شمـارهٔ ٤

ایشانند که پاداشن دهدشان‌کوشك بهشت بدانچه شکیبائی کردنـد و فرازآردشان در آنجا درود وسلام.

ص۳۸۵

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ

شعرا آیهٔ ۳۳

ودست ازکشح‌خود بیرون‌آوردنوری ازوی درفشان‌شد چنانکه‌نگرندگان می‌دیدند .

ت۱۲ ص۱۸۲

وبیرون‌کشید دست‌خویش آنگاه‌آن سپیدنمود نگرندگان‌را

ص۳۸۷

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

لقمان آیهٔ ۷

وچون آیتهای ما برو خواننـد وی از آن روی بگردانـد بسرکشی و بزرگ‌منشی‌گویی‌خودآنرانشنیدستی ودرگوش‌او گرانی‌استی که‌نمی‌شنود آگاهی‌ده بعذاب دردناك که بود آن بجان او برسد .

ت۱۳ ص۲۸۱

وچون برخوانند بر وی آیتهای ما برگـردد با بزرگ منشی چنانکـه نشنیدی آنرا پنداری در گوشهای (وی) کری‌است مژده ده ورا بعذابی دردگین .

ص٤۳۱

وَإِذَا غَشِيَهُم
مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى
الْبَرِّ فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ

لقمان آیهٔ ۳۲

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی

وچون ایشان کشتی در دریا رانند وموجی چون‌کوهی یا بمانندِ ابری بخیزد و ایشانرا درگیرد و بپوشد همه،خداوندتعالی‌را باخلاص‌بخوانند وبوحدانیت‌او اعتراف‌آرند پس‌چون ایشانرا ازخطرها برهاند و بخشکی رساندازیشان بعضی‌باشدمیانه‌روی اختیـــار کنـــند و البته ناخستون نشود بآیتهای ما ومنکر نباشد مگر غداری بی‌عهدی وکافرنعمتی ناحق شناسی. ت۱۳ ص۲۹۰

قرآن شمـارهٔ ٤

وچون بیایـد بایشان موجی چون سایها خوانند خدارا یکتاه کـرده اورا دین چون برهاندشان ســوی دشت ازیشان باشد میانه‌رو وانکار نکنند بآیتهای ما مگر هر فریبنده‌ای ناسپاس‌داری ص٤٣٤

٦

ب

شواهد برای نمایاندن

برابری واژه‌های پارسی با لغات عربی

در ترجمهٔ

قرآن شماره ٤

از نظر دقت در ترجمه ضمائر و بازگردانیدن آنها

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ
وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بقره آیهٔ ۲۳

مستخرج ازمتن ترجمهٔ تفسیرطبری

اگرچنین است که به‌شك همی‌باشید بدین قرآن که ما فروفرستادیم بر بندهٔ خویش محمد بیارید سورتی همچون محمدی امینی راستگوی که پیش‌ازآن که به‌پیغامبری بیرون بیرون‌آمد بمکه ج۱ ص۲۳

قرآن شمارهٔ ٤

واگر هستید درگمان ازآنچه فرو فرستادیم بر بندهٔ ما بیارید سورتی از همچون وی و بخوانید گوا آنِ خویش‌را بجز از خدای اگرهستید راست‌گویان . ص٤

قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ
فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي
أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

بقره آیهٔ ۳۰

گفتند: یارب گروهی‌را بیافرینی‌که ایشان اندرزمین فسادکنند وخون ریزند وماترا می‌تسبیح کنیم وبپاکی یادکنیم ... ج۲ ص۳۱٦

گفتند خواهی کردن در آنجا کسی که تباهکاری کند در آنجا و بریزد خونها وماهمی تسبیح کنیم‌بستایش تو و پاك گوییم ترا ... ص٥

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

بقره آیهٔ ۳٤

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمـارهٔ ٤
حق‌تعالی فرمود فریشتکان‌را کـه سجده‌کنید آدم‌را جمله‌سجده‌کردند مگر ابلیس ... ج۲ ص۳۱۵	وچون گفتیم مرفریشتگان‌را سجده کنید مر آدم را سجده کردند مگر ابلیس . ص٦

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

آل‌عمران آیهٔ۱۳۳

بشتابیـد یـا بندگانِ من سوی آمرزش وسوی بهشتی که پهنای‌آن چند هفت‌آسمان وهفت زمین‌است ووعده‌کرده‌ام آن‌بهشت پرهیزگاران را . ج۱ ص۲۵۵	وبشتابید سوی آمرزش ازخداوند شـما و بهشتی کـه فراخای وی آسمانها وزمین‌است آماده شدست پرهیزگاران را . ص۷۰

لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

مائده آیهٔ۲۸

اگر تو بکشتن من دست دراز کنی من بکشتن تو دست دراز نکنم که من ازخدای عـزّ وجل بترسم . ج۲ ص۳۹٦	اگر درازکنی سوی من دست‌خویش تا بکشی مرا نیستم من درازکننده دست‌خویش را سوی تو تا بکشم ترا که من بترسم ازخدای پروردگار همه خلق ص۱۱٦

يا وَيْلَتَىٰ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَٰذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي

مائده آیهٔ ۳۱

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری

... ای‌وای برمن که‌مرا چندین‌دانش نیست که این کلاغ‌راست که منیز این برادر خویش را در زیر خاك پنهان‌کنم... ج۲ ص۳۹۷

قرآن شمارهٔ ٤

یا وای منا درماندم که بودمی چون این زاغ تا بپوشیدمی عورت برادر خویش . ص۱۱۷

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

هود آیهٔ۵۸

... که چون فرمان بیامد هود را برهانیدیم با آن‌که با وی بودند از مؤمنان بخشایشی ازما مؤمنانرا و برهانیدیم ایشان را از آن عذاب درشت بزرگ . ج۵ ص۱۱۸۹

وچون بیامد فرمان ما برهانیدیم هودرا و آنکسها که بگرویدند با وی بخشودنی ازما و برهانیدیمشان از عذاب درشت وسخت .

ص۲۳۸

لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ

یوسف آیهٔ ۹۰

سرزنش‌نیست برشما امروز بدانچه کردید و من شمارا عفو کردم وز خدای‌تعالی خواهم که‌شمارا بیامرزد. ج۳ ص۸۰۲

سرزنش نیست بر شما امروز بیامرزد خدا شمارا ...

ص ۲۵۷

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا

مریم آیهٔ ٤

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمـارهٔ ٤
ایدون گفت که من چنان گشتم که استخـوانهای من سست گشت و سپیدی بسر من اندرآمد . ج٤ ص۹۷۲	گفت یا خداوندِ من منم که سست گشت استخوان ازمن و اندرگرفت بسر سبیدی . ص۲۳۱

وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا

مریم آیهٔ٥

وهرگز من بدبخت‌نبودم بحاجت که خواستم ازتو . ج٤ ص۹۷۲	ونبودم بخواندنِ تو یاخداوندِ من بدبخت . ص۳۲۱

وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى

طه آیهٔ۸۳

گفت چرا ازپیش قوم برآمدی یـا موسی. ج۲ ص۳۸۸	وچه شتابانیدت ازگروه تو یاموسی ص۳۳٥

فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ

عنکبوت آیهٔ۳

... تابدانیم که راست‌گوی کیست و دروغزن کیست . ج٥ ص۱۳۸۰	... ونیك دانست خدا آنکسها را که راست‌گفتند ونیك داند دروغزنان را . ص٤۱٦

يا ليتَ قومي يعلمونَ بما غفرَ لي ربّي وجعلني من المكرمين

یس آیهٔ۲٦

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری	قرآن شمـارهٔ ٤
کاجکی که‌آن‌گروهان‌من بدانستندی که خدای عزوجل مرا بیامرزید ... واین چندین کرامت بامن کرده‌است. ج٦ ص۱۵۰۸	یا کاشکی گروه من بدانندی بدانچه بیامرزید مرا خداوند من و بکـرد مرا از نواختگان . ص٤٦۳

إنّ الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان إن في صدورهم إلّا كبر ما هم ببالغيه

مؤمن آیهٔ٥٦

... آن‌جهودان که باتو جدال‌می‌کنند اندرین آیتها بی‌حجّتی که بدیشان رسید آن‌نیست اندر دل‌ایشان مگر بزرگی که همی‌کنند... ولکن ایشان بدو اندر نرسند. ج٦ ص۱٦۱۵	آن کسها که همی پیکار کنـند در آیتهای خدای بی‌حجّتی که بیامد بایشان نیست در دلهای ایشان مگر کبر یعنی بزرگ‌منشی کـه ایشان نرسند بدان . ص٤۹٦

يا أيّها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوّي وعدوّكم أولياء تلقون إليهم بالمودّة

ممتحنه آیهٔ۱

گفت یا شما که مؤمنانید مگیـرید دوستی با دشمنان من و دشمنانِ شما که می‌دوستی اوکنید با ایشان ج۷ ص۱۸٤۳	یاآن‌کسها که‌ایمان آورده‌اید مگیرید دشمـنان مرا و دشمنان شمـا را دوستان همی افکنید سوی ایشان دوستی . ص۵۷۸

إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا

جن آیهٔ ۱ــ۲

مستخرج از متن ترجمهٔ تفسیر طبری

گفتند که ما قرآنی شنیدیم سخت خوش وسخت عجب و سخت نیکو و راه‌نمای بـراه راست و ما بدان بگرویدیم شما نیز بگروید و ایمان آورید . ج۶ ص۱۶۹۰

قرآن شمـارهٔ ٤

... شنیدیم نَبی شگفت راه نمـاید سوی راه راست گرویدیم بوی و انبـاز نگیریم بخـداوندِ خویش کسی را .

ص۶۰٤

فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

ماعون آیهٔ ٤وه

وای برآن‌کسی که چون وقت نماز اندرآید بکاهلی نماز کند .

ج۷ ص۲۰۶٤

وای مر نمازکنندگان را آنان که ایشان از نماز خویش دل برده‌باشند ص۶۳۸

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

بقره آیهٔ۱۲۸

ترجمه از تفسیر پاك

یارب ماهردورا یگانهٔ خود گردان.... وز فرزندانِ ما قومی‌را نیز هم‌چون ما گردان... باز آموز مارا آنچه در بایستِ حج‌است ... بدار مارا بـر توبه‌های ما که توی پذیرندهٔ توبه برما بخشاینده . ص۷۵

قرآن شمارهٔ ٤

یـا خـداوندِ مـا بگردان ما را گردن‌نهندگان ترا و از فرزندان ما گروهی گردن نهنده ترا بنمای ما را کارهای حج ما و توبه ده مارا کـه توی که‌تو توبه‌پذیرنده‌ای‌بخشاینده.

ص۲۱ــ۲۲

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ
الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ ۚ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ مَن جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَ
مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

قصص آیهٔ۸٦

ترجمه ازتفسیرعتیق سورآبادی

بدرستی که آن خدای کـه وحی فرستاد برتو قرآن را بازگردانندهٔ تواست‌ببازگشتن‌جای بگوی یامحمد خدای من داناتر که کیست او آورد راه‌راست راه‌نبوت و رسالت و راهِ توحید وکیست که او در گمراهیِ

ص۲۰۲

قرآن شمارهٔ ٤

آن‌کسی که فریضه کرد بر توقرآن بازگرداند ترا سوی آنجا که‌نخست آمدی . بگو خداوند من داناتراست بدان‌کسی که بیارد راه‌راست وآنکه وی درگمراهی پیداست .

ص٤۱٥

وَالَّذِينَهُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ

مؤمنون آیهٔ٥۹

وآن‌کسها که ایشان باخدای ایشان انباز نیارند .

ص۱

وآنکسها که ایشان بخداوندِ خویش انباز نگیرند .

ص۳٦٤

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ

مؤمنون آیهٔ٦٤

بگذار ایشانرا تاآنگه که‌بگیریم مـا کام‌رانان ایشان‌را بعذاب آنگه‌ایشان بانگ‌می‌کنند و فریادمی‌خوانند.ص۳

تا چون بگرفتیم کـامکاران ایشان بعذاب همانگاه ایشان زاری همی کردند .

ص۳٦٤

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ

مؤمنون آیهٔ۶۳

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

بلکه دلهای ایشان در پوشش است ازین قرآن و ایشانرا کارهای‌است جزآن سابقان که‌ایشان‌را کننده‌اند چون معاصی و سیّئات . ص۳

قرآن شمارهٔ ٤

نه که‌دلهای‌ایشان اندرپوششی‌است ازین و ایشانرا کارهااست بجز آن ایشان مرآنرا کنندگانند .

ص۳٦٤

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ

مؤمنون آیهٔ۷۰

یا می‌گویند بلکه می‌گویند او را دیوانگی‌است نه‌چنان‌است که‌ایشان می‌گویند بلکه آورد بایشان سزا و درست یعنی قرآن و توحید و خبر قیامت و بیشتر ایشان حق را و توحید را وقرآن‌را دشوارداشته‌اند. ص٤

یا همی‌گویند بوی دیوانگی‌است نه که آورد بایشان راستی وبیشترین ایشان مرراستی‌را ناخواهانند .

ص۳٦٤

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هٰذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

مؤمنون آیهٔ۸۳

بدرستی که وعده بکردند هم مارا وهم پدران مارا ازپیش. نیست این سخن که قیامت خواهد بود مگر افسانه‌های پیشینگان . ص۷

وعده‌کردند مارا و پدران ما را این ازپیش . نیست این مگرنبشتگیهای پیشینیان .

ص۳٦٥

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

نور آیهٔ ۵

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

و آن کسها که قذف کنند زنانِ پاك دامن را پس نیارند بر آن چهار گواه بزنید ایشان را هریکی هشتاد چوب زخم و مپذیرید از ایشان گواهی هرگز . ایشان‌اند ایشان بیرون‌شوندگان از فرمان خدای .

ص ۱۸

قرآن شمارهٔ ٤

و آن‌کسها که دشنام دهند یعنی تهمت بزنا کنند پاك دامانان . بازنیارند چهار گوا بزنید ایشان را هشتاد تازیانه و مپذیرید مرایشان را. گوا ای هرگز و ایشانندکه ایشان بدکاران و بدمردان‌اند .

ص۳٦۹

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا

فرقان آیهٔ٦

و گفتند آنکسها که کافراند نیست این‌قرآن مگر دروغی بافته‌است آن را محمد علیه‌السلم و یاری کرده اورا برآن گروهی دیگر بدرستی که آوردند ستمی برخویشتن و بهتانی بر محمد .

ص۵۸

وگفتند آن‌کسها که کافر گشتند نیست این مگردروغی که‌ازخویشتن ساختست و یاری کردست ورا بر این گروهی دیگران . آوردند ستمی و دروغی .

ص۳۷۹

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

شعرا آیهٔ ۲۹

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی	قرآن شمارهٔ ٤
فرعون گفت گر خدای‌گیری جز من هرآینه ترا از زندانیان کنم . ص۸۳	گفت اگر بگیری خدای را بجز من کنم ترا از بزندان‌کردگان . ص۳۸۷

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

نمل آیهٔ ٤

آن گروندگان که بپای دارند نمازرا بتمامی ارکان وشرایط‌آن و بدهند پاکی خواسته ایشان‌اند که ایشان بدان جهـان و ببهشت و دوزخ و صـراط و ترازو و نامـه خواندن بی‌گمان‌اند . ص۱۰۹	آن‌کسها که همی‌بپای دارند نمـاز و بدهند زکات و ایشان بدان‌جهان ایشان بی‌گمانانند . ص۳۹٦

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ

قصص آیهٔ ۳٦

زودا که‌استوارکنم بازوی‌ترا ببرادر تو یعنی تقویت‌کنم ترا بهارون وکنم شمارا حجت هویدا چون ید بیضا و	گفت نیرومند گردانیدم یعنی‌سخت کردم بازوی ترا ببرادر تو و بکنیم شما هردورا حجتی تا نرسند بشما

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی	قرآن شمارهٔ ٤
عصا نرسند ایشان به‌شما ببدی با حجتهای هویدای ما باشما. شما و آنکه پس‌روی کنند شما را بهتر آیندگان باشید . ص۱۷۳	بنشانیهای ما . شما هردو و آنکه بدم شما رود غلبه‌کنندگان باشید . ص٤٠٩

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

عنکبوت آیهٔ٦٥

چون درنشینند درکشتی وموج‌زاید وکشتی درغرقه‌گاه افتد وکارسخت ببینندبخوانندخدای‌را ویژه‌کنندگان اورا دین بتوحید ...چون برهانیدی ایشان‌را سوی بیابان همی ایشان انبازی می‌آوردندی تا ناگرونده و ناسپاس می‌شوند بدانچه داده‌ایم‌ما ایشان را . ص۲۳۱	چون برنشینند در کشتی بخوانند خدای را یکتاه گردانیده اورا دین چون برهاند ایشان را سوی دشت هم‌آنگاه ایشان انباز گیرند . ص٤٢٣

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

روم آیهٔ۳۲

(مباشید) ازآن‌کسها که جدا شدند ازدین ایشان که روز میثاق آوردند وازمادر برآن زادند و گشتند یعنی	از آنکسها که پراکنده کردند دینِ ایشان را وگشتند گروه‌گروه . هر گروهی بدانچه نزدِ ایشانست

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

بودند گروه‌گروه تا بهفصد ملت . هرگروه بدانچه نزدیك ایشان‌است از دین و اعتقاد شادان‌اند که بر راه حق همی‌ایشانند . ص۲٤۹

قرآن شمارهٔ ٤

شاد همی‌باشند . ص٤۲۷

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ

لقمان آیهٔ ٦

وازمردمان کس بود که‌می‌بخردیعنی اختیارکند بیهوده سخن تاگم‌می‌کند مردمان را ازراه خدای یعنی ازدین خدای عزّوجلّ بنادانی و بگیرد آنرا بخنده استانی‌وبازی. ایشان‌اند که ایشان‌را بود عذاب خوارکننده . ص۲٦۱

و از مردمان کس‌است که بخرد بیهوده سخن را تا گم گرداند ازراه خدای بی‌دانش و بگیرد آنراافسوس ایشانند که ایشانرا است عذابی خوارکننده . ص٤۳۱

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

سجده آیهٔ۲٦

بدرستی که خدای تو آنست که او داوری کند و جداکند میان ایشان روز رستخیز در آنچه بودند درآن فادوای می‌کردند ازدین و اعتقاد و افعال ص۲۹۰

که خداوند تو وی حکم می‌کندمیان ایشان روز راستخیز اندر آنچه بودند اندر وی همی ناهمواری کردند . ص٤۳۷

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي ۚ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

سورهٔ ص آیهٔ ۳۵

ترجمه از تفسیر عتیق سورآبادی

گفت سلیمان ای بارخدایِ من بیامرز مرا و ببخش مرا پادشاهی که نسزد کس‌را از پس من بدرستی که تو توی بخشنده عطاها .

ص۳۸۳

قرآن شمارهٔ ٤

گفت یا خداوند من بیامرز مرا و ببخش مرا پادشائی که نسزد مر کسی را ازپس من که توی که تو بخشنده‌ای .

ص٤٧٧

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ

انفال آیهٔ ۷

ترجمه از تفسیر کشف‌الاسرار

خدای شمارا وعده داد که یکی از دوگروه شمارابودآن‌دوست‌می‌دارید شما که از درخت بی‌خار [رطب] چینید و الله می‌خواهد که حق پیدا کند [و دین بزرگ دارد] بسخنانِ خویش و بیخ کافران ببُرد .

ج٤ ص۲

قرآن شمارهٔ ٤

وچون وعده‌کرد شمارا خدای یکی از دوگروه کان مر شماراست و دوست داشتید که بجز سلاح‌داران باشند مرشمارا وهمی‌خواهدخدای که پدیدکند راستی بسخنان‌خویش و ببُرد اصلِ ناگرویدگان .

ص۱۸۵

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ
أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ

انفال آیهٔ ۹

ترجمه از تفسیر کشف‌الأسرار

آن هنگام که فریاد می‌خواستید بخداوند خویش پاسخ نیکوکردشما را شمارا مدد می‌پیوندم بهزارتن‌از فریشتگان پس خود فراکردگان .

ج٤ ص۱۲

قرآن شمارهٔ ٤

چون فریاد خواستند از خداوندِ خویش پاسخ کرد شمارا کـه من بیفزایم شمارا . بهزار ازفریشتگان دمادم آیندگان .

ص۱۸۵

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

انفال آیهٔ۲۸

وبدانید که فرزندان شما و سود زیانهای شما آزمایش‌اند بنزدیكِ شما وبدانید که‌مزد بزرگواربنزدیك الله است .

ج٤ ص۲۷

و بدانید که خواسته‌های شما و فرزندان شما فتنه‌ای‌اند وخداست که نزد ویست مزدی بزرگ .

ص۱۸۸

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ
يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

انفال آیهٔ ۵۰

واگر تودیدیدآنگه‌که میرانندکافران را فریشتگان میزدند ایشان را بـر رویها وپشتها[می‌گفتند ایشان‌راکه] می‌چشید عذاب آتش .

ج٤ ص٦۳

واگربینی چون جان بستانندآنکسها را که کافر گشتند فریشتگان همی زنند رویهای ایشان را و پشتهای ایشان را و گویند بچشید عذابِ سوزان .

ص۱۹۱

وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

انفال آیهٔ ٦١

از تفسیر کشف‌الاسرار

و اگر بصلح گرایند دشمنان و صلح جویند بآن گرای و صلح جوی و پشت بخدابازکن که اوشنوائیست دانا .

ج٤ ص٦٥

قرآن شمارهٔ ٤

واگر بگرایند سوی آشتی بگرای سوی وی و توکّل کن بر خدای‌که وی‌است که او شنواست دانا .

ص١٩٢

وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ

توبه آیهٔ ٥٨

و از ایشان کس است که ترا به بیدادگری بازخواند در صدقات که دهی اگر ایشان را دهند از آن خشنود باشند وخرسند واگرایشان را ندهند از آن بخشم می‌باشند و ناخرسند .

ج٤ ص١٤٧

وازایشان کس‌است که عیب کندترا درصدقه‌ها . اگر بدهندشان ازآنجا خشنود گردند و اگر ندهندشان از آنجا هم آنگاه ایشان خشم گیرند.

ص٢٠٤

وَلَوْلَا أَن كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ

حشر آیهٔ٣

ورنه آن بودی که الله بر ایشان | واگر نه آن بودی که نبشت یعنی

از تفسیر کشف‌الاسرار	قرآن شمارهٔ ٤
نوشته بود بیفتادن از خان و مـان ایشان‌را درین‌عذاب کردی و ایشان را درآن‌جهان عذاب آتش بجاست . ج۱۰ ص۳۰	واجب کرد خدای بر ایشان بیرون شدن عذاب کردی ایشان را درین جهان و ایشان‌رااست در آن جهان عذاب آتش . ص۵۷۵

اَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ

فیل آیهٔ۲

نه‌دستان وسازش ایشان در تباهی کرد وباطل . ج۱۰ ص٦١٤	نه‌کرد سازش بدایشان درگـم‌بودگی و هلاك . ص٦٣٧

إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَن يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

آل‌عمران آیهٔ۱۷

دین نزدیك خداوند اسلام است و دوگروه نشدند ایشان که‌کتاب‌دادند ایشان را مگر پس‌آن که قرآن به ایشان آمد به‌حسدی که میان‌ایشان بود . وهرکه به‌سخنان خدای کافر شود الله زودشمارست (زود توانِ زودپاداش) ج۲ ص٤٥	که دین نزد خدای مسلمانی‌است و ناهموار نگشتند آن‌کسها کـه بداد ایشانرا نامه مگر ازپسِ آنکه بیامد بایشان دانش حسدی میان ایشان وهرکه کافر گردد بآیتهای خدای... که خدای زود شمارست . ص٥٤

فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ ۙ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۖ

فجر آیهٔ ۱۵

ترجمه از تفسیرروض‌الجنان
نسخه خطی آستان قدس

اماآدمی چون بیازماید اوراخدایش گرامی کند اورا ونعمت دهد گوید خدای من گرامی کرد مرا .

قرآن شمارهٔ ٤

اما مردم چون آزموده گرداند ورا خداوند وی بنوازدش و بانعمت گرداندش . گوید خداوندِ من گرامی کرد مرا . ص۶۲۸

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ

فصّلت آیهٔ ۱۱

پس قصدکرد به‌آسمان وآن دودی بود گفت آنرا و زمین را که بیایی بطاعت یا بکراهت گفتند آمدیم طاعت‌دار .

باز آهنگ‌کرد سوی آسمان و وی دود بود یعنی بخار . گفت مراورا و مر زمین را بباشید بکام یابخوشی یا بناکام و ناخوشی گفتند هردو بودیم بخوشی . ص۵۰۰

مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَٰذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ

سورهٔ ص آیهٔ۷

نشنیدیم این در دین بازپسین این نیست الا فروبافتن .

نه‌شنیدیم این اندرگروه بازپسینان این نیست مگر دروغ نهادن .

ص۴۷۵

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

یس آیهٔ ۸۴

ترجمه از تفسیر روض‌الجنان

منزه است آنکه بدست اوست پادشاهی هرچیزی و با او برند شمار آن .

قرآن شمارهٔ ٤

پاك است آنکه بدست وی است پادشاهی هرچیزی و سوی وی بازگردانند شمارا . ص٤٦٧

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ

فاطر آیهٔ۳۳

آنکه فرودآوردمارا بسرای‌ایستادن ازنعمت او. نرسد بما درآنجا رنجی ونرسد بما درآنجا ماندگی .

آنکه فرودآورد مارا بسرای‌باشیدن از فضل خویش نرسد بما در آنجا رنجی و نرسد بما در آنجا ماندگی. ص٤٥٩

قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ

سبأ آیهٔ ۳۰

بگو شمارا نویدروزی‌است که‌بازپس نمانی نه یك‌ساعت ونه‌فراپیش‌شوی.

بگو شمارا وعده‌گاه روزی‌است پس نرویـد از وی یك‌زمان و نـه‌پیش روید . ص٤٥٢

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ

یس آیهٔ ۵۳

ترجمه از تفسیر روض‌الجنان

گویند ای‌وای ما که برانگیخت مارا از خوابگاه ما این آنست که وعده دادخدای وراست‌گفتند پیغامبران.

قرآن شمارهٔ ٤

می‌گویند یا وای ما کـه برانگیخت مارا از خوابگاه ما .
این‌است آنچه وعده‌کرده‌بود خدای و راست‌گفتند پیغامبران .

ص٤٦٥

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ
إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا
عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

هود آیهٔ ۸

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی

نسخهٔ عکسی دانشگاه مشهد

واگر عذاب ایشان‌را پستر دادیم تا مهلتی شمرده که ایشان‌را داده‌ایم ایشان گویند که ازما چه‌چیز بـاز می‌دارد بدانید و آگاه باشید که آن روز که میعاد عذاب باشد و وقتِ آن آید که‌بدیشان رسد هیـچ‌کس آن‌را ازایشان باز نتوانـدداشت و هلاك کرد ایشان را بدانچه فسوس می‌کردند .

ت ۹ ص۹۹

قرآن شمارهٔ ٤

واگر سپس داریم از ایشان عذاب را سوی وقتی شمرده گویند چـه می بازدارد آنرا بدانید که آن روز که بیایدبایشان‌نباشد بازگرداننده‌ای ازایشان و فرودآید به‌ایشان آنچه بودند که بوی همی افسوس‌کردند.

ص۲۳۱

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا

اسراء آیهٔ ۳۷

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی

درروی‌زمین به‌انباردگی وسرفرازی مرو که بمردی زمین‌را پاره نخواهی کرد و به‌سرفرازی با کوهها برابر نخواهی شد . ت۸ ص۳۱۷

قرآن شمارهٔ ٤

ومرو درزمین به‌نشاط که تونتوانی دریدن زمین و نتوانی رسیدن بکوهها بدرازی .

ص۲۹۹

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

مؤمنون آیهٔ۱۱۵

پنداشته بودید که شما را ببازی آفریده بودیم و به ما بازگشتی نخواهدبود . ت۱۲ ص۱۲۹

یا پنداشتید که ما بیافریدیم‌شمارا بازی وشمارا سوی ما بازنگردانند.

ص۳٦۸

وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

لقمان آیهٔ۲۲

و هرکه کار برای خدای تعالی کند به‌اخلاص و او نیکوکارباشد درآنچه کند گوید بدان که به‌گوشهٔ استوار دست زده‌است که آن‌را گسستن نباشد و پایان‌کار همه کارها بخدای بازگردد . ت۱۳ ص۲۸۷

و هرکه بسازد روی خویش یعنی دل خود بخدای و وی نیکوکارباشد چنگ اندرزد بگوشه‌ای استوارترین وسوی خدا بازگردد سرانجام‌کارها

ص٤۳۳

إذ أوَى الفِتيَةُ إلَى الكَهفِ
فَقالوا رَبَّنا آتِنا مِن لَدُنكَ رَحمَةً وَهَيِّئ لَنا مِن أمرِنا
رَشَدًا

کهف آیهٔ ۱۰

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی

آن‌وقت که آن جوامردان در آن‌غار رفتند تا آنرا آرام جای خودسازند روی بدعاآوردندوگفتند ای‌خداوندِ ما و پروردگار نگاهبانِ ما ازنزدیكِ خود مارا رحمتی ده وکارهای مارا ساخته گردان و مـا را راه راست ارزانی دار . ت۱۶ ص۶

قرآن شمارهٔ ٤

چون برفتند جوامردان سوی غار گفتند یا خداوندِ ما بده مـارا از نزد تو بخشایشی و بساز ما را از کار ما راستست .

ص۳۰۹

قالَ مَوعِدُكُم يَومُ الزّينَةِ وَأن يُحشَرَ النّاسُ ضُحًى

طه آیهٔ۵۹

موسی علیه‌السلام گفت که وقتِ میعاد ما چاشتگاهِ روز عیدست . ت۱۶ ص۵۳

گفت وعده‌گاهِ شـما روزِ آرایش (یعنی عید) وکه گردآرند مردمان‌را چاشتگاه . ص۳۳۳

وَكَذٰلِكَ أنزَلنٰهُ قُرءٰنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفنا فِيهِ مِنَ الوَعيدِ لَعَلَّهُم
يَتَّقونَ أو يُحدِثُ لَهُم ذِكرًا

طه آیهٔ ۱۱۳

ترجمه از تفسیر بصائر یمینی

وهمچنان که تـرا بازنمودیم قرآن بزبان تازی فرستادیم و گـوناگون ایشان‌را بیم نمودیم تا مگر ازخلافِ ما بپرهیزند و این قرآن ایشانـرا ازما یادی دهد . ت۱۶ ص۶۲

قرآن شمارهٔ ٤

و همچنین فرو فرستادیمش قرآن وگردانیدیم یعنی پدیدکردیم دروی از بیم تا مگر ایشان بپرهیزند یا نو گرداند ایشان‌را پندی یا نیك‌نامی. ص۳۳۷

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

نور آیهٔ۵۹

وچون طفلان شما بحد بلاغت‌رسند باید که دستوری خواهنـد بوقتِ درآمدن هرگاه که‌باشد چون مردان بیگانه وخداوند تعالی مانند این‌بیان آیتهای دیگر برای شما بیان کندکه اوست علیم و حکیم دانا و استوار کار . ت۱۲ ص۱۵۵

و چـون برسند خُـردان از شـما ببوشاسب دستوری خواهندچنانکه دستوری خواستند آن‌کسها که از پیش ایشان بودند همچنین پیدا کند خدا شمارا آیتهای خویش وخدای داناست صواب‌کار. ص۳۷۸

۷

مقایسهٔ ترجمهٔ شش سورهٔ کوچك از قرآن شمارهٔ ٤

با

ترجمهٔ تفسیر طبری و تفسیر کشف‌الاسرار و تفسیر روض‌الجنان

الف ـ سورةالتکویر

ب ـ سورةالطارق

ج ـ سورةاللیل

د ـ سورةالإنشراح

ه ـ سورةالزلزال

و ـ سورةالقارعه

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا
الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ
حُشِرَتْ ﴿٥﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾
وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا
الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿١٠﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿١١﴾ وَإِذَا الْجَحِيمُ
سُعِّرَتْ ﴿١٢﴾ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿١٣﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا
أَحْضَرَتْ ﴿١٤﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ﴿١٥﴾ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ﴿١٦﴾ وَ
اللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿١٧﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ
كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُّطَاعٍ ثَمَّ
أَمِينٍ ﴿٢١﴾ وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ﴿٢٣﴾
وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ﴿٢٥﴾
فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿٢٦﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾ لِمَن شَاءَ
مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

سورةالتکویر از ترجمهٔ تفسیرطبری :

چون آفتاب تاریك گردد – و چون ستارگان بپراکنند – وچون‌کوهها برفتن‌آیند – و چون اشتران بچه بیوکَنند – وچون ددگان را گرد کنند – و چون دریاها بجوش آید – و چون تنها را جفت گردانند – وچون اطفال‌را بپرسند – بکدام گناه کشته‌سزد؟ – وچون نامها بپراکنند – وچون آسمان پاره‌پاره شود – وچون دوزخ پرآتش شود – وچون بهشت نزدیك شود – بداند هر تنی آنچه حاضرآورد – سوگند نه مه‌یادکنم بدان پنج ستاره – ستاره که همی‌رود آنگه رجوع کند و بازپس‌آید – وشب چون ازپس فراز آید – و بامداد چون بدمد – که آن‌گفتار پیغامبری بزرگواراست – خداوند نیرو نزدیك خداوندِ عرش جای گرفته – و فـرمان‌بُـردار پس استوار – ونیست یارشما دیوانه – وبدرستی که دید اورا بگوشه‌ای‌هویدا – ونیست او بر پنهانی بگمان– ونیست آن گفتار دیوی رانده – کجا همی‌شـوید ؟ – که نیست آن مگر یادکردی‌جهانیان‌را– آنرا که خواهد ازشما که راه‌راست گیرد – ونه‌خواهید مگر که خواهد خدای عزّوجل خداوند جهانیان –

ج۷ ص۱۹۹۰ – ۱۹۹۳

ترجمهٔ سورةالتّکویر از کشف‌الأسرار و عُـدّةالأبرار :

آنگه که خورشید درگردانند و درزمین اندازند – و آنگه که‌ستارگان درزمین ریزند – و آنگه که کوهها بروانند – و آنگه که‌ماده‌شتران [بارفرا رسیده با بارنهاده بگذارند و] نجویند ونکوشند – وآنگه کـه دشتیان و کوهیان از جانوران پسِ آنکه خاك‌گشتند فراهم آرند – وآنگه که دریاها از یکدیگر بر کنند و آنگه که آنرا آتش‌کنند – وآنگه که هرکسی را با همکارِ او جفت کنند – وآنگه که دخترِ خود زنده درگور کرده – بپرسند – کـه

بچه‌گناه کشتند اورا ـ وآنگه که نامه‌های کردارها بازگشاده‌آید ـ و آنگه که آسمان از زبر درکشند ـ وآنگه که آتش برافروزند و نیروی دهنـد ـ و آنگه که بهشت را نزدیك آرند ـ بداند هرکس که چه‌آورد از کـردار ـ سوگند می‌خورم بآن ستارگان بازایستادگان ـ راست‌روندگان درخانه‌های خویش شدندگان ـ وبشب تاریك که درآید ـ وبامداد که دم‌برزند ـ که‌آن سخن رسانیدن فرستاده‌ای پاك‌نیکوی‌راست استواراست ـ آن با نیروی بزرگ‌بنزدیك خداوند باپایگاه‌وجایگاه ـ [در آسمان ، فریشتگان] وی را فرمان‌بُـردار بنزدیك الله استوار ـ و[محمد] این‌مردشما نه‌دیوانه‌است ـ دید او، اورابه‌آن‌هامون آشکارای‌فراخ ـ واوبه‌آن‌وحی‌که‌درنهان‌باوست‌ـ بخیل و دریغ‌دارنده نیست ازشما ـ و این‌سخن دیو رانده نیست و دیو آورد ـ [از راه راست وسخن راست و مرد راست و کـار راست] ؟ ـ نیست این سخن و این نامه و این پیغام مگر یادکردی جهانیان را ـ آن را که خواهد از شما که برطاعت و راه راست بایستد ـ و خود نخواهیـد مگر آنچه خدا خواهد ، خداوند جهانیان . ج۱۰ ص ۳۹۱ ـ ۳۹۲

ترجمهٔ سورةالتّکویر از روض‌الجنان‌شیخ‌ابوالفُتوح خزاعی نیشابوری

نسخهٔ‌خطّی کتابخانهٔ آستان قدس :

چون آفتاب را سیاه‌کنند ـ وچون ستارگان ریخته شوند ـ وچون کوههارا برانند ـ وچون شتران ده‌ماههٔ آبستن را رهاکنند ـ وچون وحش را جمع‌کنند ـ وچون دریاها پرکنند ـ وچون تنهارا جفت گردانند ـ وچون دختران درگورکرده‌را پرسند که بکدام‌گناه کشتند اورا ـ و چون صحفها برافلاجند ـ وچون آسمان درنَوردند ـ وچون دوزخ را بتابند ـ وچون بهشت نزدیك کنند ـ بداند تنی آنچه حاضر کرده‌باشد ـ سوگندنمی‌خورم

بستارگان بازپس‌مانده ـ روندگان در برج شدگان ـ و بشب چون تاریك شود ـ وبام چون دم‌زند ـ که او گفتار پیغامبری‌است گرامی ـ خـداوند قـُوّة بنزدیك خداوندِ عرش ممکّن ـ فرمان برده آنجا استوار ـ ونیست صاحب شما دیوانه ـ دید اورا بکناره‌های آسمان ظاهـر ـ و نیست او بر وحی متّهم ـ ونیست او گفتار دیوی رانده ـ کجا می‌شوی ـ نیست او الا یادگاری جهانیان را ـ آنرا که خواهد ازشما که راست باشد ـ و شما نخواهی الاّ آنکه‌که خواهد خداوند جهانیان.

ترجمهٔ سورةالتّکویر از قرآن‌شمارهٔ ٤ موقّت‌کتابخانهٔ آستان قدس :

چون آفتاب سیاه شود و برپیچد ـ وچون ستارگان تیره گـردد و بریزد ـ وچون کوهها برانند ـ وچون اشتر ده‌ماهه آبستن را بگـذارند ـ وچون ددگان برانگیزند ـ وچون دریاهارا بجوشانند و بیفشانند ـ وچون تنها جفت گردانند ـ وچون زندهٔ‌بگورکرده‌را بپرسند ـ بچه‌گناه‌کشتندش ـ وچون نامها بازکنند و بگشایند ـ وچون آسمانها بیاهنجند (یعنی پوست رویش‌بازکشند) ـ وچون دوزخ را بتابند ـ وچون‌بهشت‌را نزدیك‌گردانند ـ بداند هر تنی آنچه با خویشتن آورده‌است ـ سوگند یادکنم بستارگان ـ روندگان پنهان‌شوندگان ـ و بشب چون تاریك شود ـ و به‌سپیده‌دم چون دم‌زند ـ که این‌گفتار پیغامبری‌است بزرگوار ـ بانیرو نزد خداوند عرش با پایگاه ـ فرمان وی کنند فریشتگان بازاستوار ـ ونیست یارشمادیوانه ـ ودرست بدید ورا بکنارها پیدا ـ ونیست وی بر پنهانی بگمان ـ ونیست این گفتار دیو رانده ـ کجا همی‌روید ـ نیست وی مگر پندی همه خلق‌را ـ آنکس را که خواهد ازشما که راست‌باشد ـ ونه‌خواهید شما مگر آنکـه خواهد خدای پروردگار همه خلق. ص٦٢١ ـ ٦٢٢

ب ـ مقایسهٔ ترجمهٔ سورهٔ الطارق از سه‌تفسیر با قرآن شمارهٔ ٤

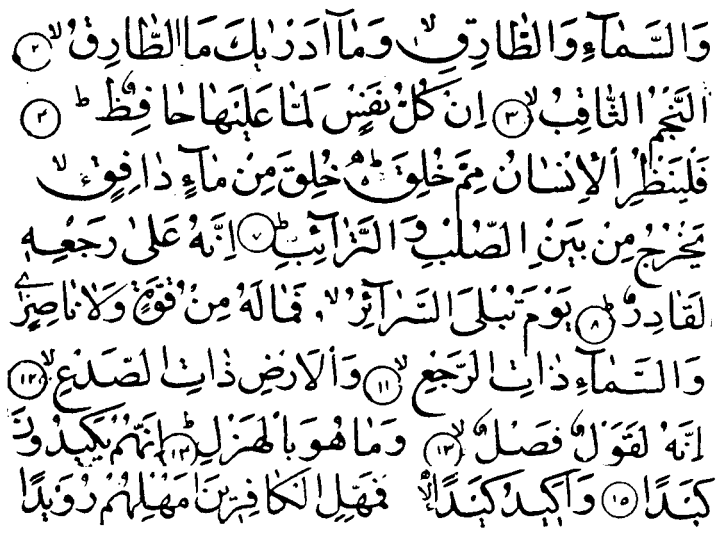
وَالسَّمَآءِ وَالطَّارِقِ ۝١ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا الطَّارِقُ ۝٢
النَّجْمُ الثَّاقِبُ ۝٣ إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ۝٤
فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ ۝٥ خُلِقَ مِن مَّآءٍ دَافِقٍ ۝٦
يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَآئِبِ ۝٧ إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ
لَقَادِرٌ ۝٨ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَآئِرُ ۝٩ فَمَا لَهُ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ۝١٠
وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ۝١١ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ۝١٢
إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ۝١٣ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ۝١٤ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ
كَيْدًا ۝١٥ وَأَكِيدُ كَيْدًا ۝١٦ فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا

سورة الطّارق

سورة الطارق از ترجمهٔ تفسیر طبری :

به‌آسمان و راههای آن ـ و چه داناکرد ترا که چیست راههای آن ـ ستارگان رخشان ـ که هرتنی نه‌برآن نگاه‌دارنده‌ای‌است ـ بنگرد مردم که ازچه‌آفرید مردم ـ آفرید از آبی جهنده ـ که بیرون می‌آید ازمیان پشتِ پدر و سینهٔ مادر ـ که اوست بر بازگردیدنِ آن توانا ـ آن‌روز که آشکارا شود پنهانیها ـ نیست اورا هیچ نیرو و نه‌یاری‌دهنده‌ای وآسمان خداوند باران ـ وزمینِ خداوند شکافتن ـ که این گفتاری‌است جداکرده ونیست او ببازی ـ که ایشان کید می‌کنند کیدکردنی ـ وکید می‌کنم کیدکردنی ـ زمانِ ده کافران را ، و زمان ده ایشان‌را آهسته .

ج ۷ ص ۲۰۰۸ ـ ۲۰۰۹

ترجمهٔ سورةالطارق از کشف‌الأسرار وعُدّةالأبرار :

به‌آسمان وبه‌آنچه بشب پیدا می‌آید- چون نیك دانی که آنچه بشب آید چیست ؟ ستارهٔ درخشان - هرکسی و هرتنی آنست که بروگوشوانی است [یعنی نیست هیچ‌تن وهیچکس مگر که برو نگهبانی‌است]. - درنگـرا مردم که از چه‌چیز آفریدند اورا - بیافریدند اورا از آبی افکنده ریخته - بیرون می‌آید از پشت مرد و استخوانهای سینهٔ زن آفریدگار او بر بازبرد او [با جوانی وکودکی با آب و با پشت پدر] تواناست - آن‌روز که‌بررسند وبازنگرند پنهانها - اورا نه‌نیروئی که به‌آن تاود یا کوشد و نه‌یاری که‌اورا یاری‌دهد - به‌آسمان با باران - و به‌زمین با شکاف - که این‌قرآن سخنی است درست و راست - نه سست و نه‌گزاف - ایشان دستانی می‌سازند نهانی ساختنی - ومن کاری می‌سازم نهانی - این ناگرویدگان را درنگ ده فروگذار ایشان را اندك روزگار . ج ۱۰ ص۴۴۹-۴۵۰

ترجمهٔ سورةالطارق از روض‌الجنان شیخ‌ابوالفتوح خزاعی نیشابوری .

نسخهٔ خطّی کتابخانهٔ آستان‌قدس :

بحقِ آسمان‌و ستاره - وچه آگـاه کرده‌است ترا کـه چیست آن ستارهٔ درفشان - نیست هر نفسی الا برو گواه نیست -گو درنگرآدمی‌راکه ازچه آفریدند اورا - آفریدند اورا از آبی جهنده - که بیرون‌آید ازمیانِ پشت و استخوانها[ی] سینه - که او باز آوردنش تواناست آن روز کـه آشکارا کنند نهان‌هارا - نباشد اوراقـّوتی و نه یاوری - وبحقّ آسمـان خداوند باران که وادرایستد - وبحقّ زمین خداوند شکاف - که‌اوگفتاری گزارده‌است . ونیست او هزل - ایشان کید می‌کنندکیدی - و کیدکنم‌من کیدی - مهلت ده کافران را ، مهلت ده ایشان را مهلت‌دادنی .

ترجمهٔ سورةالطارق ازقرآن‌شمارهٔ ٤ موقت کتابخانهٔ آستان قدس :

سوگندبه‌آسمان‌وبه‌آیندهٔ شب - وچه‌دانی تو چیست آیندهٔ شب - ستارهٔ رخشان درفشان - نیست هیچ تنی مگر بر وی نگاه‌بانست - بنگردامردم ازچه آفریدندش - بیافریدندش از آبی‌جهنده - بیرون آید ازمیان پشت پدر وسینهٔ مادر - وی بر بازگردانیدن وی تواناست - آن‌روز که آشکارا شود نهانی‌ها - نباشد اورا هیچ نیروئی‌ونه‌یاری‌گری- وسوگند به‌آسمان با باران یك پس دیگر آینده - و بزمین باشکافها نبات‌برآینده - که این گفتاری‌است جداکننده‌میان‌حق‌وباطل - ونیست‌وی‌سخن‌بیهوده - ایشان همی‌سازند سازش بد - ومن همی‌سازم سازش - زمان ده ناگرویدگان‌را - درنگ ده ایشان را اندکی . ص ٦٢٦ — ٦٢٧

ج - مقایسهٔ ترجمهٔ سورهٔ اللیل از سه‌تفسیر با قرآن‌شمارهٔ ٤

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ﴿١﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ﴿٢﴾ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ
وَالْأُنثَىٰ ﴿٣﴾ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ﴿٤﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَ
اتَّقَىٰ ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٦﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٧﴾
وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٩﴾
فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ﴿١٠﴾ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ﴿١١﴾
إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ﴿١٢﴾ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ﴿١٣﴾ فَأَ
نذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ﴿١٤﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٥﴾ الَّذِي
كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٦﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٧﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ
يَتَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰ ﴿١٩﴾ إِلَّا
ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ﴿٢٠﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ

سورةاللّیل

سورةاللیل از ترجمهٔ تفسیر طبری :

بشب چون برپوشد - وبروز چون روشن‌شود - وآنچه‌بیافرید نرینه و مادینه - که سعی شمـا گونهاست اما آنکه برادی و پرهیـزکاری - و راستی و نیکوکاری زید - آسان کنیم اورا آسانی - اما آنکه بخیلی‌کرد و بی‌نیازگشت - وبدروغ داشت بنیکوای - آسان‌کنیم اورا دشواری - ونه بی‌نیازی‌کند ازاوخواستهٔ چون گردکند - که‌برماست راه‌نمودن - و حقّا ماراست‌آن‌جهان‌واین‌جهان - بیم کردم‌شمارا‌آتش‌که‌زبانه‌زند - ونه‌اندرشود اندرآن مگر بدبختی - آنکه‌بد روغ داشت و برگشت - و بپرهیزید از آن پرهیزکار-آنکه بدهدش‌خواستهٔ‌او پاکیزگی‌کند - ونیست کسی‌را نزدیك او هیچ‌نعمتی که پاداش‌داده‌شود مگر جستن روی‌خدای‌خویش‌را برتر و بزرگ‌تر - و زودباشد که خشنود شود . ج۷ ص۲۰۲۵-۲۰۲۶

بآفرینش نر و ماده - که کردار شمـا بس پراکنـده‌است‌و دورا دور از

ترجمهٔ سورةاللیل از کشف‌الأسرار و عدةالأبرار :

بشب که درسر جهانیان درآید - وبه‌روز که روشن‌گردد و پیـدا - بآفرینش نـر و ماده - کـه کردار شما بس پراکنـده است و دورا دور از یکدیگر - اما آنکس که ازتن ومال‌خویش حق بداد و [ازناپسندِ خـدایِ خویش] بپرهیزید - و وعدهٔ نیکو استوار داشت - آری اورا ساخته‌کنیم وآسان [کار راه‌بهشت] - واما آنکه دست فروگرفت و خودرا بی‌نیازدید - ووعده‌را دروغ شمرد - آری ساخته کنیم و آسان کار راه دوزخ اورا - و چه‌سود دارد و چه بکارآید اورا مالِ او ؟ آنگاه که بسر دردوزخ‌افتد - بر ماست آگاه‌کردن - وماراست آن‌گیتی‌واین‌گیتی - آگاه‌کردیم‌شمارا‌ازآتشی زبانه‌زنان - نسوزد به‌آن - مگرآن‌بدبخت که‌دروغ زن گرفت و برگشت - و از آتش دورکرده‌آمد آن‌پرهیزکار - آن‌که مال خویش می‌دهد به‌آن‌پاکی

وهنری ونیکونامی می‌جوید . ـ ونیست هیچکس را بنزدیك او دستی کـه آنرا پاداش می‌بایدکرد ـ [نمی‌کند آنچه می‌کند] مگر جستنِ خشنودیِ خدایِ‌خویش را آن برتر بزرگوارتر ـ وآری خشنود گردد [بآنچـه الله اورا دهد ازکرامت و مثوبت] . ج۱۰ ص۵۱۰ـ۵۱۱

ترجمهٔ سورةاللیل از روض‌الجنان شیخ‌ابوالفتوح خزاعی نیشابوری .

نسخهٔ خطّی کتابخانهٔ آستان قدس :

وبحقّ شب‌چون باز پوشد ـ وبحق روز چون روشن‌کند ـ وبه‌آنچه آفرید نروماده‌را ـ که عمل شما مختلفست ـ اما آنکه عطا دهد وپرهیزکار باشد ـ و راست دارد ثواب را ـ توفیق دهیم اورا بکار خوارتر ـ و امـا آنکه بخل‌کند و توانگر شود ـ و دروغ دارد ثواب‌را ـ خذلان کنـیم اورا بکار دشخوارتر ـ و بنگزیراند ازو مالش چون هلاك شود ـ برماست بیان‌ـ وماراست آخرة ودنیا ـ بترسانیدم شمارا از آتشی که می‌بشخد ـ ملازم نشود باآن الاّ بدبخت‌تر ـ آنکه دروغ دارد و برگردد ـ وبپرخیزد ازآن پرهیزکارتر ـ آنکه بدهد مالش زکوة دهد ـ ونیست کسی‌را بنـزدیكِ او نعمتی که پاداشت‌کند ـ الا طلب رضا[ی] خدای بلندتررا ـ وخشنودشود.

ترجمهٔ سورةاللیل از قرآن شمارهٔ ٤ موقت کتابخانهٔ آستان قدس :

سوگند بشب چون بپوشاند ـ وبروز چون‌پدیدآرد وروشن‌گرداند ـ وبدانکه بیافرید نروماده که کار شما پراکندست ـ هرکه ازخود حق بدهد وبپرهیزد (یعنی ازناشایست) ـ واستواردارد(۱) نیکوترین‌را (یعنی‌قرآن) ـ زود آسان‌کنیم ورا (یعنی کاری دشخوار) کاری آسان‌ترین ـ و آن کسی

۱ـ از ترجمهٔ قرآن شمارهٔ۵۹ موقت قسمت‌های ازبین‌رفته دروصالی وصحافی تکمیل‌شد.

که سفلگی کند و خویشتن بی‌نیاز دارد – و بدروغ‌دارد سخن نیکوترین – آسان‌کنیم ویرا مر دشخوارترین – و باز ندارد از وی خواستهٔ وی چون هلاك شود – برماست راه‌نمودن – ومر ماراست آن‌جهان و این‌جهان – بیم‌کردم شمارا آتشی زبانه‌زنان – درنشود بدان مگر بدبخت‌ترین – آنکه بدروغ داشت وبرگشت – و دورگردانند ازآن پرهیزکارترین را – آنکه بدهد خواستهٔ خویش تا پاك‌کند خودرا – ونیست هیچ‌کس را نزد وی از نیکوی که پاداشن کند – مگر جستن خشنودیِ خداوندِ خویش بزرگترین را – و زودباشد که خشنود گردد. ص۶۳۲

د – مقایسهٔ سورهٔ الإنشراح از سه‌تفسیر با قرآن شمارهٔ ٤

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ
الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ
الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ
وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب

سورةالإنشراح

سورةالإنشراح از ترجمهٔ تفسیر طبری:

نه‌گشاده کردیم ترا سینه و دل ترا ؟ – وبنهادیم‌ازتو بار وگناه‌تو – آنکه فروشکست پشت تو؟– وبرداشتیم ترا یادکرد تو؟ – که بادشخواری آسانی‌است – که با دشخواری آسانی‌است – وچون بپردازی کار از سر گیر – و سوی خدای خویش اومیدوار باش. ج۷ ص۲۰۲۸

ترجمهٔ سورة الإنشراح از کشف‌الأسرار وعدة‌الأبرار :

نه‌باز گشادیم دل‌ترا و روشن کردیم ؟ – ونه فرونهادیم از تو گناهِ تو ؟ – آن بارگران که ازگرانی پشت‌ترا سست‌کرد ؟ – ونه بلند برداشتیم نام تو و آوای تو ؟ – با هردشواری وتنگی آسانی‌است و فراخی – بدرستی که با هردشواری آسانی‌است – چون از نماز بپردازی در دعا کوش و در نیاز نمودن رنج بر – و از خداوندِ خود خواه . ج۱۰ ص۵۳۳

ترجمهٔ سورة‌الإنشراح
از تفسیر روض‌الجنان شیخ ابوالفتوح خزاعی نیشابوری
نسخهٔ خطی کتابخانهٔ آستان قدس

نه ما روشن کردیم برای تو سینه‌ات – وفرونهادیم ازتو بارِگرانت– آنکه بشکست پشت تو – وبرداشتیم برای تو نام تو – با دشخواری خواری است – و با دشخواری خواری‌است – چون‌بپردازی رنج برخود گیر – و با خدایت رغبت کن .

ترجمهٔ سورة‌الإنشراح از قرآن شمارهٔ ٤ موقت کتابخانهٔ آستان قدس :

نه‌فراخ گردانیدیم دل ترا – و فرونهادیم ازتو بار گران ترا – آنکه فروشکست پشت ترا وبلند گردانیدیم ترا نام ترا – هراینه با هرسختئی آسانی‌است –با هرسختئی آسانی‌است– چون بپردازی رنج بر بر دعاکردن و سوی خداوندِخویش رغبت کن . ص۶۳۳

هـ - مقایسهٔ ترجمهٔ سورهٔ الزلزال از سه‌تفسیر با قرآن شمارهٔ ٤

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ
أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾ وَقَالَ الْإِنسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾ يَوْمَئِذٍ
تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾ يَوْمَئِذٍ
يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿٦﴾ فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ
ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

سورةالزلزال

سورةالزلزال از ترجمهٔ تفسیرطبری :

چون بجنبانند زمین را جنبانیدن آن - وبیرون آردزمین بارهای‌آن- وگفت مردمان چیست‌آنرا؟ - آن‌روز که خبرکند بدانچه خبرکرده‌است - که خدای تو وحی‌کرد آنرا - آن‌روز بازگردند مردمان گروه‌های پراکنده تا بینند کردارهای ایشان - هرکه کند بسنگ مورچه‌ای نیکی بینند آن - وهرکه کند بوزن مورچه‌ای بدی‌ای بینند آن . ج۷ ص۲۰٤۱

ترجمهٔ سورةالزلزال از کشف‌الأسرار و عدةالأبرار :

آنگه که بجنبانند زمین‌را بجنبانیـــدن - وبیرون دهد زمین از خود بارهای خویش - ومردم می‌گوید : چیست که بمن بود؟ چه‌رسید زمین‌را که می‌جنبد ؟! - زمین خبرهای خویش می‌گوید [ازهرکس که‌برو کارکرد]- بآنچه خداوندِ تو آن‌رافرمود- آن‌روز بازگردندمردمان دوگروه‌جداجدا از هم دور تا جزای کردار ایشان به‌ایشان نمایند - هرکه هم‌سنگ مور خرد نیکی کند بیند آن [وپاداش آن] - وهرکه‌هم‌سنگ مورخرد بدی‌کند بیندآن [وپاداش آن] . ج۱۰ ص٥٧٦

ترجمهٔ سورةالزلزال از روض‌الجنان شیخ ابوالفتوح خزاعی نیشابوری

نسخهٔ خطّی کتابخانهٔ آستان قدس :

چون بجنبانند زمین جنبانیدنش – وبیرون‌آرد زمین بارهایش وگوید آدمی چیست‌آنرا – آن‌روزحدیث‌کندبه‌خبرهایش – بآنکه‌خدایت‌وحی‌کرد باو – آن‌روز بیایند مردمان پراکنده – تابا‌ایشان نمایندکارهایشان – هرکه بکند بسنگ مورچه‌ای خرد نیکی ببیند – وهرکه‌کند بسنگ ذره‌ای بدی ببیند .

ترجمهٔ سورةالزلزال ازقرآن‌شمارهٔ٤ موقت کتابخانهٔ آستان‌قدس:

چون بجنبانند زمین را جنبانیدن وی – وبیرون آرد زمین بارهای وی – وگوید مردم چه‌بودست – آن‌روز بگوید خبرهای خویش‌را – بدان‌که خداوندتو بفرمود اورا – آن‌روز بازگردند مردمان پراکنده گروه‌گروه تـا بنمایند ایشان را کارها[ی] ایشان هرکه بکند هم‌سنگ مورچـه‌ای نیکی ببینند آنرا– وهرکه بکند هم‌سنگ مورچه‌ای بدی‌ببینند آنرا . ص۳۳٦

و – مقایسهٔ ترجمهٔ سورهٔ القارعه از سه‌تفسیر با قرآن شمارهٔ٤

اَلْقَارِعَةُ ۝١ مَا الْقَارِعَةُ ۝٢ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ۝٣
يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ۝٤ وَتَكُونُ
الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ ۝٥ فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ
فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ۝٧ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ
فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ۝٩ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ ۝١٠ نَارٌ حَامِيَةٌ

سورةالقارعه

سورهٔ القارعه از ترجمهٔ تفسیر طبری :

رستاخیز-وچه‌رستاخیز؟ - وچه‌داناکرد ترا که‌چیست‌رستاخیز؟- آن‌روز که‌باشد مردم چون پروانه‌ای پراکنده - وباشد کوهها چون پشمِ زده - واماآنکه‌گران‌شد ترازوِ او ازنیکی - اوست‌اندرزندگانی پسندیده - اما آنکه سبك شود ترازو او ازنیکی - جای او هاویهٔ دوزخ‌است - وچه داناکرد ترا که‌چیست آن‌هاویه؟ - درَکیست از درَکهای دوزخ و آتش‌گرم.

ج۷ ص۲۰۴۵

ترجمهٔ سورةالقارعه از کشف‌الأسرار وعدةالأبرار :

روز رستاخیز، روز برکوبنده وچه‌برکوبنده [که‌آنست] - وتوچه‌دانی [ای‌محمد] که‌آن‌چه برکوبنده‌است ؟ - آن‌روز که مردمان از هول‌رستاخیز چون پروانه باشند افکنده وپراکنده - وکوهها چون پشم‌زده درهواشده - هرکه گران‌آید ترازوی او [بنیکی] او درعیشی‌است که پسندد آنرا - واما آن‌کس که ترازوی او سبك‌آید - نگونسار ماند [او وبخت کلون] وبازگشت او با دوزخ - وتو چه‌دانی که دوزخ چیست ؟ - آتشی بغایت تَفرسیده .

ج۱۰ ص ۵۹۰

ترجمهٔ سورةالقارعه از روض‌الجنان شیخ ابوالفتوح خزاعی نیشابوری .

نسخهٔ خطّی کتابخانهٔ آستان‌قدس :

قیامة - وچه‌قیامة - وچه‌دانی تو که چیست قیامت - آن روز که باشند مردمان چون پروانهٔ چراغ پراکنده - وباشد کوهها چون‌پشمِ زده - اما آنکه گران‌باشد ترازویش - او درزندگانی باشد پسندیده - واما آنکه سبك‌باشد ترازویش - جای او هاویه - وچه‌دانی تو که چیست آن - آتشی تافته‌است .

ترجمهٔ سورةالقارعه از قرآن شمارهٔ ٤ موقت کتابخانهٔ آستان‌قدس:

کوبنده‌ای - چه‌کوبنده‌ای - وچه‌دانی چه‌کوبنده‌ای - آن‌روز که بباشند مردمان - چون جراکشك(۱) پراکنده یعنی و ضعیف - و بباشد کوهها چون پشم رنگ‌زده - اما هرآن‌که گران‌شود ترازوهای وی - وی در زندگانی باشد پسندیده - وهرآنکسی که‌سبك‌آید ترازوهای‌وی - بازگشت وی دوزخ‌باشد - وچه‌دانی که‌چیست وی - آتشی‌است تفسیده .

ص٦٣٧

(۱) «چراکُشك» هم می‌توان خواند بمعنی پروانه .

تکمله

پس از آن که کار نگارش این مختصر پایان‌گرفت ضمن بررسی یکی از قرآنهای متروك که بدخط و نونویس و گوشه‌های‌آن پوسیده‌بود ملاحظه شد که متجاوز از دویست صفحه اوراق کهن درمیان دارد با ترجمه‌هایی در ذیل سطور و تفسیری سخت استوار در آغاز وگاه انجـامِ سوره‌ها .

بررسیِ بیشتر نشان داد که آنچه برجای مانده بخشی از ترجمـهٔ تفسیرطبری‌است که‌علائم نسخه‌شناسی نشان‌می‌دهد درحدودقرن‌ششمِ هجری از روی متنی کهنه‌تر تحریر یافته‌است و درهرحال از همه۱٤–۱۵ نسخه ترجمه‌ای که ازتفسیر طبری شناخته‌شده‌است کهنه‌تراست ازاین‌رو شواهدی که دراین رساله از ترجمهٔ تفسیر طبری چاپ یفمائی (از روی نسخهٔ کتابخانهٔ سلطنتی) ذکر شده بود و در این بخشِ بجـای‌مانده از تفسیر نویافته وجود داشت در اینجا بدست داده شد که هم اختـلافِ عبارات بین دوتفسیر و قدمت و اهمیت نسخهٔ تازه‌جسته آشکار شود و هم برای مقایسه با ترجمهٔ موجود در قرآن شمـارهٔ ٤ از متنی اطمینان‌بخش‌تر سودجسته آید :

(۱) . ص ٤۲ ترجمهٔ آیهٔ ٥ از سورهٔ انعام (فقد کذّبوا بالحق . . .)

« بدرستی که بدروغ گرفتند بحق را چون بیامدشان زود باشد که بیاید بدیشان خبرهای آنچه بودند بدان افسوس‌کنان » .

(۲) . ص٦۲ ترجمهٔ آیهٔ ۸٦ از سورهٔ مائده (لتجدنّ اشدّ الناس عداوةً . . .)

« یابی سختر مردم بدشمناذگی آن کسها را مومنان را جهودان

و آن‌کسها که انباز [گرفتند] و بیابی نزدیك ایشان دوستی آن کسها را مومنان را آن کسها را کـه گفتند ماترسایان‌ایم آنست بدانکـه ازیشان مهتران‌اند اندر قضا و حکم راست و تضرع و خداوندان زهد و که ایشان نه‌گردن‌کشی کنند » .

(۳) . ایضاً ص ٦۲ ترجمهٔ آیهٔ ۹۰ از سورهٔ مائده (یاایهاالذین‌آمنوا لا تحرموا . . .) :

« یا شما که مومنان‌اید بحرام مکنید پاکی‌ها آنچه حلال کرد خدای شمارا و از حد مگذرید که خدای نه‌دوست دارد ازحدگذرندگان » .

(٤) . ترجمهٔ آیـهٔ ١٦٦ از سـورهٔ نساء (لکن‌ّالله یشهد بما انزَلَ اِلیك . . .) :

« لکن خدای گواهی می‌دهد بدانچه فروفرستاده‌آمد بتو فروفرستاد آن را بعلم خویش و فریشتگان گوایان‌اند و بس بود بخدای گواهی » .

(٥) . ترجمهٔ آیهٔ ١٦٧ از سورهٔ نساء (ان‌ّالذین کفروا و صدوا....)

« که آن‌کسها که کافر شدند و بازداشتند از راه خدای بی‌راه شدند بی‌راه شدنی دور » .

اصلاح لازم

در ص ۱۱ سطرهای ۵ و ٦ و ۷ عبارتِ «مستخرج ازمتن» زایداست و بایستی حذف گردد .

در صفحهٔ ۵ سطر ٤ «وجوه صیغ» باید «وجوه وصیغ» باشد و در صفحهٔ ۹ سطر۳ کلمهٔ معانی تکرار شده‌است و در صفحهٔ۱۵ سطر۸ به‌جای این بن‌های ، «ایشان بن‌های» صحیح‌است .

سپاسگزاری

از آقای ابراهیم قیصری لیسانسیهٔ فاضل دانشکدهٔ ادبیات که در استخراج شواهد و پاکنویس مطالبِ این رساله با اینجانب همکاریِ بسزایی فرموده‌اند سپاسگزاراست .

همچنین از آقای بینش ریاست محترم ادارهٔ انتشارات و مجلهٔ آستان قدس که در کار چاپ این رساله رنج برده‌اند و از آقای معصومی لیسانسیهٔ صدیق و نیك‌آموختهٔ دانشکدهٔ ادبیات مشهد که در تصحیحِ بعضی نمونه‌های مطبعی زحمت کشیده‌اند امتنان دارد .

مشخصات تفاسیری که درین رساله ازآنها برای مقایسه استفاده شده‌است :

۱ــ ترجمهٔ تفسیر طبری

فراهم‌آمده در زمان سلطنت منصوربن نوح سامانی ــ ۳۵۰ تا ۳۶۵ هجری . به‌تصحیح حبیب یغمائی . انتشارات دانشگاه تهران .

۲ــ تفسیر قرآن پاك

قطعه‌ای از تفسیری بی‌نام به‌فارسی که ظاهراً در اواخر قرن‌چهارم یا اوایل قرن پنجم نوشته شده‌است . عکس نسخه‌ای محفوظ در دانشگاه لاهور . باهتمام مجتبی مینوی . انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. سال‌انتشار ۱۳۴۴ .

۳ــ تفسیر عتیق سورآبادی

تألیف ابوبکر عتیق‌سورآبادی. عکس نسخهٔ مکتوب درسال ۴۸۰ــ۴۷۰ هجری قمری محفوظ در کتابخانهٔ دیوان هند ، لندن . باهتمام مجتبی مینوی . انتشارات بنیاد فرهنگ ایران .

۴ــ تفسیر کشف‌الأسرار و عدة‌الأبرار :

معروف به‌تفسیر خواجه عبدالله انصاری . تألیف ابوالفضل رشید الدین المیبُدی در سنهٔ ۵۲۰ هجری . باهتمام علی‌اصغر حکمت. انتشارات دانشگاه تهران .

۵ــ تفسیر روض‌الجنان

مفسر شیخ ابوالفتوح خزاعی نیشابوری . مجلد شانزدهم به‌سال ۵۵۶ و مجلد دیگر به‌سال ۵۵۷. نسخهٔ‌خطی کتابخانهٔ آستان‌قدس به‌شمارهٔ ۱۳۴ و ۱۳۶ .

۶ــ تفسیر بصائر یمینی .

کاتب علی‌بن محمدبن احمدالأدیب البخاری اسدالخطاطین . سال تحریر ۶۸۵ نسخهٔ عکسی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه مشهد .

فهرست سوره‌هایی که در این رساله آیاتی از آنها نقل شده‌است

(۱۰۳ سوره از مجموع ۱۱٤ سورهٔ قرآن)

آل عمران : ٤٠، ٤١، ٧٤، ١١٦، ١٥٢، ١٦٢، ١٧٥، ١٧٦، ١٩١، ٢٠٥ .

ابراهیم : ٤١، ٧٥، ٧٦، ٧٨، ١٦٤ .

احزاب : ٤٢، ٧٦، ١٢٠، ١٢٧، ١٥١ ، ١٧٤ ، ١٨٢ .

اخلاص : ٧٦ .

أرأیت «ماعون» : ٢٥، ٦٣، ١٠٧ ، ١٤٣، ١٨١، ١٩٥ .

اَسری : ٤٢، ٧٧، ٢٠٩ .

اَعراف : ٧٨، ٧٩، ٨٠، ١٣٨، ١٦٣ .

اَعلی : ٨١ .

اَلَمْ نَشرَح «اِنشراح» : ١٧، ٢٠ ، ٢٢٣، ٢٢٤ .

انبیاء : ٨١، ١٣٥، ١٤٠ .

انشِقاق : ٨١، ٨٢، ١٥٩، ١٨٣ .

اَنْعام : ٤٢، ٤٣، ٨٢، ٨٣، ١١٧ .

اَنفال : ٨٣، ١٢٩، ١٣٠، ١٥٣، ١٧٦ ، ١٧٧، ١٧٨، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢٠٤ .

انْفِطار : ١٩، ٢٥، ٤٣، ١٨١ .

بُروج : ١٦، ٨٧ .

بَقَره : ٤٣، ٤٤، ٨٤، ٨٥، ٨٦، ١٢٢ ، ١٢٣، ١٢٨، ١٤٤، ١٥٢ ، ١٦٩ ، ١٩٠، ١٩١، ١٩٥ .

بَلَد : ١٧، ٤٥ .

بَیِّنَه : ٤٤، ٨٧ .

تَحْریم : ٨٨ .

تَکاثُر : ١٩، ٤٥، ١٦٨ .

تَکْویر : ١٨، ١٤٣، ٢١٤، ٢١٥، ٢١٦ ، ٢١٧ .

توبَه : ٤٥، ٨٨، ٨٩، ١٣٠، ١٥٣، ١٥٤، ١٧٨، ١٧٩، ١٨٠، ١٨٥، ٢٠٤ .

تین : ١٧، ٩٠، ١٨٤ .

جُمُعه : ١٣١، ١٥٦ .

جِنّ : ١٩٥ .

حاقّه : ١٥، ٤٦، ٩٠، ١٢١، ١٥٦ .

حَجّ : ٤٦، ٩٠، ٩١ .

حِجْر : ٤٧، ٩١، ٩٢، ١٦٤ .

حُجُرات : ٩٢ .

حَشْر : ۱۳۱، ۲۰٤ .
دُخان : ۹۳ .
دَهْر : ۹۳، ۱۸٤ .
ذاریات : ٤۷ .
رَحْمن : ٤۷، ۹٤ .
رُوم : ٤۸، ۹٤، ۱۲٦، ۱۵۰، ۱۷۳، ۲۰۰.
زُخْرُف : ٤۸، ٤۹ .
زِلْزال : ٤۹، ۱۳۳، ۲۲۵، ۲۲٦ .
زُمَر : ۵۰، ۹٤، ۹۵، ۱۲۱، ۱٤۲، ۱٦٦، ۱٦۷، ۱۸۳ .
سَبَأ : ۵۰ ، ۲۰۷ .
سَجْدَه : ۵۱، ۱۲٦، ۱۲۷، ۱۵۱، ۲۰۱.
شُعَراء : ۵۲، ۹۵، ۹٦ ، ۱۲٤ ، ۱٤۷ ، ۱۷۲، ۱۸۷، ۱۹۹ .
شَمْس : ۲۳، ۵۲، ۹٦ .
شوری : ۵۳، ۵٤ .
صٓ : ۵٤، ۵۵، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۷٤، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۰٦ .
صافّات : ۵٤، ۹٦، ۱۳۳ .
صَفّ : ۱٦، ۱۵۵، ۱۸۰ .
ضُحی : ۵۵، ۹۷، ۱۵۹ .
طارِق : ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰ .
طَلاق : ۲۲ .
طُور : ۹۸ .
طٰه : ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲٤، ۵۵، ۵٦، ۹۷، ۱۱۹، ۱۳٤، ۱٦۳، ۱٦٤، ۱۸۵، ۱۸٦، ۱۹۳، ۲۱۰ .
عادِیات : ۲۱، ۹۸، ۱۲۱ .
عَبَسَ : ۹۸، ۹۹ .
عَصْر : ۹۹ .
عَلَق : ۱۷، ۲۱، ۹۹ .
عَنْکبوت : ۹۹، ۱۲۵، ۱٤۱، ۱٤۸، ۱٤۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۳، ۲۰۰ .
غاشیَه : ۱٦، ۱۷، ۱۰۰ .
فاطِر : ۵٦، ۱۳۲، ۱۵۷، ۱۸۲، ۲۰۷ .
فَتْح : ۵۷ .
فَجْر : ۱٦، ۱۷، ۵۷، ۱۰۰، ۲۰٦ .
فُرْقان : ۵۸، ۱۰۱، ۱٤٦، ۱٤۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸٦، ۱۸۷، ۱۹۸ .
فُصِّلَت : ۵۸، ۱٦۷، ۲۰٦ .
فَلَق : ۵۹، ۱۰۱ .
فیل : ۱۸، ۱۰۱، ۲۰۵ .
قٓ : ۵۹، ۱۰۱ .
قارِعَه : ۲۲٦، ۲۲۷، ۲۲۸ .
قَدْر : ۱۰۲، ۱۲۱
قُرَیش : ۲۵، ۱۰۲ .

قصَص : ۵۹، ۱۲۰، ۱۴۱، ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۹۶، ۱۹۹ .
قَلَم : ۶۰، ۱۰۳ .
قَمَر : ۱۰۳، ۱۰۴ .
قیامت : ۱۶، ۱۰۲ .
کوثَر : ۱۰۴ .
کَهْف : ۶۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۹، ۲۱۰ .
لُقْمان : ۶۰، ۶۱، ۱۰۶، ۱۲۶، ۱۳۴ ، ۱۷۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۰۱، ۲۰۹ .
لَهَب « تَبَّتْ » : ۱۰۶، ۱۶۸ .
لَیْل : ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲ .
مائِدَه : ۶۲، ۱۹۱، ۱۹۲ .
مُجادلَه : ۱۰۶ .
مُحمَّد : ۶۵، ۱۰۷ .
مُدَثِّر : ۲۴، ۶۵، ۱۰۸، ۱۴۲ .
مُرْسَلات : ۲۴، ۱۰۸، ۱۸۴ .
مَرْیم : ۶۶، ۱۰۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۹۳ .
مُطَفِّفین : ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۱۵۸ ، ۱۸۳ .
مَعارج : ۶۶، ۱۸۱ .
مُلْك : ۲۲ .
مُمْتَحِنَه : ۲۱، ۲۲، ۱۳۱، ۱۵۵، ۱۹۴.
مُؤمِن : ۶۳، ۱۹۴ .
مُؤمِنُون : ۶۳، ۶۴، ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۴۵، ۱۷۰، ۱۹۶، ۱۹۷ ، ۲۰۹ .
نازِعات : ۱۶، ۲۳، ۱۰۸، ۱۳۳، ۱۴۳ ، ۱۶۷ .
ناس : ۶۶ .
نَبَاء « عَمَّ » : ۲۴، ۱۵۸ .
نَجْم : ۱۰۹، ۱۴۲، ۱۶۷ .
نَحْل : ۱۵، ۱۸، ۶۶، ۶۷، ۶۸ .
نساء : ۶۷، ۶۸، ۱۰۹، ۱۲۹ .
نَمْل : ۶۸، ۱۲۵، ۱۴۸، ۱۹۹ .
نُور : ۶۸، ۱۴۶، ۱۵۹، ۱۶۰ ، ۱۷۰ ، ۱۹۸، ۲۱۱ .
واقعه : ۱۱۰ .
هُمَزَه : ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۶۸ .
هود : ۶۹، ۷۰، ۱۱۸، ۱۳۹، ۱۹۲، ۲۰۸.
یس : ۷۰، ۷۱، ۱۱۱، ۱۳۲، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۹۴، ۲۰۷ .
یوسف : ۲۰، ۲۳، ۷۱، ۷۲، ۱۱۲، ۱۹۲.
یونس : ۷۲، ۱۱۳، ۱۱۷ .

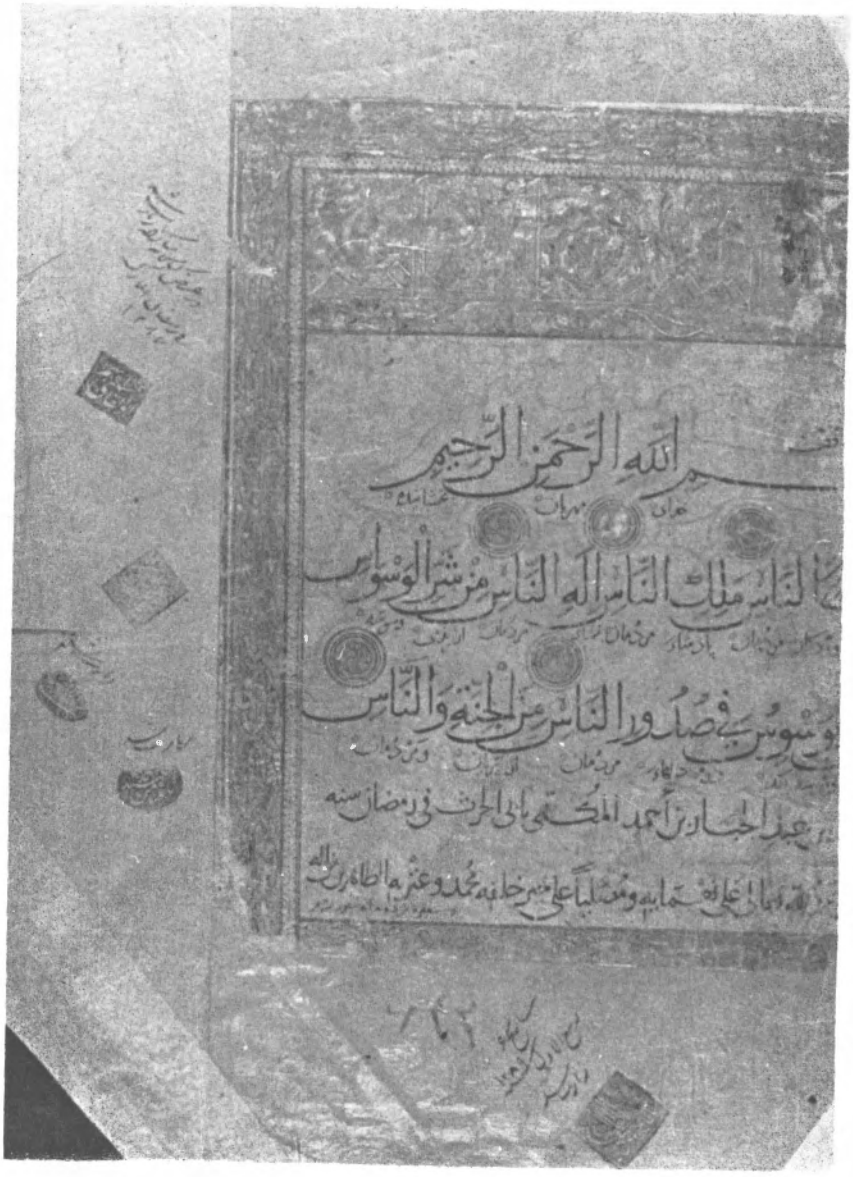
بسم الله الرحمن الرحیم
الناس ملک الناس الٰه الناس من شر الوسواس
وسوس فی صدور الناس من الجنة والناس

گراور شمار ۱

گراور شماره ۳

گراور شماره ۳

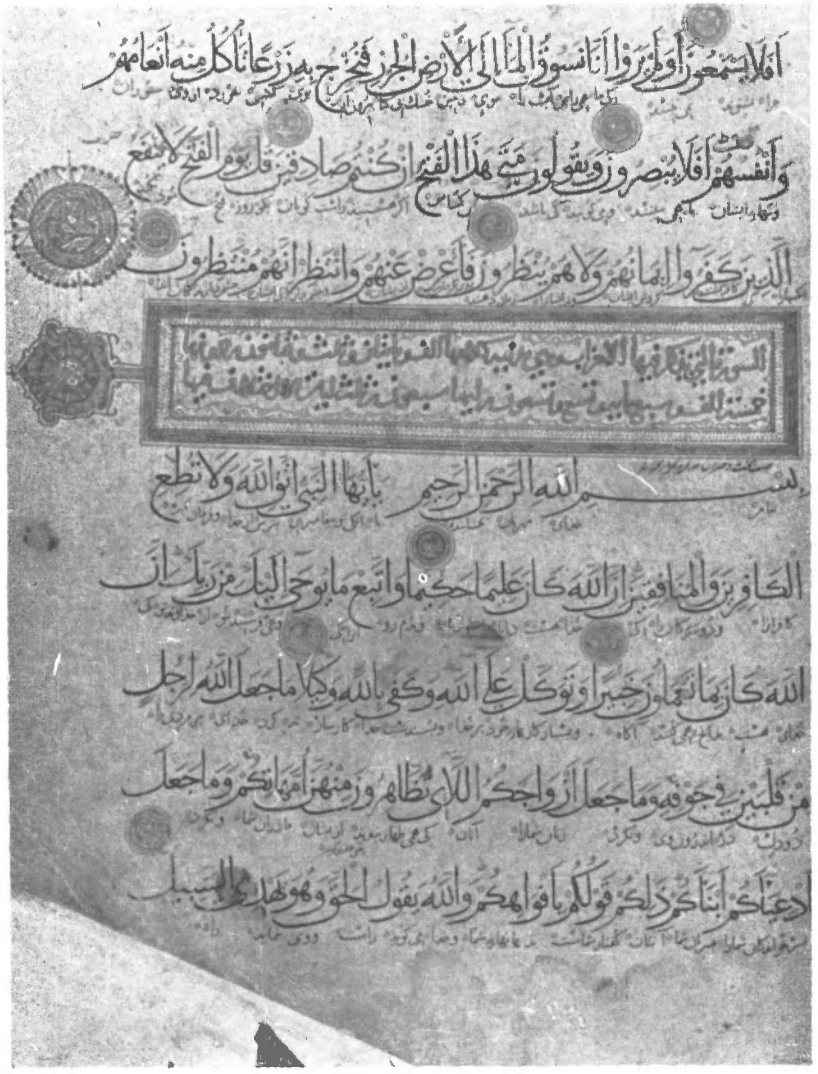

گراور شماره ٤

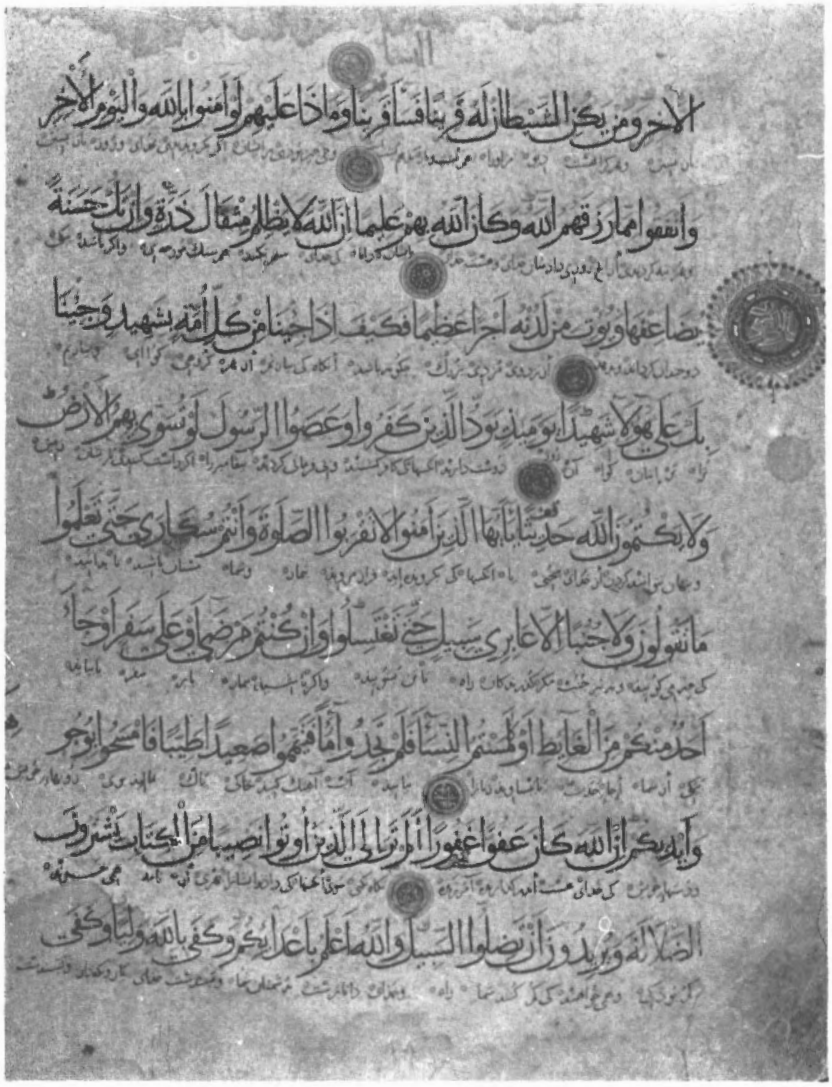

گراور شماره ۵

گراور شماره ٦

گراور شماره ۷

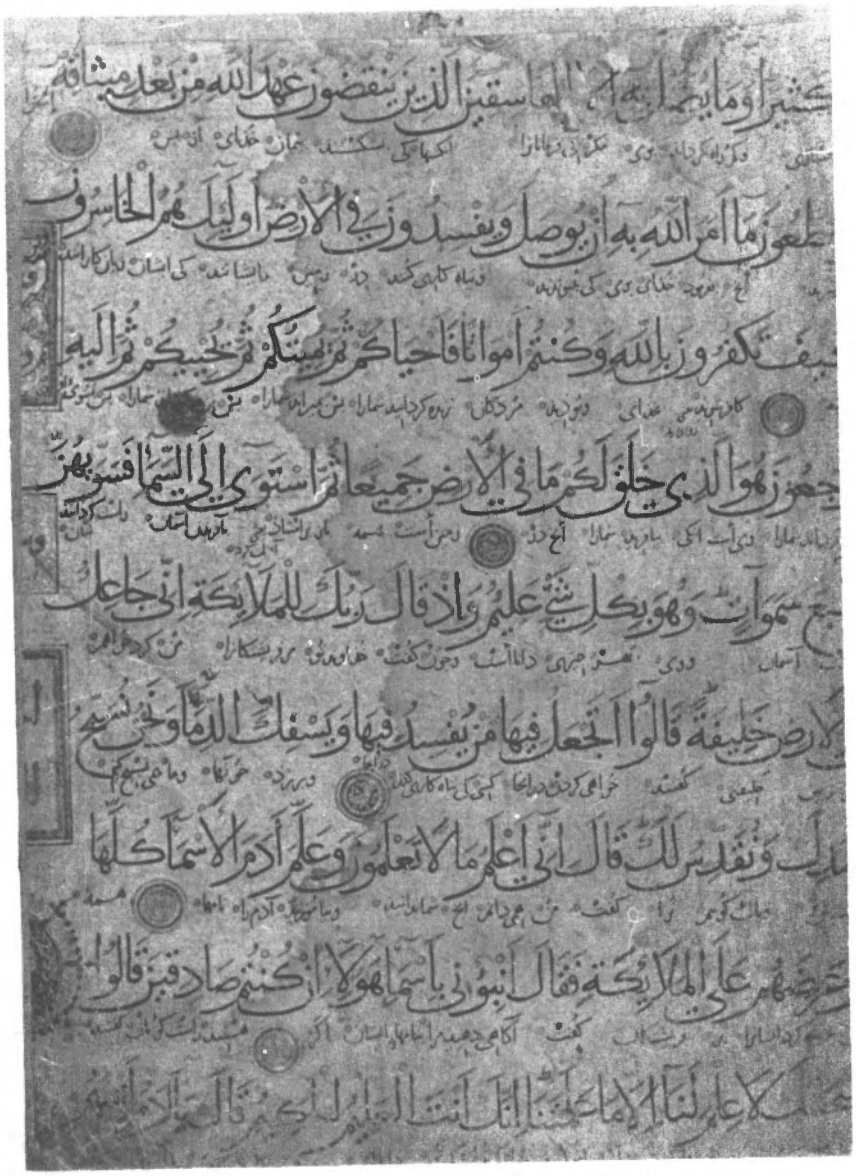

گراور شماره ۸